

بانوی ملکوت

مؤلف: علی کریمی جهرمی

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهم السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تاییبی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

پیش گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلواته على محمد و آله الطاهرين

سالیان سال است که وارد یر بانوی بانوان بهشتی و پاره تن امامان معصوم، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام شده و از سفره انعام و لطف بی دریغ آن ولیة الله بهره مندم.

ده ها سال است که در مرکز امن و امان و در زیر سایه رحمت و احسان دختر گرامی حضرت موسی بن جعفر علیهم السلام جاگرفته و به آن ملجأ مطمئن و ملاذ نوازشگر، ملتجی و پناهنده شده ام.

و با وجود آنکه پناه خواهنده ای درست کار و شایسته نبوده، شرایط و تعددات پناهندگان را رعایت نکرده، درست بدان پای بند نبوده و انجام نداده ام ولی آن مظهر لطف و رحمت خدا مرا طرد نکرده، از در خانه خود نرانده و به دست دیگران نداده و قرین غم دوری و اندوده جدایی و محرومیت نساخته، خلافاکاریها و نادرستیها را نادیده گرفته و از کجیها و کاستیها، که حقیقتاً کم نیز بوده، چشم پوشی کرده، مرا از باب رحمت خود پرت ننموده و دورم نساخته است، بلکه هر روزی که فرا رسیده لطف تازه تری کرده و به جای قهر و خشم بر انعام و احسان خود افزوده است.

در این تفکر و اندیشه، وجدان شرمسارم الهام می کرد که این همه بزرگواری و کرامت نفس را از ولی نعمت خود و کریمه اهل بیت، از یاد نبرم و گامی - هر چند ناچیز - در مسیر سپاسگزاری از آن مظهر لطف و رحمت بی کران خدا، یعنی فاطمه بنت موسی، علیها السلام بردارم.

از این رو بر آن شدم که یادداشت‌هایی را که از سالیان سال راجع به آن مکرمه بی بدیل داشتم، تنظیم نموده تقدیم آستان مبارکش سازم، باشد که در جهان ابدی نیز همچون این جهان جزء پناه یافتگان حضرتش باشم. نتیجه آن کار کتاب حاضر است که به نظر شریف دلدادگان و موالیان آل محمد صلوات الله علیهم و علاقمندان حضرت فاطمه معصومه ارواحنا فداه می‌رسد.

ضمناً یادآور می‌شویم که بحث‌های محوری کتاب، چهار موضوع است:

1- اخبار و روایات مربوطه.

2- قم، حرم اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین.

3- چراغ حرم اهل بیت، فاطمه معصومه، علیها السلام.

4- بحثی از افتخارات و گروهی از مفاخر قم.

و در این مقام اعتراف می‌کنم که این نوشته در برابر کتابهای مفصل و سودمندی که راجع به قم و حضرت معصومه علیها السلام نوشته شده، اثر ناچیزی است، ولی ممکن است این نوشته مختصر نیز مقبول دربار بانوی باجلالت، حضرت معصومه واقع شود و در آن صورت، ارزشمند خواهد بود. علاوه بر این که ممکن است در جایی این مختصر نیز مطالب تازه‌ای داشته باشد که مورد توجه و عنایت اهل مطالعه قرار گیرد و در نتیجه بها و ارزش پیدا کند و اگر هر دو جهت تحقق بیابد، که آن هم لطفی فوق همه الطاف حضر معصومه درباره این جانب است، زاد و توشه راه خطیری که در پیش دارم خواهد بود.

الا فصلوات الله علیها و علی ابیها و اخیهما و ابن اخیهما و من ولده ابن اخیهما

الی القائم الحجّة عجل الله تعالی فرجه

قم / حوزه علمیه / علی کریمی جهرمی

اخبار و روایات

در آغاز چند روایت پیرامون قم و اهل قم و خزینة الهیة مدفون در قم را ذکر می‌کنیم که محور اصلی در استفاده بسیاری از مطالب کتاب به شمار می‌رود:

1- کَشَى رجالی بزرگ نقل کرده که حمّاد ناب گفته است: ما با گروهی در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودیم که ناگهان عمران بن عبدالله قمی وارد شد. حضرت از او احوالپرسی کرده و به او محبت نمودند و اظهار سرور و شادمانی فرمودند. وقتی برخاست، به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: این که بود که اینگونه به او محبت فرمودید؟

امام در پاسخ گفتند: **مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ النَّجْبَاءِ** - یعنی اهل قم - ما ارادهم جبار من الجبابة الا قصمه الله؛ ⁽¹⁾ او از اهل بیت و خاندان نجبا می باشد، یعنی از اهل قم، که هیچ ستمگری از ستمگران، آهنگ هلاک آنان نکرد مگر اینکه خداوند او را در هم شکست و خرد گردانید.

2- روایت دیگری را نیز کَشَى به همین مضمون با اندک اختلاف لفظی راجع به عمران بن عبدالله نقل کرده است.

3- علی بن میمون الصایع نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود: **إِنَّ اللَّهَ اخْتَجَّ بِالْكَوْفَةِ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَى غَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْبِلَادِ وَ اخْتَجَّ بِبَلَدَةِ قُمْ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ بِأَهْلِهَا عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ لَمْ يَدَعْ لِلَّهِ قُمْ وَ أَهْلَهُ مَسْتَضْعَفًا بَلْ وَفَّقَهُمْ وَ أَيْدَهُمْ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الَّذِينَ وَ أَهْلَهُ بِقُمْ ذَلِيلٌ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَأَسْرَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ فَخَرِبَ قُمْ وَ بَطَلَ أَهْلُهُ فَلَمْ يَكُنْ حُجَّةً عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ لَمْ تَسْتَقِرَّ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ لَمْ يُنْظَرُوا طَرْفَةَ عَيْنٍ وَ إِنَّ الْبَلَايَا مَدْفُوعَةٌ عَنْ قُمْ وَ أَهْلِهَا وَ سَيَّاتِي زَمَانٌ تَكُونُ بَلَدَةٌ**

قُمْ وَ أَهْلِهَا حُجَّةً عَلَى الْخَلَائِقِ وَ ذَلِكَ فِي زَمَنِ غَيْبَةِ قَائِمِنَا، عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِلَى ظُهُورِهِ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَدْفَعُ الْبَلَايَا عَنْ قُمْ وَ أَهْلِهِ وَ مَا قَصَدَهُ جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا قَصَمَهُ قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ وَ شَغَلَهُ عَنْهُمْ بَدَاهِيَةٌ أَوْ مُصِيبَةٌ أَوْ عَدُوٌّ وَ يُنْسِي اللَّهُ الْجَبَّارِينَ فِي دَوْلَتِهِمْ ذِكْرَ قُمْ وَ أَهْلِهِ كَمَا نَسُوا ذِكْرَ اللَّهِ. (2)

راستی خداوند به کوفه بر سایر بلاد و به مؤمنین از اهل آن بر دیگر مردمان بلاد احتجاج می کند و به شهر قم بر سایر بلاد و به اهل آن بر تمام مردم مشرق و مغرب از جن و انس، احتجاج خواهد فرمود و قم و اهل آن را بی بهره و دور از معارف رها نکرده، بلکه آنان را موفق داشته و تأیید فرموده است.

سپس فرمود: راستی که دین و اهل دین در قم بی مقدارند و اگر این جهت نبود مردم از هر سو به سوی آن شتابان می آمدند و در نتیجه قم ویران و اهل آن نابود می شدند و دیگر حجتی بر سایر بلاد نبود و هنگامی که چنین می شد، آسمان و زمین استقرار نمی یافت و یک چشم به هم زدن مهلت داده نمی شدند و به راستی که بلا از قم و اهل آن دفع می گردد و به زودی زمانی فرا برسد که قم و اهل آن حجت بر سایر خلائق باشند و این زمان غیبت قائم تا هنگام ظهور اوست و اگر این نبود، زمین اهل خود را فرومی برد و به راستی که ملائکه بلاها را از قم و اهل آن دفع می کنند و هیچ جباری قصد سوء درباره آن نمی کند جز اینکه شکننده پشت جبارین او را در هم خواهد شکست و او را از آسیب رساندن به آن مردم به وسیله رویداد مشکلی یا مصیبت، یا دشمنی، مشغول خواهد گردانید و خداوند، یاد قم و اهل آن را از خاطر جباران و در دولت آنان خواهد برد، چنانکه آنان یاد خدا را فراموش کردند.

با سندهایی که از امام صادق عليه السلام نقل شده، که آن حضرت ذکر کوفه کرده و

فرمودند:

سَتَخْلُوا كُوفَةً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَأْرَزُّ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْرَزُّ الْحَيَّةُ فِي جَحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ ببلدَةٍ يُقَالُ لَهَا قُمْ وَتَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتِ فِي الْحِجَالِ وَذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَ أَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ فَيُفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَيَتِمُّ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينَ وَ الْعِلْمُ ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَصِيرُ سَبَبًا لِنِقْمَةِ اللَّهِ وَ سَخَطِهِ عَلَى الْعِبَادِ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَنْتَقِمُ مِنَ الْعِبَادِ إِلَّا بَعْدَ انْكَارِهِمْ حُجَّةً.⁽³⁾

به زودی کوفه از مؤمنین خالی می گردد و علم از آن قبض و گرفته خواهد شد، بدانگونه که مار در لانه اش گرفته می شود. سپس علم در شهری ظاهر می گردد که قم نامیده می شود و آنجا معدن علم و فضل می گردد؛ به گونه ای که در زمین مستضعفی در دین باقی نماند، حتی زنان پرده نشین. و این نزدیکی ظهور قائم ما خواهد بود، پس خداوند قم و اهل آن را در مقام حجت قرار می دهد و اگر این نبود، زمین اهل خود را فرومی برد و حجتی در زمین باقی نمی ماند، پس علم از قم به سایر بلاد در مشرق و مغرب سرازیر خواهد شد و حجت خدا بر مردم تمام می گردد، آنچنان که احدی بر صفحه زمین باقی نخواهد ماند که دین به او نرسیده باشد. آنگاه قائم ظهور می کند و موجب نقتم و خشم خدا بر بندگان - منحرف - خواهد شد زیرا خداوند از بندگان خود انتقام نمی گیرد، مگر بعد از آنکه آنان حجت را انکار کنند.

5- ابومقاتل دیلمی می گوید: از حضرت علی بن محمد، امام هادی علیه السلام شنیدم که می فرمود: **إِنَّمَا سُمِّيَ قُمْ بِه لِأَنَّهُ لَمَّا؛ ك ك وَصَلَتِ السَّفِينَةُ إِلَيْهِ فِي طُوفَانِ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَامَتْ وَ هُوَ قَطَعَهُ مِنْ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ؛**⁽⁴⁾

همانا قم به این اسم نامیده شد زیرا چون کشتی نوح علیه السلام در جریان طوفان بدانجا رسید، ایستاد - و حرکت نکرد - و آن قطعه ای از بیت المقدس است.

6- از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانَ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ وَ حَوَالِهَا وَ نَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَدْفُوعٌ عَنْهَا ⁽⁵⁾

هنگامی که فتنه ها و آشوب ها شهرها را فراگرفت، بر شما باد که به قم و حوالی و نواحی آن رو بیاورید زیرا که بلا از قم و اطراف و جوانب آن دفع شده است.

7- جماعتی نقل کرده اند که امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا عَمَّتِ الْبَلَايَا فَالْأَمْنُ فِي كُوفَةَ وَ نَوَاحِيهَا مِنَ السَّوَادِ وَ قُمْ مِنَ الْجَبَلِ وَ نِعْمَ الْمَوْضِعُ قُمْ لِلْخَائِفِ الطَّائِفِ ⁽⁶⁾

هنگامی که بلاها فراگیر شد، پس امن در کوفه و نواحی آن از روستاها و در قم از بلاد کوهستانی است و برای ترسناک فرار کننده به هرسو، قم چه جای خوبی است.

8- از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده که فرمودند:

قُمْ عَشُّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَأْوَى شِيعَتِهِمْ وَلَكِنْ سَيَهْلِكُ جَمَاعَةٌ مِنْ شَبَابِهِمْ بِمَعْصِيَةِ آبَائِهِمْ وَ الْأَسْتِخْفَافِ وَ السَّخْرِيَّةِ بِكِبْرَائِهِمْ وَ مَسَايِحِهِمْ وَ مَعَ ذَلِكَ يَدْفَعُ اللَّهُ عَنْهُمْ شَرَّ الْأَعَادِي وَ كُلِّ سُوءٍ. ⁽⁷⁾

قم آشیانه آل محمد و پناهگاه شیعیان آنهاست و لکن به زودی جماعتی از جوانانشان، آنان بر اثر نافرمانی پدران و استهزای به بزرگان و پیش کسوتانشان هلاک خواهند شد و در عین حال، خداوند شر دشمنان و هر بدی را از آنان دفع خواهد فرمود.

9- و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

إِذَا أَصَابَتْكُمْ بَلِيَّةٌ وَعَنَاءٌ فَعَلَيْكُمْ بِقَمٍّ فَإِنَّهُ مَأْوَى الْفَاطِمِيِّينَ وَ مُسْتَرَاخُ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا رَادَ أَحَدٌ بِقَمٍّ وَ أَهْلِهِ سُوءًا إِلَّا أَذَلَّهُ اللَّهُ وَ أَبْعَدَهُ مِنْ رَحْمَتِهِ. (8)

هنگامی که مصیبت و رنجی به شما رسید، بر شما باد به قم، زیرا آنجا مأوای فاطمیین و استراحتگاه مؤمنین است و هیچ کس تصمیم سویی درباره قم و اهل آن نگرفت مگر اینکه خداوند او را خوار کرده، از رحمت خود دور ساخت.

10- و از حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام روایت است که فرمود:

إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَ لِأَهْلِ قَمٍّ وَاحِدٌ مِنْهَا فَطُوبَى لَهُمْ، ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ، ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ (9)

برای بهشت، هشت در است و برای اهل قم یکی از آن درهاست؛ پس خوشا به حال آنان، خوشا به حال آنان، خوشا به حال آنان.

11- سلیمان بن صالح می گوید: در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودیم که ذکر فتنه های بنی عباس و آنچه که از ناحیه آنان به مردم می رسد به میان آمد. ما عرض کردیم: جان ما فدای شما باد، مفرع و مفرر در آن زمان کجا خواهد بود؟ فرمود: به سوی کوفه و حوالی آن و قم و نواحی آن. سپس فرمود: فِي قَمٍّ شِيعَتُنَا وَ مَوَالِينَا وَ تَكَثَّرُ فِيهَا الْعِمَارَةُ وَ يَقْصُدُهُ النَّاسُ وَ يَجْتَمِعُونَ فِيهِ حَتَّى يَكُونَ الْجَمْرُ بَيْنَ بِلَدَتِهِمْ. (10)

شیعیان و دوستداران ما در قم اند و عمارت و آبادی در قم زیاد خواهد شد و مردم آهنگ قم می کنند و در آن گرد می آیند به طوری که نهر مخصوص در میان شهرستان قرار خواهد گرفت.

علّامه مجلسی در این جا می فرماید: و در بعضی از روایات شیعه وارد شده که قم از عمارت و آبادی به جایی برسد که جایگاه یک اسب به هزار درهم به

فروش خواهد رسید. و در بیان روایت فوق می فرماید: جمر، نام نهری از انهار است که قبل از بنای شهر قم جاری بوده است.

12- از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده که فرمود: رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمٍ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ لَا تَزُلُهُمُ الرِّيحُ الْعَوَاصِفُ وَ لَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَ لَا يَجْبُنُونَ وَ عَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. ⁽¹¹⁾

مردی از اهل قم مردم را به سوی حق فرامی خواند. گروهی همانند قطعات آهن به همراه او گرد می آیند که تندبادها آنان را نمی لغزاند، از جنگ خسته نمی گردند، نمی ترسند و بر خدا توکل می کنند و عاقبت از برای اهل تقوا است.

13- عفان بصری می گوید: حضرت صادق علیه السلام به من فرمودند: آیا می دانی برای چه قم بدین نام نامیده شد؟ عرض کردم: خدا و رسول او و شما داناترید. فرمود: إِنَّمَا سُمِّيَ قُمْ لِأَنَّ أَهْلَهُ يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - يَقُومُونَ مَعَهُ وَ يَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَ يَنْصُرُونَهُ. ⁽¹²⁾

قم بدین اسم نامیده شد، زیرا که اهل آن با قائم آل محمد صلوات الله علیه اجتماع نموده و با او قیام می کنند و بر این کار استوار بوده، او را نصرت و یاری می نمایند.

14- صفوان بن یحیی می گوید: روزی در خدمت حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام بودیم که نام قم و اهل آن و میل و توجهی که آنان به مهدی علیه السلام دارند به میان آمد. حضرت بر آنها رحمت فرستاد و فرمود: خدا از آنان راضی و خشنود باشد. سپس اضافه کردند: إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَ وَاحِدٌ مِنْهَا لِأَهْلِ قُمٍ وَ هُمْ خِيَارُ شِيعَتِنَا مِنْ بَيْنِ سَائِرِ الْبِلَادِ خَمَّرَ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَا يَتَنَا فِي طِينَتِهِمْ. ⁽¹³⁾

از برای بهشت هشت در است و یکی از آن درها برای اهل قم می باشد و آنان از بهترین شیعیان ما از میان همه بلادند. خداوند ولایت ما را در طینت آنان عجین کرده است.

15- از گروهی از اهل ری روایت شده که بر حضرت صادق علیه السلام وارد شدند و عرض کردند: ما از اهل ری می باشیم، حضرت فرمودند: مَرَحَبًا بِأَخْوَانِنَا مِنْ أَهْلِ قُمْ؛ آفرین بر برادران ما از اهل قم! عرض کردند ما از اهل ری هستیم. حضرت همان سخن را تکرار کردند. آنان بار دیگر حرف خود را تکرار کردند و امام صادق علیه السلام همان پاسخ را دادند و بعد فرمودند: إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَ هُوَ مَكَّةُ وَ إِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَ هُوَ مَدِينَةُ وَ إِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَ هُوَ الْكُوفَةُ وَ إِنَّ لَنَا حَرَمًا وَ هُوَ بَلْدَةُ قُمْ وَ سَتُدْفَنُ فِيهَا إِمْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. ⁽¹⁴⁾

راستی که برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا حرمی است و آن مدینه است و برای امیرالمؤمنین حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن شهر قم است و به زودی زنی از اولاد من به نام فاطمه در آن سرزمین دفن می شود، پس هرکس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب خواهد شد.

در ذیل این روایت آمده که راوی این روایت می گوید: این سخن را امام صادق علیه السلام در زمانی فرمودند که هنوز حضرت کاظم علیه السلام - پدر حضرت فاطمه معصومه علیه السلام - تولد نیافته بود.

16- از ائمه اطهار علیهم السلام روایت شده که: لَوْلَا الْقُمِيُّونَ لَضَاعَ الدِّينُ؛ ⁽¹⁵⁾ اگر قمی ها نبودند، دین ضایع و تباه می شد.

17- از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت شده است: إِذَا عَمَّتِ
 الْبُلْدَانَ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ وَ حَوَالِيهَا وَ نَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَدْفُوعٌ عَنْهَا؛ ⁽¹⁶⁾
 هنگامی که فتنه ها شهرها را فراگرفت بر شما باد به قم و حوالی آن و نواحی
 آن، زیرا بلا از آن برداشته شده است.

18- از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود: إِنَّ لَعَلَى قُمْ مَلَكًا
 رَفَرَفَ عَلَيْهَا بِجَنَاحَيْهِ لَا يُرِيدُهَا جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا إِذَابَهُ اللَّهُ كَذُوبِ الْمَلْحِ فِي الْمَاءِ ثُمَّ
 أَشَارَ إِلَى عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ: سَلَامُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ قُمْ فَمَنْ يَسْقِي اللَّهَ بِلَادَهُمُ الْعَيْثَ
 وَ يُنْزِلُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْبَرَكَاتِ وَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ هُمْ أَهْلُ رُكُوعٍ وَ سُجُودٍ وَ
 قِيَامٍ وَ قُعُودٍ وَ هُمْ الْفُقَهَاءُ الْعُلَمَاءُ الْفُهَمَاءُ هُمْ أَهْلُ الدَّرَايَةِ وَ الرَّوَايَةِ وَ حُسْنِ الْعِبَادَةِ. ⁽¹⁷⁾

راستی که فرشته ای بالهای خود را بر شهر قم افکنده و حرکت می دهد، هیچ
 ستمگری درباره آن قصد سوء نمی کند مگر اینکه خداوند او را ذوب می کند
 همچون نمکی که در آب ذوب می شود. آنگاه اشاره به عیسی بن عبدالله کرد و
 فرمود: سلام خدا بر اهل قم، خداوند با باران رحمتش بلاد آنان را سیراب
 گرداند و برکات خود را بر آنان نازل فرماید و سیئاتشان را به حسنات تبدیل
 گرداند. آنان اهل رکوع و سجود و قیام و قعودند، آنان فقها، علما و فهیمانند،
 آنان اهل درایت و روایت و عبادت نیکو می باشند.

19- روایت کرده اند که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: تُرْبَةُ قُمْ مُقَدَّسَةٌ وَ
 أَهْلُهَا مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ لَا يُرِيدُهُمْ جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا عَجَّلَتْ عُقُوبَتُهُ مَا لَمْ يَخُونُوا
 إِخْوَانَهُمْ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ جَبَابِرَةً سُوءٍ أَمَا إِنَّهُمْ أَنْصَارَ قَائِمِنَا وَ دُعَاةُ
 (رِعَاة) حَقَّنَا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ: اَللَّهُمَّ اعْصِمْنَهُمْ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَ نَجِّهِمْ
 مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ. ⁽¹⁸⁾

تربت قم مقدس است و اهل قم از مایند و ما از آنانیم. هیچ ستمگری به آنان قصد سوء نمی کند مگر اینکه به سرعت به عقوبت و کیفر خود خواهد رسید و این تا هنگامی است که آنان به برادران خود خیانت نکرده اند. پس اگر خیانت کردند خداوند جباران بدعمل را بر آنان مسلط خواهد کرد. آگاه باشید که آنان - اهل قم - یاران قائم ما و دعوت کنندگان یا رعایت کنندگان حق مایند. آنگاه سر خود را به آسمان بلند کرده و گفت: خداوندا! آنان را از هر فتنه ای نگهداشته و از هرگونه هلاکتی رهایی بخش.

20- ابوصلت هروی می گوید: من در خدمت امام رضا علیه السلام بودم که گروهی از اهل قم وارد شدند و بر آن بزرگوار سلام کردند. حضرت جواب سلامشان را داده و آنها را نزدیک خود جا داد. آنگاه به آنان فرمود: *مَرَحَبًا بِكُمْ وَ أَهْلًا فَإِنَّكُمْ شِيعَتُنَا حَقًّا فَسَيَأْتِي عَلَيْكُمْ يَوْمَ تَزُورُونَ فِيهِ تُرْبَتِي بِطُوسٍ أَلَا فَمَنْ زَارَنِي وَ هُوَ عَلَى غُسْلٍ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وُلِدَتْهُ أُمُّهُ.* ⁽¹⁹⁾

خوش آمدید، آفرین بر شما، شما حقاً شیعیان مایید و به زودی روزی فرا رسد که تربت مرا در توس زیارت کنید. آگاه باشید که هرکس با غسل مرا زیارت کند از گناهان خود خارج می شود مانند روزی که مادر او را متولد ساخته است.

21- حضرت عبدالعظیم حسنی می فرماید: شنیدم که حضرت علی بن محمد - امام هادی علیه السلام - می فرمود: *أَهْلُ قُمٍ وَ أَهْلُ آبَةِ مَغْفُورٍ لَهُمْ لِزِيَارَتِهِمْ لِجَدِّي عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا علیه السلام بِطُوسٍ...* ⁽²⁰⁾

اهل قم و اهل آبه - قریه ای از قرای ساوه - مورد غفران الهی اند، به خاطر اینکه جد من علی بن موسی الرضا علیه السلام را در توس زیارت می کنند.

22- از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که: قم بلدنا و بلد شیعتنا مطهرة مقدسة قبلت ولایتنا اهل البيت لا یریدهم احد بسوءٍ اِلاَّ عَجَلَتْ عُقُوبَتُهُ مَا لَمْ یَخُونُوا اِخْوَانَهُمْ فَادَا فَعَلُوا ذَلِکَ سَلَطَ اللّٰهُ عَلَیْهِمْ جَبَابِرَةً سُوِّءٍ اَمَّا اِنَّهُمْ اَنْصَارَ قَائِمِنَا وَ رِعَاةُ حَقِّنَا ثُمَّ رَفَعَ رَاسَهُ اِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ: اَللّٰهُمَّ اعْصِمْهُمْ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَ نَجِّهِمْ مِنْ كُلِّ هَلَاکَةٍ. (21)

قم شهر ما و شهر شیعیان ماست. پاکیزه و مقدس است. (اهل آن) ولایت ما اهل بیت را پذیرفتند. هیچ کس تصمیم بدی درباره آنان نمی گیرد مگر اینکه در عقوبت او سرعت خواهد شد و این مادامی است که به برادران خود خیانت نکنند. پس اگر خیانت کردند خداوند جباران بدعمل را بر آنان مسلط خواهد کرد. آگاه باشید که آنان - اهل قم - یاران قائم ما و مراعات کنندگان حق مايند. آنگاه سر خود را به آسمان بلند کرده و گفت: خداوندا! آنان را از هر فتنه ای نگهداشته و از هرگونه هلاکتی نجات داده و برهان.

شایان ذکر است که هرچند در بسیاری از این روایات قم را مصون از بلا و محفوظ از شرّ جباران دانسته اند ولیکن در روایت نوزده و بیست و دوم قید کرده اند که تا هنگامی که به برادران خود خیانت نکنند؛ و گرنه شرایط دیگری است و در روایت هشتم تصریح فرموده اند که گروهی از جوانان قم به سبب نافرمانی بزرگان هلاک می شوند.

قم حرم اهل بیت

شاید هرکس کلمه حرم را در مورد قم بشنود و یا در نوشته ای بنگرد فوراً متوجه حرم و بقعه مبارکه فاطمیه؛ یعنی مقدار معینی از زمین که زیر قبه سامیه و گنبد مطهر قرار گرفته است بیفتد و همانگونه که معمول و متعارف است، همان

موضع مبارکی که محصور است و علاقمندان با احترام مخصوص وارد شده و در آنجا زیارت می خوانند به ذهن بیاید.

ولی مقصود ما از حرم در این بحث یک معنای وسیع و مفهوم گسترده ای است و خلاصه منظور سراسر شهر قم و کل این سرزمین مقدّس و شریف است و این بر اساس روایت یا روایاتی است که از اهل بیت علیهم السلام وارد شده و بر اساس آن روایات امام معصوم این سرزمین را متعلق به خود و خاندان خود دانسته و حرم خویش خوانده اند و از این رو قم، سراسر، حرم اهل بیت است.

در لغت آمده حرم آن چیزی است که انسان از آن حمایت و دفاع می کند، چیزی که انتهاک و حرمت شکنی آن روا نیست. لذا بیت المقدّس را حرم اقصی گویند و چون لفظ حَرَمَان گفته شود، مقصود، مکه و مدینه باشد.

با لحاظ این معنا می توان حرم را در اینجا بیت و خانه معنا کرد و گفت: قم، این سرزمین مبارک، خانه اهل بیت و جایگاه آنان و مورد حمایت و دفاع آل محمد علیهم السلام است.

و ما در این مقام به ذکر عناوین توقیرآمیز و مزایای محترمانه این سرزمین پاک می پردازیم و پیش از آن، چون همه سخنها در این فصل راجع به قم است، مختصر سخنی راجع به قم و نام آن می گوئیم.

شهر قم و نام افتخارآفرین آن

قاضی نورالله شوشتری نقل می کند که: حموی و دیگران گفته اند: قم از مداین مستحدثه اسلامی است و اهالی آن همیشه امامیه بوده اند و ابتدای بنای آن در سال 83 هجری قمری و در زمان عبدالملک مروان بوده است.

قاضی خود می گوید: بلده قم شهری عظیم و بلده ای کریم است و از جمله بلادی است که همیشه دارالمومنین بوده و بسیاری از اکابر و افاضل و مجتهدان

شیعه امامیه از آنجا برخاسته اند و انتساب به چنین بلدی اقوی ادله صحت عقیده منسوب الیه است. (22)

ظاهراً اسم «قم» نامی است که عرب بر آن شهر اطلاق کرده اند و از روایات استفاده می شود که این نام منشأ دینی دارد و با مناسبات ایمانی و عقیدتی بدین نام موسوم شده است. اینک به این چند روایت توجه فرمایید:

علامه مجلسی می فرماید: در روایات شیعه آمده که چون رسول خدا ﷺ به معراج برده شد، ابلیس را دید که در این بقعه و سرزمین جایگزین شده است. رسول خدا به او فرمود: قُمْ یا مَلْعُونُ؛ ای ملعون! برخیز. پس آن سرزمین به قم موسوم گردید. (23)

2- و در روایت پنجم از روایاتی که قبلاً ذکر کردیم، از حضرت هادی علیه السلام نقل شد که فرمودند: قم را قم نامیدند چون کشتی نوح در داستان طوفان تا به آنجا رسید، ایستاد و متوقف شد.

3- در روایت سیزدهم از روایات سابقه خواندیم که حضرت صادق علیه السلام به عَفَّان بصری فرمودند: می دانی چرا قم، بدین نام موسوم شده است؟ او عرض کرد: خدا و رسول او و شما داناترید. حضرت فرموده اند: زیرا اهل قم با قائم آل محمد صلوات الله علیه اجتماع کرده و با او قیام می نمایند و بر این امر استقامت ورزیده او را یاری می کنند.

اکنون بنابر روایت اول، اسم قم از خطاب رسول خدا به شیطان، که فرمودند: «قم»، گرفته شده و بنابر روایت دوم از قیام گرفته شده و چون کشتی نوح در این سرزمین قائم شد و ایستاد، لذا آن را قم گفتند و طبق روایت سوم به تناسب حضور مردم قم با قائم آل محمد و قیام اهل قم با آن حضرت و استقامت آنان، این سرزمین را قم نامیده اند.

البته این وجوه و مناسبات، قابل جمع نیز می باشد؛ یعنی می تواند تمام این وجوه، وجه مناسب نام گذاری این شهر به قم باشد کما اینکه روایت سوم خود متضمن سه وجه مناسبت است که هر یک برای نام گذاری کافی بود. یکی حضور مردم قم با حضرت قائم علیه السلام، دیگری قیام آنان با آن حضرت و سوم استقامت آنان در این راه.

مزایا و خصوصیات و عناوین شهر قم

و اکنون به ذکر مزایا و خصوصیات شهر قم در چاچوب آنچه که از روایات استفاده می شود می پردازیم.

1- قم از سوی خداوند متعال حجّت بر بلاد دیگر، شهرها و شهرستانهای مختلف عالم قرار داده شده است.

2- خداوند قم را در حال استضعاف و بیچارگی وانمی گذارد.

3- قم در زمان غیبت قائم علیه السلام حجّت است.

4- ملائکه بلا را از شهر قم دفع می کنند.

5- هرکس قصد سوء درباره قم کند، خداوند او را به داهیه و امر عظیمی یا مصیبتی مبتلا می کند و یا دشمنی را در برابر او قرار می دهد که در نتیجه مشغول به اینها شود و از اعمال اراده خود باز بماند.

همه این مطالب پنج گانه را از روایت سوم استفاده می کنیم.

6- علم در قم ظهور و بروز پیدا می کند.

7- قم معدن علم و فضل خواهد شد.

8- علم و دانش از قم به مشرق و مغرب و تمام نقاط عالم سرازیر خواهد

گردید و همه جا از قم بهره مند می شوند.

این چند مزیت را از روایت چهارم استفاده می کنیم.

- 9- قم، قطعه ای از بیت المقدس می باشد و این مطلب در روایت پنجم آمده است.
- 10- بلا از قم مدفوع است؛ یعنی از آن دفع خواهد شد و این نکته در روایت ششم آمده است.
- 11- قم مأمن است؛ یعنی مرکز ایمنی و امن و امان خواهد بود.
- 12- قم، جایگاه خوبی برای انسان خائف و ترسانی است که به هرسو در طوف و حرکت است. و این دو خصوصیت در روایت هفتم ذکر شده است.
- 13- قم، عَشْر و آشیانه آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین است.
- 14- قم مأوا و پناهگاه شیعیان و پیروان آل محمد ﷺ است و این دو امتیاز از روایت هشتم گرفته شده است.
- 15- قم مأوای فاطمیین؛ یعنی اولاد و ذراری فاطمه زهرا عليها السلام می باشد. امکان دارد قبور فراوانی که از سادات و بنی فاطمه در این شهر است، به خاطر همین جهت باشد که آنان از هرسو رو به قم آورده و آنجا را مأوای خود قرار داده اند.
- و نیز احتمال می رود که مقصود از فاطمیین، دلدادگان و پیروان حضرت فاطمه زهرا باشند و گویا فرموده اند: قم مأوا و مرکز پیروان و دوستان فاطمه عليها السلام است.
- 16- قم محل استراحت و آسایش مؤمنان است.
- 17- هرکس درباره قم تصمیم سوء بگیرد، خداوند او را ذلیل و خوار گردانیده و از رحمت خود دور می سازد.
- 18- قم مرکز شیعیان و موالیان اهل بیت عصمت و طهارت و خاندان پیغمبر است.

این دو خصوصیت مستفاد از روایت یازدهم می باشد.

19- قم مرکز توجّه نفوس و علاقه و اجتماع مردم است. و این دو

خصوصیت مستفاد از روایت یازدهم می باشد.

20- قم حرم خاندان پیغمبر و منزل و بیت آل محمد علیهم السلام بوده و مرکز و

جایگاه و محل توجّه خاص امامان معصوم علیهم السلام خصوصاً از امام صادق علیه السلام به

بعد است. چنانکه حرم خدا، مکه و حرم رسول الله، مدینه و حرم امیرالمؤمنین

علیه السلام، کوفه است.

21- قم مدفن پیکر پاک و مطهر فرزندان امام صادق علیه السلام حضرت فاطمه

معصومه علیها السلام می باشد.

و این دو وجه شرافت بزرگ در روایت پانزدهم با کمال صراحت و روشنی

ذکر شده است.

22- به هنگامی که بلا و گرفتاری عمومیت پیدا کرده و همه جا را فراگیرد

به امر حضرت رضا علیه السلام باید رو به قم و حوالی و نواحی آن آورد.

23- بلا از قم - نوعاً مرفوع و برداشته شده است.

و این دو جهت مورد تصریح در روایت هفدهم است.

24 - قم زیر بال ملیکه است و فرشته آسمانی بال خود را چترمانند بر سر

اهل قم افکنده و باز و بسته می کند.

25- کسی که تصمیم بدی درباره قم داشته باشد، خداوند او را ذوب می کند

چونانکه نمک در آب ذوب می گردد. و این دو امتیاز در روایت هیجدهم آمده

است.

26- تربت قم دارای قداست است.

و این نکته افتخارآمیز در روایت نوزدهم مورد تصریح قرار گرفته است.

27- قم، بلد آل محمد و امامان عليهم السلام است.

28- قم، بلد و شهر شیعیان علی و آل علی علیهم السلام است.

29- قم، مطهر است.

30- قم، مقدس است.

31- قم، سرزمینی است که خود ولایت آل علی را پذیرفته است. البته احتمال می رود که مقصود اهل قم باشند. و این چهار یا پنج خصوصیت را از روایت 22 استفاده می کنیم.

اینها یک سلسله افتخارات و امتیازاتی است که برای شهر قم از لسان خاندان وحی صلوات الله عليهم اجمعین صادر گردیده و مارا متوجه موقعیت عظیم و بزرگ معنوی این سرزمین شریف می گرداند.

و چه بگویم راجع به شهری که معصومین پاک اینگونه آن را ستوده اند و چه افتخارآفرین است شهری که حجّت خدا بر همه بلاد عالم می باشد. شهری که مورد عنایت خداوند بوده و حق تعالی آن را مستضعف رها نخواهد کرد.

شهری که در عصر پر از مشکلات غیبت حضرت ولی عصر، حجّت می باشد. شهری که فرشتگان الهی بلا را از آن دفع می کنند. شهری که تصمیم سوءگیرنده آن را خداوند به داهیه و مشکل بزرگ و مصیبت و دشمن خطرناک دچار می سازد تا از تصمیمش باز بماند. شهری که مهد علم و دانش و محل بروز حرکت‌های علمی است. شهری که معدن علم و کانون فضیلت و فرهنگ اسلامی خواهد گردید. شهری که علم و دانش، سیل مانند از آنجا به اطراف و اکناف دنیا سرازیر خواهد گردید و بالاخره اقطار جهان را تغذیه علمی می کند.

شهری که قطعه ای از بیت المقدس - شهر پیامبران و مدفن انبیا است.

شهری که بلا از آن دفع شده و خواهد شد.

شهری که مأمّن و بهترین موضع برای انسان ترسان و بهر هرسو در حرکت و فرار خواهد بود.

شهری که آشیانه آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین و مأوای شیعیان و هواخواهان آنان است.

شهری که مأوای فاطمیین و جایگاه آسایش مؤمنان می باشد.

شهری که مرکز موالیان و دلدادگان خاندان پیغمبر و نقطه توجه نفوس و اجتماع مردم است.

شهری که حرم اهل بیت و مدفن بانوی گرانقدر آل محمد، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است.

شهری که به هنگام فراگیر شدن بلاها باید به آنجا روی آورد و بلا از آنجا برداشته شده است.

شهری که زیر چتر بال ملک است و کسی که تصمیم ناروایی درباره آن داشته باشد به کلی نابود خواهد گردید.

شهری که تربت و خاک پاک آن از قداست خاصی برخوردار است.

راستی شهری عجیب و سرزمینی شگفت انگیز است! کسانی که روی زمین آن راه می روند، در سرزمین مقدس راه می روند و آنانکه در این شهر ساکن و مقیمند، در عیش آل محمد و در حرم اهل بیت پیغمبر اقامت گزیده اند.

و در آخر قم، شهری است که متجاوز از چهارصد امامزاده واجب التعظیم در آن آرمیده و مدفونند و این خاک مقدس، پیکر پاک این عدّه کثیر از آل علی علیهم السلام را در خود جای داده است و علما و فقها و محدثین بزرگ شیعه و

اصحاب ائمه عليهم السلام به قدری در سرزمین قم، به ویژه در حول و حوش حرم شریف و صحن مطهر حضرت معصومه مدفونند که به شمار نمی آیند. و روی این قداست خاص است که فقیه نامدار و اصولی جلیل القدر مرحوم حاج محمد ابراهیم کلباسی - کرباسی - اعلی الله مقامه مرجع معاصر مرحوم میرزای قمی بنا بر آنچه که منقول و معروف است هنگامی که از اصفهان به قم می آمد، از پل علیخانی - دروازه معصومه سابق - یا از مسجد امام حسن عسکری عليه السلام کفش های خود را بیرون آورده و به دست می گرفت و تا حرم مطهر پیاده می رفت و می فرمود: در اینجا علمای ابرار و اصحاب ائمه و محدثان بسیار آرمیده اند و سراسر این قسمت، قبور آن بزرگواران است.

مزایای مردم قم

به مقتضای روایات سابقه مردم قم دارای مزایا و افتخارات فراوانند:

- 1- آنان جزء اهل بیت هستند.
- 2- آنان مردمی نجیب و بزرگوارند، نجبای مردم به شمار می روند.
- 3- کسی که تصمیم بد درباره آنان بگیرد خداوند او را درهم می شکند. و این سه مطلب از روایت اول استفاده می شود.
- 4- خداوند با مردم قم بر سایر مردم احتجاج خواهد کرد.
- 5- خداوند آنان را مستضعف نخواهد گذاشت.
- 6- خداوند متعال آنان را موفق و مؤید می دارد.
- 7- بلا از مردم قم دفع خواهد گردید.
- 8- اهل قم حجت بر خلائق در زمان غیبتند.
- 9- هرکس اراده بدی نسبت به آنان کرد، خداوند او را ذلیل و خوار و از رحمت خود دور ساخت.

- و این مطلب در روایت نهم مورد تصریح واقع شده است.
- 10- برای مردم قم دری مخصوص از درهای بهشت است.
- 11- امام علیه السلام سه بار درباره آنان «طوبی لهم؛ یعنی خوشا به حالشان» فرموده است. و این دو مطلب در روایت دهم آمده است، چنانکه مطلب اول در روایت چهاردهم نیز آمده است.
- 12- مردی از اهل قم دعوت به حق می کند.
- 13- اهل قم با قائم آل محمد صلوات الله علیه اجتماع کرده و او را یاری می نمایند.
- و این سخن در روایت سیزدهم آمده است.
- 14- طلب رحمت و رضا و خشنودی خداوند برای مردم قم از ناحیه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شده است.
- 15- آنان بهترین شیعیانند.
- 16- خداوند ولایت اهل بیت را با ذات آنان عجین کرده است. و این سه نکته در روایت چهاردهم ذکر شده است.
- 17- اهل قم برادرخواندگان اهل بیت اند.
- و این مطلب در روایت پانزدهم آمده است.
- 18- اگر قمی ها نبودند دین ضایع می شد.
- این نکته افتخارآمیز در روایت شانزدهم آمده است.
- 19- مورد سلام و درود امام علیه السلام هستند.
- 20- مشمول دعای امام علیه السلام هستند که خداوند بلادشان را با نزول باران سیراب گرداند.
- 21- مشمول دعای امامند که خدا برکاتش را بر آنان نازل گرداند.

- 22- و دعای امام علیه السلام که خدا سیئاتشان را به حسنات مبدل گرداند.
- 23- آنان اهل رکوع و سجود و قیام و قعودند.
- 24- آنان فقهایند.
- 25- و نیز علمای فهیم و دانا می باشند.
- 26- اهل درایت، فهم و دانایی و روایتند.
- 27- اهل عبادت نیکو و شایسته می باشند.
- این نه مطلب پرافتخار در روایت هیجدهم ذکر شده است.
- 28- امام علیه السلام مردم قم را از خاندان خود و خاندان خود را از آنان برشمرده است.
- 29- آنان انصار قائم آل محمد علیه و علیه السلام هستند.
- 30- آنان دعوت کننده یا رعایت کننده حقوق اهلبیتند.
- 31- مورد دعای امام صادق که خداوند آنان را از هر فتنه ای نگذاشته و از هرگونه هلاکتی نجات بخشد.
- و این مطالب چهارگانه در روایت نوزدهم آمده است. چنانکه سه مطلب اخیر در روایت 22 نیز آمده است.
- 32- تصدیق و امضای تشیع اهل قم با ذکر کلمه «حقاً» و برای تأکید صورت گرفته است.
- 33- آنان از دیر زمان زائران حضرت رضا علیه السلام بوده اند.
- و این دو نکته در روایت 20 ذکر شده است.
- 34- اهل قم و نیز اهل آبه - از قرای ساوه - به برکت زیارت حضرت رضا علیه السلام مورد غفران الهی اند.

35- هرکس تصمیم سویی درباره آنان گرفت، تعجیل در کیفر او خواهد شد. و این مطلب در روایت بیست و یکم و بیست و دوم ذکر گردیده است.

راستی این همه شرف و افتخار و نقطه های روشن برای چه مردمی جز اهل قم وارد شده است؟!

مردمی که خداوند با آنان بر دیگران احتجاج می کند، مردمی که خداوند آنان را مستضعف و عقب افتاده رها نخواهد کرد، مردمی که مورد توفیق و تأیید الهی بوده و بلا از آنان دفع می شود و در زمان غیبت، حجت بر مردمان دیگرند.

مردمی که هرکس سوءنیت درباره آنان داشته باشد، خداوند او را خوار و زبون می دارد و از رحمت خود دور می سازد.

مردمی که یک در بهشت ویژه آنان بوده و امام علیه السلام در مقام تقدیر و تکریم آنان سه بار جمله «خوشابه حالشان» را ذکر کرده اند.

مردمی که یک شخصیت ممتاز از میان آنان برمی خیزد و ملت را به سوی خدا دعوت می کند.

مردمی که با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه همراه بوده و او را یاری می کنند. مردمی که شیعیان برتر بوده و ولایت آل محمد علیهم السلام در سرشت ذات آنان عجین شده است.

مردمی که امام آنان را برادران خود خوانده و اگر آنها نبودند دین الهی ضایع می گردید.

مردمی که مورد سلام امام علیه السلام قرار گرفته و با جمله افتخارآفرین: سَلَامُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ قُمْ، سلام الهی نثار آنان شده است.

مردمی که امام معصوم از خدا خواسته که بلادشان را سیراب کرده، برکاتش را بر آنان نازل گردانیده و گناهانشان را به خوبی و ثواب مبدل فرماید.

مردمی که اهل رکوع، سجود، قیام و قعود بوده، فقها و علمای فهیم و دانا قلمداد شده اند و اهل درایت، روایت و عبادت نیکو می باشند.

مردمی که امام علیه السلام آنان را از خود و خود را از آنان قلمداد کرده و انصار مهدی موعود و دعوت کنندگان یا مراعات کنندگان حقوق خاندان پیامبرند.

مردمی که مشمول دعای خیر امام علیه السلام می باشند که از هر فتنه ای مصون و از انواع هلاکتها محفوظ بمانند.

مردمی که امام علیه السلام مؤکدانه آنان را شیعه خوانده و تشیعشان مورد گواهی حجّت خدا واقع شده و بالاخره مردمی که همواره اهل زیارت حضرت رضا علیه السلام بوده و به برکت زیارت آن بزرگوار، مورد مغفرت الهی اند.

بدون تردید هیچ سرزمین و جایگاهی نیست که اینقدر فضیلت و منقبت داشته باشد.

و اکنون که اهل قم اینقدر مناقب دارند بجاست که موضع سراسر توقیر و تکریم خود را حفظ نموده، شایستگی خود را برای این همه افتخارات با خوبی، ایثار، تقوا و کرامت نفس به اثبات برسانند.

در اینجا ناگزیر این نکته را تذکر می دهیم که بعید است این همه تعظیم و احترام برای هرکسی باشد که در این شهر اقامت کرده و در آن فروآمده یا از آنجا نشأت گرفته باشد، بلکه در کلمه اهل بیت، اهل بیت افتاده و اگر لغت در این موضوع همراهی نکند لسان دین آن را تأیید و امضا کرده است.

چنانکه خداوند در داستان حضرت نوح علیه السلام و فرزندش می فرماید: نوح

گفت: إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ؛⁽²⁴⁾

خداوندا پسر من از اهل من است و وعده تو - راجع به نجات اهل من - حق است. خطاب شد: **إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ؛** ⁽²⁵⁾ نه، این پسر از اهل تو نیست، او عملی ناصالح است (فردی منحرف و گناهکار است).

راستی این آیه وحشت زاست! نکند ما در قم باشیم ولی اهل قم نباشیم و بالاخره باید مرد و زن و دختر و پسر و اهل قم ممتاز باشند؛ به طوری که الگوی پاکی و پرهیزگاری و اخلاق حسنه و ساده زیستی و حیا و عفت و راستی و درستی، برای مردمان بلاد دیگر به شمار آیند و نیاید روزی که آنان دنباله رو شهرهای دیگر و یا دنباله رو غریبه‌های منحرف و دور از حیا باشند که:

أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ.

و چنین به یاد می آید که مرحوم آقای حاج شیخ مرتضی انصاری واعظ شهیر قمی رضوان الله علیه در یکی از منابر خود خطاب به مأمورین دولتی زمان طاغوت یا خطاب به خصوص رئیس شهربانی می کرد و می گفت: شما هر روز اول صبح یک دور تسبیح بگو: اینجا قم است. اینجا قم است.

راستی این خود نکته جالبی است و بجاست که مردم قم و پسران و دختران قمی فراموش نکنند که اهل قم می باشند و هر کاری و هرگونه لباسی شایسته شأن آنان نیست و نیز بجاست که هرکس که در قم زندگی می کند و در آن اقامت دارد، هر روز به یاد خود بیاورد که اینجا قم است و شهر اهل بیت و حرم آنان و مأوای او آشیانه آل محمد است و در نتیجه حفظ حرمت حرم و حریم اهل بیت و ملاحظه و مراعات احترامات صاحب‌البیت و صاحب‌البلد: یعنی حضرت فاطمه معصومه عَاطِقَاتُهَا را بنماید.

چراغ حرم اهل بیت، فاطمه معصومه علیها السلام

فواطم آل هاشم و فاطمه معصومه علیها السلام

در خاندان اهل بیت، علیها السلام بانوانی به نام فاطمه بوده اند که دارای شخصیت ممتاز و مقامات عالیه می باشند و ممتازترین این بانوان گرانقدر، پنج نفرند که به صورت گذرا از آنان سخن می گوئیم.

1. فاطمه بنت اسد، مادر پرافتخار حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

او بانویی سرافراز است که از مزایای گوناگون برخوردار بوده و در میان همه زنان جهان، از اولین و آخرین، تنها زنی است که از جهان غیب برای مراسم وضع حمل به داخل کعبه فراخوانده شد و هدایت گردید و در آن مکان فوق العاده مقدّس، فرزند بی نظیر خود علی علیه السلام را متولد ساخت. این جریان را علاوه بر علما و مورخان شیعه، عده ای از علما و مورخان اهل سنت نیز نقل کرده اند.

او از جمله مهاجرین از مکه به سوی مدینه طیبه به شمار می رود و قبل از مهاجرت، از روی علاقه و صفا اسلام را پذیرفته بود. وی اول هاشمیه ای است که فرزند سرافراز او به خلافت اسلامی رسید.

این بانوی بالیمان و مهاجر، در مدینه طیبه دار فانی را وداع گفت و از دنیا رفت.

ابن اثیر می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را در جامه و پیراهن خود کفن کرد و در قبر او خوابید و برای او از خداوند درخواست جزای خیر فرمود. به آن بزرگوار عرض شد: در مورد جنازه فاطمه کاری کردید که نسبت به هیچ کس دیگر چنین ننمودید؟

رسول خدا فرمود: **إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ بَعْدَ أَبِي طَالِبٍ أَبْرَبِي مِنْهَا إِنَّمَا الْبَسْتَهَا قَمِيصِي لِيَتَكْسَى مِنْ حُلْلِ الْجَنَّةِ وَاضْطَجَعْتُ فِي قَبْرِهَا لِيُهَوَّنَ عَلَيْهَا عَذَابُ الْقَبْرِ؛** ⁽²⁶⁾ بعد از ابوطالب هیچ کس درباره من نیکوکارتر از او نبود و من پیراهن خود را به وی پوشاندم تا از حله های بهشتی بر او پوشانده شود و در قبر او خوابیدم تا عذاب قبر بر او آسان گردد.

2. حضرت فاطمه زهرا دخت رسول الله ﷺ.

او سیده نسای جهانیان و سرور بانوان بهشتی و بزرگترین مظهر قداست در طبقه بانوان است. فاطمه مادر گرامی دو سبط رسول الله، حضرت امام حسن و حضرت امام حسین است. یازده امام معصوم از بطن پاک او ولادت یافته اند؛ چنانکه همسر گرامی امام امیرالمؤمنین علیه السلام بود. وی در نظر پیامبر گرامی اسلام و حضرت علی علیه السلام احترام ویژه ای داشت و مورد تکریم و اجلال همه امامان معصوم علیهم السلام بود؛ بلکه بعضی از آنها مانند حضرت امام محمدباقر علیه السلام در حالت تب و کسالت، توسل به حضرت فاطمه پیدا کرده و به یاد او بودند و نام مقدس وی را بر زبان می راندند.

3. فاطمه دختر امیرالمؤمنین علیه السلام.

او از یکی از همسرانی که حضرت علی علیه السلام بعد از حضرت زهرا علیها السلام اختیار کردند، تولد یافت. چنانکه عالم بزرگ شیعه، شیخ مفید به این موضوع تصریح کرده است. ⁽²⁷⁾ این بانوی معظمه مورد احترام خاندان پیامبر و صحابه آن بزرگوار بود و همچون حضرت زینب کبری مواظبت بر حال بقایای دودمان آل علی علیهم السلام را بر عهده داشت.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل می کنند که: چون فاطمه بنت علی بن ابیطالب، نظر به کارهای عبادی و شدت کوشش فرزند برادرش علی بن الحسین

(زین العابدین) در عبادت انداخت و دید که او خود را به رنج انداخته است به نزد جابر آمد و فرمود: ای همنشین رسول الله برای ما بر شما حقوقی است و از حق ما بر شما این است که چون دیدید یکی از ما خویشتن را برای تلاش در عبادت به هلاکت انداخته است، مصراً او را سوگند دهید و از او بخواهید که خود را از بین نبرد و برنامه عبادت و ریاضت خود را کم کند و این علی بن الحسین باقی مانده و یادگار پدرش حسین است که بینی او زخم شده و جبهه و زانوهای او کف دستهایش پینه آورده و برای عبادت، خویشتن را بدین حال انداخته است.

جابر به خانه علی بن الحسین آمد. حضرت باقر علیه السلام با چند نفر از کودکان بنی هاشم جلوی در خانه ایستاده بودند. جابر از او پرسید تو کیستی؟ فرمود: محمد بن علی بن الحسین. او گریه کرد و گفت: واللّٰه تو باقری که علم را می شکافی. و سلام پیامبر را به او رسانید و بعد از او خواست که از پدر بزرگوارش برای وی اذن ملاقات بگیرد. امام باقر علیه السلام رفت و برگشت و اذن داد. او وارد شد و از حضرت علی بن الحسین که عبادت در همه بدنش اثر گذاشته بود درخواست کرد که برنامه عبادی خود را کم کند ولی حضرت فرمود: لا ازال علی منہاج ابوی مؤتسیاً بہما صلوات اللہ علیہما حتی القاہما...؛ من پیوسته راه دو پدر بزرگوارم، پیامبر و علی صلوات اللہ علیہما را ادامه می دهم تا به ملاقات آنان برسم و از دنیا بروم. ⁽²⁸⁾

4. فاطمه بنت الحسین. او دختر سیدالشہدا علیہ السلام و مورد محبت شدید آن حضرت بود و مجمع کمالات به شمار می رفت. حضرت امام حسین علیہ السلام برای شدت علاقه به مادرش حضرت فاطمه، دختر خود را به نام آن حضرت نام گذاری کرده بود.

خطبه ای بس غراً و جالب و کوبنده از آن بزرگ بانوی آل عصمت نقل شده که در کوفه خوانده اند و در آن خطابه آتشین مظلومیت جدّ بزرگوارش حضرت علی علیه السلام و پدر مظلومش امام حسین علیه السلام را به صورتی بسیار جالب و با عباراتی دلگداز بیان کرده و این خطبه به تنهایی بیانگر شخصیت والا و درخشان بیان جذّاب، شجاعت و قهرمانی آن بانوی بزرگ اسلام است.

5. فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام.

شیخ مفید اعلی الله مقامه می نویسد: برای حضرت ابوالحسن موسی علیه السلام سی و هفت فرزند پسر و دختر بود و ضمن برشمردن آنان می فرماید: و فاطمة الكبرى و فاطمة الصغرى...⁽²⁹⁾

و ظاهر این است که حضرت فاطمه معصومه علیه السلام همان فاطمه کبری باشد. هرچند شیخ مفید قدّس سرّه راجع به این موضوع سخنی نفرموده است. بالاخره این بانوی گرانقدر دارای مقامی بس شامخ و رفیع می باشد و ائمه طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين از این بانوی باجلالت و با تمام جلیل و تکریم یاد کرده اند و حتی پیش از ولادت آن حضرت، بلکه پیش از ولادت پدر بزرگوارش نام او بر لسان بعضی از ائمه طاهرين صلوات الله عليهم اجمعين آمده و از مقام شامخش سخن گفته اند.

و بر اثر همین تجلیلات خاصه ای که امامان معصوم از او کرده و به اقتضای فضایل ذاتی و منقبتهای فراوانی که در وجود پاک او متبلور است، شهر قم از عظمت و جلال خاصی برخوردار گردیده، مرکزیت برای جهان تشیع پیدا کرده و امروز قم شهرت جهانی دارد و اولین چیزی که از لفظ و واژه «قم» به اذهان مردمان جهان تداعی می شود، حضرت فاطمه معصومه علیه السلام و قبر منور آن حضرت است که به عنوان یک زیارتگاه بسیار مهم در همه جا تلقی می شود و

شهرستان قم از دیرزمان به عنوان یک شهر زیارتی قلمداد می شده است که صرفاً برای زیارت قبر منور حضرت معصومه علیها السلام از راه های دور و نزدیک به آنجا آمده، این ضریح مطهر و بقعه و بارگاه باشکوه را زیارت می کرده اند. چنانچه قبلاً ذکر شد نام نامی آن بانوی معظّمه، فاطمه است که گاهی هم به عنوان فاطمه کبری از او نام برده شده است، زیرا حضرت موسی بن جعفر علیه السلام دختر دیگری نیز به نام فاطمه داشته اند که برای تمایز آن دو از یکدیگر فاطمه مدفون در قم را فاطمه کبری نامیده اند و در فقره ای از فقرات زیارت آن معظّمه به همین نام از آن حضرت یاد شده است؛ آنجا که می خوانیم «یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة».

و در عین حال شهرت کامل و گسترده ای به «معصومه» پیدا کرده اند به گونه ای که گاهی اسم مبارکشان برای بسیاری ناآشناست، ولیکن واژه معصومه برای همگان آشنا بوده و یادآور همین بانوی با عظمت و وقار و یادگار حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می باشد و معرف و امتیاز روشن قم به شمار می رود. بلکه در قسمتی از بلاد جنوبی و احیاناً مناطق دیگر، قم را همراه با نام مقدّس معصومه یاد می کنند و به عنوان معصومه قم نام می برند.

و این خود مسأله ای قابل توجه و تعمّق است که این لقب از کجا نشأت یافته است. آیا لقبی است که از ناحیه قدس پدر بزرگوار یا برادر عالیقدرش حضرت رضا علیه السلام، یا از امامان بعد صلوات الله علیهم اجمعین سرچشمه گرفته؟ یا اینکه این لقب، لقبی مردمی و خودجوش است که بر اثر شدت پاکی و طهارت نفسی که از آن حضرت سراغ داشتند به وجود آمده و تحقق یافته است و مردم مسلمان و دلدادگان اهل بیت عصمت و خاندان پیغمبر اکرم صلوات الله علیهم اجمعین، او را بدین لقب مقدّس و افتخارآمیز خوانده و یاد کرده اند؟

احتمال اول: ضعیف است، زیرا اگر این لقب امری قراردادی از ناحیه معصومی از امامان بود به طور طبیعی نقل می شد و در کلمات مورّخین و محدّثین می آمد؛ در حالی که تاکنون بدین موضوع برخورد نکردیم. چنانکه شیخ مفید که همه فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پسر و دختر را نام می برد و حتی اینکه هر کدام از کدام مادر بوده اند را نیز یادآوری می نماید، از ذکر معصومه در کلامشان اثری نیست، با آنکه نام مقدّسش را که فاطمه است، ذکر کرده اند.

بنابراین احتمال مردمی بودن این لقب پرافتخار برای آن بانوی مکرمه بسیار قریب به نظر می رسد. چنانکه می دانیم بعضی از شخصیتهای بزرگ، بر اثر عظمت و جلالت، قدر و پایگاه رفیع و موقعیت عظیمی که در جامعه دارند به لقب افتخارآمیزی در میان مردم اشتها پیدا می کنند.

در مورد حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به لحاظ اینکه به روایت صحیح مستندی در جوامع شیعی برخورد نکردیم، بلکه حتی روایت مرسلی را هم در این باب نیافتیم که امام علیه السلام آن حضرت را به این عنوان خوانده و یا این لقب را برای او قرار داده باشند؛ بنابراین بعید نیست که مردم و علاقمندان خاندان پیغمبر آنقدر عظمت و جلالت و رفعت شأن آن بانوی مکرمه را دریافت کرده و احساس نموده و یا از لسان ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین شنیده بودند که آن معظمه را تالی و ثانی امامان و معصومین پاک دانسته و این لقب برای وی به زبانشان جاری شده است و به مرور زمان بدان، اشتها پیدا کرده باشند.

باری، این لقب مبارک از از همان دست القاب خودجوش و الهام مانند است که بدون تشریفات و تبانی اشخاص به ذهن خود مردم آمده و به فکرشان القا

شده است و این نوع پیدایش لقب برای انسان از ارزش و اعتبار فوق العاده برخوردار می باشد که نشأت گرفته از الهام درون و ضمیر بیدار جامعه است و بالاخره مستند به ملکات فاضله و مقامات عالی و جایگاه رفیع آن شخص می شود که موجب شده مردم، آن لقب را برای او قرار داده اند.

درخشش حضرت معصومه علیها السلام

در میان امامزادگان بزرگوار و واجب التعظیم، چند امامزاده بسیار ممتازند، آنان امامزادگان عالیقدر و والامقامی اند که گوی سبقت را در فضایل و مناقب و کرامت نفس و بزرگواری از سایر امامزادگان ربوده اند و مقامات عالیه آنان به شرح و بیان نمی آید و قلم از نگارش رتبه والایشان عاجز و ناتوان است.

از جمله این چند نفر امامزاده ممتاز و والامقام، حضرت سیده علیا، فاطمه مدفون در قم معروف به حضرت معصومه علیها السلام است.

در جلالت قدر و رفعت مقام و مرتبه والای آن بانوی آسمانی همین بس که مورد احترام و تقدیس حضرات امامان معصوم و پیشوایان آسمانی سلام الله علیهم اجمعین بوده و چنانکه قبلاً اشاره کردیم، پیش از آنکه پا به دنیا نهد، از فضایل و مکرمتهایش سخنها گفته اند و سفارش زیارت قبر شریفش را به دوستان و محبان کرده اند.

مدح و ثنایی که از لسان عصمت، تراوش کند و صادر شود، بزرگترین شرف و افتخار است.

از جمله مناقب و شرافتهای افتخارآمیز آن بزرگوار، ورود یک صورت زیارت یا به تعبیر معروف، یک زیارتنامه مخصوص برای حضرت معصومه علیها السلام از ناحیه امامان صلوات الله علیهم اجمعین می باشد.

آری، ورود دستور خاص در کیفیت زیارت آن بانوی بهشتی، حکایت از شأن عظیم و مقام رفیع و رتبه والای او می کند.

از جمله فضایل و مناقب حضرت فاطمه معصومه علیها السلام علاوه بر انتساب بسیار نزدیک به خانه وحی و تنزیل و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و نیز ابوالائمة الطاهرین، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، انتساب بی واسطه به سه نفر از امامان معصوم و حجج بالغه الهیه است که نشانگر عالیتین شرف خانوادگی آن مجلله گرانقدر، به شمار می رود.

آری آن سیده والا مقام، دخت بلنداختر حجة الله الاعظم، حضرت ابابراهیم موسی بن جعفر ارواحناله الفداه، امام هفتم شیعیان جهان است و نیز خواهر عزیز و گرامی ولی اعظم پروردگار، حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء،

امام هشتم شیعیان عالم است و همینطور عمه محترمه و گرانقدر حجة الله علی العباد، حضرت امام محمدتقی، جواد، علیه السلام نهمین امام مفترض الطاعة شیعیان در اقطار جهان است.

و این فضیلت بزرگ، راهگشا به سوی فضیلت و جلالت دیگری است و آن مشابهت به حضرت علیامعظمه، زینب کبری علیها السلام است، زیرا او بانویی است که این سه جهت و این سه امتیاز در وی جمع شده است.

آری، حضرت زینب کبری دختر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است چنانکه خواهر حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهما السلام است و نیز عمه حضرت امام زین العابدین علیه السلام می باشد.

باری، مطلب فوق یعنی انتساب بسیار نزدیک و بلاواسطه حضرت معصومه علیها السلام نکته ای جالب و روحبخش را در پی دارد و آن این است که این انتساب به

مثلت شریف و مقدّس و ارتباط به سه امام معصوم علیهم‌السلام، مقتضی آنست که بزرگداشت و تکریم مقام والای آن خانم با جلالت صبغه دیگری پیدا کند و روشن تر آنکه بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام بزرگداشت مقام این سه امام بزرگوار است و طبیعی است که تکریم و احترام از شخصی، تکریم افراد بسیار نزدیک آن خانواده مانند پدر و برادر و دیگر نزدیکان اوست و به تعبیر دیگر، بزرگداشت آن مکرمه، بزرگداشت آن حضرت در مرحله نخستین و بزرگداشت مقام رفیع آن سه بزرگوار در مرحله دوم و بزرگداشت کلّ خاندان پیامبر و بیت جلیل و رفیع رسالت و امامت است؛ چه آنکه حضرت معصومه دسته گل زیبای بی مثالی از باغ رسالت و بوستان ولایت صلوات الله علیهم اجمعین است.

مطلبی که در نشان دادن مقام والا و با عظمت حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام نقش مهمی دارد، فقره ای از زیارت آن حضرت است که می فرماید: انّ لک عند الله شأناً من الشان؛ ⁽³⁰⁾ حقاً که برای تو در نزد خداوند شأنی از شأن معهود و مخصوص است.

این جمله درخور دقت و توجه فراوان است و می سزد که اهل معرفت پیرامون آن بیندیشند و ما در این مقام به ذکر مختصری که فراخور بحث کوتاه ماست اکتفا می کنیم.

چنانکه مشهود است در این جمله دو مرتبه کلمه شأن به کار رفته است که نخستین رابه صورت نکره آورده و دومی را به صورت معرفه یعنی بالفظ «الف و لام». اکنون نکره آوردن شأن اول برای تفخیم و تعظیم است و گویا فرموده است: برای تو در نزد خدا شأنی بس بزرگ و بلندپایه می باشد و از حدّ وصف و بیان خارج است و به شرح نمی آید.

به نظر می آید که مقصود از شأن دوم که با الف و لام تعریف آمده است، شأن ولایت و امامت و عصمت باشد؛ یعنی از برای تو شأنی عظیم و موقعیتی رفیع از نوع شیون امامت و ولایت و عصمت و یا سهمی مهم از آن مقام والاست (هرچند بالقوه باشد و بر اثر حکمتهایی به مرحله بروز و ظهور نرسیده باشد).

فاطمه معصومه مولود بیت وحی و تنزیل و نشأت گرفته از سلسله امامت و عصمت است. بنابراین ریشه های عمیق ولایت و امامت در جان آن حضرت هست و از این رو نفوذ و تأثیر معنوی و روحانی حضرت معصومه در اعماق جان پیروان خاندان عصمت از نوع تأثیر و نفوذ امامان پاک و معصوم می باشد و آن بزرگوار به اذن الله تصرف در جهان و در جان مردم دارند و می توانند در قضای حوایج و رفع گرفتاریها و اصلاح امور با عنایت حضرت حق سبحانه و تعالی اثر مستقیم داشته باشند.

با این بیان می توان گفت: خداوند بر حسب حکمت بالغه خود کلاً امامت و رسالت را در طبقه زنان قرار نداده است و اگر حکمت الهی ایجاب و اقتضا می کرد و این منصب مقدس را برای زنان نیز مقرر می فرمود، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، زمینه ای بسیار مساعد داشت و نور ولایت و عصمت در درون پاک آن سیده جلیله به ودیعت نهاده شده و گوهر ذات مقدس و وجود مطهر بانوی عظیم الشان دودمان وحی و رسالت فوق العاده نورانی و باصفا بوده و تالو و ویژه ای داشته است.

عالم بزرگوار جناب آقای میانجی نقل کردند: که مرحوم آیه الله آقای میرزا رضی تبریزی رضوان الله علیه از مجتهدین بزرگ، برای فاتحه جناب زکریابن آدم که در قبرستان شیخان قم مدفون است به آنجا رفته بودند. در حال قرائت

فاتحه به این فکر می روند که آیا زکریابن آدم با آن جلالت قدر و رفعت مقام و روایاتی که در شأن او از ائمه طاهرين عليهم السلام

وارد شده، بالاتر است یا حضرت معصومه عليها السلام؟

ناگهان یک نفر که کلاه نمدی بر سر داشته پیش می آید و به ایشان می گوید: آن بالا را بخوان. ایشان اعتنا نمی کند. بعد که آن مرد می رود ایشان نگاه می کند می بیند در آنجا نوشته شده است:

السَّلَامُ عَلَى أَرْوَاحِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَرْوَاحِ السَّلَامُ عَلَى أَجْسَادِ مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَجْسَادِ؛ یعنی سلام بر ارواح محمد و آل محمد در میان ارواح و
سلام بر اجساد محمد و آل محمد در میان اجساد. در این هنگام متوجه شدم که
آن شخص به ظاهر معمولی درون مرا خوانده و از فکر من راجع به افضلیت
زکریابن آدم یا حضرت معصومه آگاهی داشته و با امر کردن به قرائت از موضع
مخصوص خواسته است تا مشکل مرا رفع کند و مسأله مرا پاسخ دهد که
حضرت معصومه از آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین است و حساب او
جداست و هیچ کس را نمی توان با آل محمد عليهم السلام مقایسه کرد. ⁽³¹⁾

بر اساس این بیانی که راجع به جمله فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ تقدیم
شد می توان به این نتیجه رسید که دلدادگی به حضرت فاطمه معصومه عليها السلام
شرط در پذیرش و قبولی ولایت معصومین پاک و امامان معصوم شیعه است و
بدون علاقه به آن بزرگوار، ولایت آن بزرگواران به ثمر نمی رسد و مقبول دربار
الهی واقع نخواهد گردید.

احتمال دیگری در جمله مورد بحث است، بدین بیان که مقصود از شأن دوم،
مقام والای شفاعت باشد که حضرت معصومه عليها السلام را از آن سهمی مهم و

شایسته و وافر است. و ما به خواست خداوند در بحثهای آتی راجع به این موضوع سخن خواهیم گفت.

شباهت حضرت معصومه به حضرت زینب علیها السلام

در میان خواتین باجلالت و بانوان بیت رسالت و امامت، دو بانوی آسمانی اند که از جهات گوناگون شبیه به یکدیگرند و وجه شباهت و قدر مشترک بین آن دو فراوان است. آن دو بزرگوار، یکی حضرت زینب کبری، عقیله بنی هاشم علیها السلام است و دیگری حضرت فاطمه معصومه علیها السلام.

و اما وجه تشابه و جهت مشابهت و مشارکت آن دو بانوی گرانقدر الهی و آسمانی:

1- هر دو سرافرازند که دختر امام معصوم و آسمانی اند. زینب کبری دخت بلنداختر حضرت امیرالمؤمنین، علی علیه السلام و حضرت معصومه دخت والاگهر حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیها وعلیهم اجمعین.

2- هر دو بزرگوار مفتخرند که خواهر امام معصوم اند. یکی خواهر دو حجّت خدا، حسن و حسین صلوات الله علیهما و دیگری خواهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه الصلّاة والسلام است.

3- هر دو بانوی خاندان وحی، افتخار دارند که عمه امام معصوم می باشند؛ یکی عمه امام زین العابدین علیه السلام و دیگری عمه حضرت جواد الائمه علیهم السلام.

4- هر دو مورد تقدیس و تکریم امام معصوم قرار گرفته و حجّت بالغه الهی زبان به مدح و ثنا و ستایش آن دو گوهر گرانبها گشوده است.

5- هر یک از این دو بانوی بزرگ اسلام، مورد تعظیم و احترام سه امام مفترض الطاعة قرار گرفته اند؛ حضرت زینب علیها السلام از ناحیه پدر بزرگوارشان امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام و از سوی برادرشان حضرت سیدالشهدا، امام

حسین علیه السلام و از ناحیه برادرزاده شان حضرت امام زین العابدین علیه السلام مورد ستایش قرار گرفتند.

حضرت معصومه علیه السلام نیز از ناحیه جدّ بزرگوارشان حضرت امام صادق علیه السلام و از جانب برادر گرانقدرشان حضرت رضا علیه السلام، و از سوی فرزند برادرشان حضرت جواد الائمه علیه السلام مورد مدح و ثنا واقع شده اند.

6- هرکدام از این دو بانوی باجلالت، شدّت علاقه نسبت به برادر عزیز و والامقام خود داشتند؛ حضرت زینب علیه السلام نسبت به امام حسین علیه السلام و حضرت معصومه علیه السلام نسبت به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام.

7- هر دو معظّمه به خاطر علاقه به برادرشان، خانه و زندگی خویشان را رها کرده، وطن را ترک گفتند و رنج سفر را بر خود هموار نمودند؛ حضرت زینب علیه السلام از مدینه به عراق و بالاخره به شام رفتند و حضرت معصومه علیه السلام از مدینه به ایران و بالاخره در سرمین قم رحل اقامت افکندند.

8- هر دو بانوی بزرگوار، زادگاهشان مدینه، ولی مدفنشان نقطه ای دور از زادگاهشان است؛ حضرت زینب علیه السلام در شام یا مصر، علی المشهور، و حضرت معصومه علیه السلام در ایران و شهر مقدّس قم.

9- مدفن و مضجع هر یک از این دو بانوی بهستی، زیارتگاه عاشقان و علاقمندان خاندان پیغمبر است و مرقد مطهّر و منور هر یک از آنان، دلدادگان بی شمار دارد و مردم مسلمان حتی از شهرهای دور برای زیارت آنها با تمام اشتیاق سفر نموده، به تشرّف به اعتاب مقدّسه آنان فخر و مباهات می کنند.

10- هر کدام از این دو مکرمه، دو محلّ زیارت دارند. حضرت زینب علیه السلام در مصر و در شام و حضرت معصومه علیه السلام در بیت النور، محلّ اقامت و

عبادتشان - مدرسه سته - و دیگر مدفن مقدس و حرم مطهر آن بانوی با جلال.

وفات کریمه اهل بیت علیهم السلام

در تواریخ آمده است که مأمون عباسی در سال دویست هجری قمری، حضرت رضا علیه السلام را از مدینه به مرو طلبید و آن حضرت را اجباراً و به دنبال این جریان از مدینه به سوی مرو آوردند. خواهر آن حضرت، فاطمه معصومه علیه السلام در سال دویست و یک به خاطر اشتیاق ملاقات برادرش از مدینه به جانب مرو حرکت کرد و چون به ساوه رسید بیمار شد. در این هنگام پرسش کرد که از اینجا تا قم چه مقدار مسافت است؟ گفتند: ده فرسخ. حضرت خادم خود را فرمودند که مرا به جانب قم ببر و بدین ترتیب خادم، حضرت معصومه علیه السلام را به قم آورده و در منزل موسی بن خزرج بن سعد فرود آورد.

مطلبی که از این نقل استفاده می شود این است که قم از آن زمان شهری بوده که به علاقه و ولایت اهل بیت رسول الله صلوات الله علیهم اجمعین شناخته شده بود و این اسم، برای حضرت معصومه علیه السلام که تمام گذشته خود را در مدینه سپری کرده بود، یک مرکز آشنا به شمار می آمده است، ولی در اینکه چطور موسی بن خزرج را شناخته و بر او وارد شده اند اجمالی است و ممکن است که در ساوه راجع به افراد سرشناس و بسیار محترم قم تحقیق شده باشد و او را معرفی کرده باشند یا آنکه بعد از ورود به قم پرسش کرده باشند و با معرفی مردم قم و ساکنان آن و شناختی که از موسی بن خزرج برای بانوی اسلام، حاصل گردیده، بر او وارد شده باشند.

البته نقل دیگری در این مورد است که زمینه این سؤال را به کلی منتفی می سازد و بعضی از بزرگان آن را صحیح تر از نقل اول می دانند و آن این است که

چون خبر نزول اجلال حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به ساوه، به گوش آل سعید رسید، همگی متفق شدند که به قصد تشرّف به حضور آن بانوی یگانه، بیرون روند و از وی درخواست نمایند که به قم تشریف بیاورد.

موسی بن خزرج بر این امر، تقدم جست. همینکه به خدمت حضرت معصومه علیها السلام رسید، مهار ناقه آن حضرت را گرفت و کشید تا وارد قم ساخت و آن سیده جلیله را در خانه خود فرودآورد و جاداد و مدت شانزده یا هفده روز همچنان باقی بودند و آنگاه از دنیا رفتند. پس او را غسل داده، کفن نمودند و نماز بر بردن مقدّسش خواندند و در زمین بابلان که ملک خود موسی بن خزرج بود و اکنون روضه منوره آن حضرت است، به خاک سپرده و دفن کردند و سقفی از بوریاء بر قبر شریفش بنا نمودند و همچنان بود تا حضرت زینب، دختر امام جواد علیه السلام، قبه ای بر آن قبر شریف بنا کرد. ⁽³²⁾

و نقل شده است که محمد بن حسن بن ولید گفته: چون فاطمه علیها السلام وفات یافت، او را غسل داده و کفن کردند و جنازه او را به سوی بابلان حرکت دادند، آنگاه آن حضرت را کنار سردابی که برای وی حفر کرده بودند گذاشتند و آل سعد با هم به گفتگو پرداختند که چه کسی داخل سرداب سود و جنازه آن حضرت را دفن نماید؟ . بعد از گفتگوها رأی آنان بر این قرار گرفت که پیرمرد کهنسال «قادر» نام، که خادم خود آنان بود و مرد صالحی به شمار می رفت، متصدی دفن شود.

از این رو از پی او فرستادند که ناگهان دیدند دو نفر سوار، که دهان خود را با لگام بسته بودند، با شتاب بسیار از جانب ریگزار پیداشدند و چون نزدیک جنازه رسیدند پیاده شده، بر آن مخدّره نماز خواندند، داخل سرداب شده و آن بدن مطهّر را دفن کردند و آنگاه بیرون آمده، سوار شدند و رفتند و هیچ کس نفهمید که آنان چه کسانی بودند. (33)

شایان ذکر است که این جریان اصلاً قابل استبعاد نیست، زیرا شواهد بسیاری در کتب اخبار و تاریخ و سیره و معجزات دارد که ما به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

1- سلمان فارسی در مداین از دنیا رفت و در آن هنگام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مدینه بودند ولی برای دفن سلمان از مدینه با تصرف الهی خود و به اذن الله سبحانه به مداین آمدند و پس از انجام مراسم دفن او به مدینه بازگشتند. (34)

2- شیطیه، زن با ایمان نیشابوری در نیشابور از دنیا رفت و حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از مدینه طیّبه بر حسب وعده ای که از پیش داده بودند، برای نماز بر جنازه او به نیشابور آمدند در حالی که بر شتر سوار بودند و چون از امر او فارغ شدند، سوار بر شتر خود شده به طرف بیابان برگشتند و به ابوعلی بن راشد فرمودند: سلام مرا به یاران خود برسان و به آنان بگو: من و سایر امامان ناچاریم که بر جنازه شما حاضر شویم در هر شهری که باشید. پس در کار خودتان از خدا بترسید. (35)

3- در جریان دفن حضرت سیدالشهدا علیه السلام از مسلمات است که حضرت امام زین العابدین از زندان کوفه به صحنه کربلا آمد و تجهیزات بدن مبارک پدر بزرگوار خود را انجام داد.

باری، بر حسب ظاهر و به مقتضای این اخبار و روایات خصوصاً جمله اخیر از جریان شیطیه، می توان حدس زد که آن دو بزرگوار دو امام معصوم از خاندان حضرت معصومه علیها السلام مثلاً حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و حضرت رضا علیه السلام بوده اند که برای دفن بدن مطهر حضرت معصومه علیها السلام، آمده اقدام به دفن آن پیکره تقوا فرموده اند. و چه کسی به تجهیزات فاطمه معصومه علیها السلام سزاوارتر از آن دو بزرگوار می باشد؟!

قابل ذکر است که گاهی شنیده می شد که حضرت معصومه علیها السلام به عزم دیدار برادرشان از مدینه به سمت توس حرکت کرد و در قم خبر شهادت حضرت رضا علیه السلام را شنید و در آنجا بیمار شد و بالاخره از دنیا رفت.

ولی این مطلب خلاف تحقیق است؛ چنانکه روایت سعدبن سعد از حضرت رضا علیه السلام بر این مطلب دلالت ظاهر دارد که حضرت معصومه علیها السلام پیش از حضرت رضا علیه السلام از دنیا رفته اند، زیرا در آن روایت، سعد می گوید: من از امام رضا علیه السلام راجع به زیارت فاطمه علیها السلام دختر موسی بن جعفر پرسش کردم. ⁽³⁶⁾

این سؤال حاکی از آن است که در زمان پرسش، حضرت معصومه علیها السلام از دنیا رفته بودند و مرقد و مضجع وی معلوم بوده است.

مرحوم محقق بزرگ، میرزای قمی اعلی الله مقامه در جواب سؤالی که از وی راجع به این موضوع شده، به همین روایت تمسک کرده اند و صورت سؤال و جواب این است:

سؤال: از عیون اخبارالرضا حدیثی نقل شده است که راوی گفت:

سَأَلْتُ أَبَاحَسَنَ الرِّضَا عَنْ زِيَارَةِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ بِقُمْ، وَ أُنْجَبَ فِيهَا فِي رَوْضَةِ خَوَانِهَا مَشْهُورٌ، أَنْتَ كَيْفَ حَضَرَ مَعْصُومَةَ علیها السلام مِنْ مَدِينَةِ بَغْدَادٍ إِذْ دَخَلَ بِرَادِرٍ بَرِّقَ خَوَانِهَا مِنْ مَدِينَةِ بَغْدَادٍ. وَ قَدْ رَسِمُوا فِيهَا خَبْرَ

شهیدشدن آن حضرت در توس به ایشان رسید، چند روزی در قم مکث نمودند و وفات کردند. وجه جمع چگونه است؟

جواب: آخوند ملا محمدباقر رحمه الله علیه در بحار دو حدیث بلکه سه حدیث از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده که دلالت می کنند بر اینکه در حیات آن حضرت، فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام در قم مدفون شده بود، و خلاف آن را نقل نکرده است. ⁽³⁷⁾ علاوه بر این تاریخ شهادت حضرت رضا علیه السلام مضبوط و در دست است و آن بر حسب نقل مورخان، آخر ماه صفر سال 203 هجری قمری است و سال مسافرت آن بزرگوار به توس سال 200 از هجرت بوده است و حضرت معصومه علیها السلام بر حسب نقل در پی مسافرت برادرشان و به تصریح بعضی از اهل تاریخ در سال 201 هجری به عزم دیدار وی حرکت کرده اند. بنابراین وفات آن مخدّره حدود دو سال قبل از شهادت حضرت رضا علیه السلام واقع شده است.

و نمی دانیم که چگونه این جریان بعکس اشتهاار پیدا کرده است. اینجا این نکته را یادآور می شویم که خوبست خطبا و وعاظ محترم در نقل مطالب، مذاقه نموده و مطالب را هرچه بیشتر مستند ذکر کنند و نکند که یک مطلب خلاف، در طی قرون و اعصاری به وسیله منبر و اهل آن ترویج شود.

زیارت حضرت معصومه علیها السلام

از جمله زیارات مسلّم و مأثور از خاندان وحی، زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است. روایات متعددی از امامان معصوم در ترغیب و تشویق مردم به زیارت آن حضرت و راجع به اجر و ثواب عظیمی که بر زیارت وی مترتب است وارد شده است.

علامه مجلسی اعلی الله مقامه از کتاب تاریخ قم نقل کرده است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ وَإِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَهُوَ مَدِينَةُ وَإِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ وَإِنَّ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ بَلْدَةُ قُمْ وَسُتُذْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. قَالَ عليه السلام ذَلِكَ وَلَمْ تَحْمِلْ بِمُوسَى أُمُّهُ؛⁽³⁸⁾ راستی که برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا حرمی است و آن مدینه است و برای امیرالمؤمنین حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن شهر قم است و به زودی زنی از اولاد من به نام فاطمه در آن سرزمین دفن می شود، پس هرکس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب خواهد شد.

امام صادق علیه السلام این را فرمود در حالی که هنوز مادر موسی بن جعفر علیه السلام به آن حضرت حمل بر نداشته بود.

اهمیت مقام این بانوی مکرمه و عنایت خاصی که روی زیارت آن حضرت است از این روایت به خوبی ظاهری می شود، زیرا:

اولاً زمانی امام صادق علیه السلام از این مکرمه و زیارت او سخن می گوید که هنوز انعقاد نطفه پدر بزرگوار او نشده، چه رسد به خود او.

و ثانیاً از دفن فاطمه معصومه علیها السلام در قم اطلاع می دهند و ظاهراً به همین لحاظ قم را حرم امامان قلمداد می کند در حالی که شهرهای متعدد داریم که مدفن امامزادگان و الامقام و بلکه مدفن امامان است، ولی این وجهه و عنوان را پیدانکرده اند که حرم امامان باشند.

و ثالثاً وعده صریح و قطعی بهشت به زائران قبر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام داده است.

و این روایت به سند دیگری نیز آمده و در آنجا عبارت چنین است که:
حضرت صادق علیه السلام می فرمایند:

إِنَّ زِيَارَتَهَا تَعْدِلُ الْجَنَّةَ؛⁽³⁹⁾ زیارت فاطمه معصومه علیها السلام معادل و هم طراز بهشت است.

این قولوبه متوفای سال 367 ه'ق که خود استاد شیخ مفید اعلی الله مقامه بوده نقل کرده است که سعد بن سعد گفته: من از حضرت ابوالحسن، امام رضا علیه السلام راجع به زیارت فاطمه علیها السلام، دختر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسش کردم. حضرت فرمودند: مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ؛⁽⁴⁰⁾ هرکس او را زیارت کند، بهشت از برای اوست.

و نیز از ابن الرضا، حضرت جواد علیه السلام نقل کرده که فرمودند: مَنْ زَارَ عَمَّتِي بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ؛⁽⁴¹⁾ کسی که قبر عمّه ام را در قم زیارت کند، بهشت از برای اوست.

از تعبیر عَمَّتِي که در روایت حضرت جوادالائمه علیه السلام آمده به ذهن تداعی می شود که امام جواد علیه السلام به داشتن چنین عمّه محترمه ای افتخار می کند و از این رو به جای ذکر نام آن مکرمه، عنوان عاطفی و زیبای عمّه من را به کار می برد. علامه مجلسی رضوان الله علیه می گویند: در بعضی از کتب و روایات دیدم که علی بن ابراهیم از پدرش از سعد نقل کرده که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند: يَا سَعْدُ عِنْدَكُمْ لَنَا قَبْرٌ؛ برای ما در نزد شما قبری است. عرض کردم: جانم فدایت، منظورتان قبر فاطمه بنت موسی علیه السلام است؟ فرمودند: نَعَمْ، مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ.⁽⁴²⁾

آری، منظورم همان است، کسی که او را با شناخت حق و مقامش زیارت کند، بهشت از برای اوست.

در عبارت این روایت لطیفی است:

1- طبق این روایت، حضرت امام رضا علیه السلام ابتداءً به سعد که قمی بوده فرموده اند: برای ما در نزد شما قبری است. عبارت چنانست که گویی این قبر مال همه امامان و برای خاندان عصمت و طهارت است و همگی بدان توجّه و عنایت دارند.

2- در این روایت نیز وعده بهشت در مقابل زیارت حضرت معصومه علیها السلام داده شده است.

3- در خصوص این روایت برای فاطمه معصومه علیها السلام قید شده است که: عارفاً بحقّها؛ اگر با معرفت مقام والا و شناخت عالی نسبت به آن بانوی مکرمه وی را زیارت کند، بهشت از برای اوست.

و طبق این تعبیر، هنگامی بهشت جزاویاداش زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است که زائر، عارف به مقام شامخ و مرتبه رفیع و منبع آن بزرگوار باشد. بنابراین باید کوشش کرد که قبل از زیارت آن حضرت، شناختی نسبت به او پیدانمود و باید زائر، آشنای به جلالت قدر و منزلت رفیع وی در نزد خدای متعال شود تا به چنین فوز عظیم و مرتبه والایی نایل گردد.

مطلب بسیار مهم و چشمگیری که در این روایات آمده است و قدر مشترک و جامع بین همه آنهاست، وعده بهشت به زائران قبر شریف حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است. وعده صریح و آشکار به بهشت در مقابل زیارت حضرت معصومه علیها السلام در لسان مبارک سه امام معصوم و مفترض الطاعة علیهم السلام آمده است:

حضرت امام صادق علیه السلام این وعده را دادند، حضرت امام رضا علیه السلام نیز تصریح به این وعده فرمودند و بالاخره حضرت جواد علیه السلام نیز زائران قبر عمه شان را نوید به بهشت دادند.

بر اساس این روایات شریفه و اخبار عدیده، استحباب زیارت مرقد منور حضرت فاطمه معصومه علیها السلام جای اندک تردیدی ندارد و خود مطلبی روشن و واضح است.

زعیم شیعه مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی اعلی الله مقامه نیز در جواب یکی از استفتائاتی که از ایشان شده، بدین موضوع تصریح کرده اند و متن سؤال و جواب این است:

سؤال: آیا می توان گفت زیارت حضرت معصومه علیها السلام در قم با ادله اجتهادی ثابت است، بدین ترتیب آیه

وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ...

حدیث: مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ بِقَمٍ فَلَهُ الْجَنَّةُ.

اجماع: اتفاق همگی علمای شیعه از گذشته تا کنون.

سیره تمامی مردم شیعه از قدیم تا حال؟

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم. استحباب زیارت حضرت معصومه علیها السلام، از نظر روایات مسلم است و حاجتی به استدلال به ادله مذکور نیست.

والله العالم. 24/ج 2/1408. (43)

مطلبی را در اینجا برای اكمال بحث اضافه می کنیم و آن این است که مرحوم شیخ صدوق علیه الرحمة در کتاب ثواب الاعمال و نیز ابن قولویه در کتاب کامل الزیارات و علامه مجلسی در بحار الانوار اولاً زیارت حضرت معصومه

علیه السلام را ذکر کرده اند و سپس به نقل روایت زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام پرداخته اند.

و این مراعات تقدیم و تأخیر آن هم در کتاب های علمای کم نظیر در عالم تشییع اسراری را کشف می کند و خلاصه این ترتیب در ذکر حاکی از آنست که حضرت معصومه علیه السلام بر حضرت عبدالعظیم - با تمام جلالت قدرش - تقدّم و ترجیح دارد، با آنکه حضرت عبدالعظیم علاوه بر شرافت امامزاده بودن، محدث نیز بوده است و از جمله راویان معروف اخبار امامان معصوم صلوات الله علیهم اجمعین به شمار می رود.

آری، حضرت معصومه علیه السلام علاوه بر مقامات معنوی، فرزند بلاواسطه حضرت موسی بن جعفر، امام کاظم علیه السلام است ولیکن حضرت عبدالعظیم علیه السلام با چهار واسطه به امام مجتبی علیه السلام می پیوندد. (44) ضمناً حضرت معصومه علیه السلام نیز از محدثین و راویان اخبار به شمار می رود، چنانکه در فصل مربوط به این موضوع خواهید دید که روایاتی از روایات مهمه را این بانوی با عظمت نقل کرده اند.

حضرت ولی عصر و زیارت حضرت معصومه علیه السلام

به مقتضای روایات عدیده ای که از امامان بزرگوار راجع به فضایل و مناقب حضرت فاطمه معصومه علیه السلام و ثواب زیارت آن مخدّره معظمه رسیده است، طبعاً ولی عصر، امام زمان ارواحنافداه نیز برای آن بانوی بهشتی احترام و تعظیم فراوان قائلند و از روی همین قراین و شواهد می توان گفت که آن ولی اعظم خدا نیز به زیارت عمّه بزرگوار خود، حضرت فاطمه معصومه علیه السلام اهتمام دارند و مرقد مطهر وی مورد توجّه، عنایت و الطاف امام زمان علیه السلام می باشد.

و به همین مناسبت زائران بقعه منوره از زن و مرد نیز مورد لطف خاصّ امام زمان علیه السلام می باشند، زیرا آن حضرت می بیند که دلدادگان آل محمد و شیعیان اهلبیت علیهم السلام سر بر آستان عمّه گرانقدرشان ساییده و عتبه مبارکه و ضریح مقدّس او را می بوسند.

اینها مطالبی بود که با ملاحظه اخبار و روایات مربوط به زیارت بی بی دو عالم ذکر کردیم. علاوه که بعضی از مکاشفات و رؤیاهای صادقه نیز که برای اهل دل و صاحبان نفوس زکیّه واقع شده، حکایت از همین معنا می کند.

مرحوم آیت الله حاج آقا مرتضی حایری رضوان الله علیه، فرزند برومند مؤسس حوزه علمیه قم مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری قدس سره الشریف در یادداشتهای خود نوشته اند: من این جریان را که اهل علم و تحقیق و دقت در امور، زیارت حضرت معصومه علیها السلام را در قسمت بالاسر حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام انجام می دادند، نمی پسندیدم برای اینکه:

اولاً سلام به حسب اعتبار عرفی باید به طرف آن موجود محترم باشد نه بالای سر او و رو به قبله، که جسم مطهر در طرف چپ واقع می شود. و تا آنجا که می دانم در هیچ یک از سلام ها به این شکل نرسیده است.

و ثانیاً در خصوص ضریح آن حضرت که قبر مطهر انحراف دارد، صورت مطهر نوعاً در پشت سر واقع می شود.

شبی خواب دیدم که سه نفر مردمان بیابانی و بیابان گشته که یکی از آن سه بزرگوار - در عالم خواب معلوم بود که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بود، در پشت سر حضرت، رو به قبله در طرف سر مبارک ایستاده اند و به حسب ظاهر زیارت می کنند، یعنی معلوم بود که برای زیارت ایستاده اند، ولی من کلمات آنها را نمی شنیدم.

بعداً من به روایت سعد، که دلیل بر زیارت آن وجود مبارک است مراجعه کردم. دیدم «عند الرأس مستقبل القبلة» دارد؛ یعنی نزد سر و جانب سر، روبه قبله و «فوق الرأس» ندارد که معنی آن «بالای سر» باشد. و نزد سر، روبه قبله، باتوجه به عرفیت سلام که باید رو به جانب جسد مطهر باشد منطبق بر همان موضع می باشد که در عالم خواب امام علیه السلام و دو نفر از یاران آن بزرگوار ایستاده بودند. (45)

بیت النور یا محراب عبادت حضرت معصومه علیها السلام

یکی از مدارس علمیّه شهرستان قم، مدرسه مبارکه ستیه است که در محله میدان میر و جنب آن میدان واقع شده و مشهور است که حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در دوران اقامتشان در قم - یعنی در فاصله ورود تا وفات - در این مکان به سر می برده و دوران هفده روز نقاوت و بیماری خود را در آنجا گذرانیده اند و برای آن مجلّه معظمه در آن مکان محرابی بوده است که در آن عبادت می کرده اند و به گفته بعضی از اهل تحقیق آن بقعه مبارکه را بیت النور خوانده اند و آن بقعه جزء خانه موسی بن خزرج بوده و او از آن حضرت در آن جا پذیرائی می کرده است.

در ذیل روایتی که مرحوم مجلسی اعلی الله مقامه در شرح حال حضرت معصومه علیها السلام نقل کرده آمده است که: محراب نماز فاطمه علیها السلام تا هم اکنون در خانه موسی بن خزرج موجود است. (46)

مرحوم محدث قمی رضوان الله علیه بعد از نقل این مطلب می گویند: فقیر گوید: در زمان ما نیز آن محراب موجود است و آن واقع است در محله میدان میر و معروفست به ستیه و ستی، به معنی خانم و بی بی است. (47)

و ما نیز مکرر به زیارت آن مکان مقدس رفته ایم. حجره مزبور که محراب مبارک حضرت معصومه علیها السلام در آن قرار دارد، در قسمت جنوبی مدرسه واقع شده است.

این مدرسه شریف به امر و همت مرحوم آیت الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سره بازسازی شده است.

در پیشانی درگاه شمالی بقعه عبارت: یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة و در ذیل آن این بیت ثبت شده است:

این جایگاه کیست که آنقدر منور است این سجده گاه دختر موسی بن جعفر است.⁽⁴⁸⁾
البته مصراع اول این شعر موزون نیست و احتیاج به تصحیح و تغییر دارد و می توان گفت:

این جایگاه کیست که این سان منور است این سجده گاه دختر موسی بن جعفر است

در پایان این بحث دو نکته را یادآوری می کنیم که هرکدام به نوبه خود، مهم، سازنده و قابل توجه است:

1- دخت بلندمقام حضرت موسی بن جعفر علیها السلام در مدت هفده روز که در قم و در خانه موسی بن خزرج اقامت داشته، محراب مخصوصی برای عبادت و نیایش، ترتیب داده بودند و این درسی بزرگ، برای عموم پیروان مکتب آنل محمد علیه السلام به ویژه زنان و دختران مسلمان است که به نماز و نیایش و بندگی خدای تعالی اهتمام بورزند و آن را امری سهل و آسان قلمداد نمایند.

2- الطاف الهی را درباره شیعه بنگرید که این بانوی عظمی از دو نقطه شهرستان قم، فیض بخشی می کند: یکی اقامتگاه چند روزه او و دیگری خوابگاه همیشگی و مدفن پیکر پاکش. و هر دو مکان از قداست خاصی برخوردار است و متوسلان به ذیل عنایت خاندان عصمت و طهارت، گاهی از

آن بقعه مبارکه و دیگر گاه از این قبه سامیه و مطهره، توسل پیدا کرده، دست حاجت و نیاز به دربار الهی بلند می نمایند و مشمول افاضات غیبی پروردگار بزرگ واقع می شوند.

از رهگذر خاک سر کوی شما بود هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد

موقعیت و محبوبیت حضرت معصومه علیها السلام

معظمه اهل بیت، حضرت معصومه علیها السلام از محبوبیت ویژه ای در میان طبقات مختلف مردم مسلمان بهره مند و برخوردار بوده و هست. نوع محبوبیت آن مکرمه، نوع محبوبیت امامان معصوم صلوات الله علیهم اجمعین است.

علاقه و دلدادگی دینداران به آن بزرگوار، علاقه ای است که هم ریشه اعتقادی و مذهبی دارد و هم جنبه عاطفی که آن بزرگ بانوی باجلالت، جزء طبقه زنانی است که غالباً مورد احترام اند و هم او بانویی جوان بود که در فصل جوانی از این جهان درگذشت. علاوه که در راه سفر و دور از وطن مؤلوف و اقربا و نزدیکان خود از دنیا رفت.

حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ملجأ خاص و عام و پناهگاه حاجتمندان است و مردم برای گرفتن حوایج خود از خدا و نیل به خواسته هایشان رو به آستانه آن مکرمه دوران می آورند.

هنگام تحویل سال، شور فوق العاده ای برای تشرّف به آستانه مبارکه است و آنقدر جمعیت از محلات مختلف قم، اطراف و شهرهای مجاور و احیاناً بلاد دور دست به این مکان مقدّس روی می آورند که علاوه بر حرم مطهر، رواق ها و صحن های متعدّد نیز مملوّ از جمعیت است و همچون دریایی بی کران موج می زند.

آری، آنان همه می خواهند لحظه آغازین سال نو خود را در پناه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام باشند و آن لحظه که به نظرشان سرنوشت ساز و مؤثر در تمام ایام یک سال جدیدشان است در زیر سایه کرامت وی بگذرانند و خود و بستگانشان را در پرتو آن بزرگ بانوی اسلام، بیمه کنند.

البته آن اجتماع و مراسم هم مثل سایر اجتماعات و بقیه مراسم دینی و مذهبی، خالی از نقایص و کژیها نبوده و آنچنان که باید و شاید مطلوب و ایده آل نیست. اما روی هم رفته منظره ای باشکوه و تماشایی است که از عمق عقیده، ایمان پاک و اخلاص مردم مسلمان نسبت به دختر بلنداختر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام حکایت می کند.

و از مظاهر عمق نفوذ حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در جان علاقمندان به بیت وحی این است که جوانان آنان زندگی نوین عایلی و همسرداری خود را از کنار روضه مطهر و مرقد منور آن حضرت قرار می دهند، عقد و ازدواج عروس و داماد را گاهی با حضور خود آنان و گاهی بدون حضور آنان در داخل حرم شریف یا در رواق های مجاور و یا در مسجد بالاسر آن حضرت، اجرا می کنند که خود این جانب مکرر در جریان مراسم عقد ازدواج اشخاص بوده و عقد همسری آنان را انشاء نموده ام. و اگر این مراسم در آنجا انجام نشود، بعد از انجام عقد، عروس و داماد برای تبرک و میمنت آغاز زندگی جدید خود به عنوان زیارت به حرم شریف مشرف می گردند.

آری، آغاز زندگی عایلی از کنار حرم دختر جوان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و از کنار قبر مطهر کریمه اهل بیت، موجب یمن و برکت و بقا و استمرار رشته صمیمیت و کامیابی هر یک از زن و شوهر از دیگری خواهد بود و خود ضامن سعادت مندی آنان است. زوجین به برکت آن اختر فروزان آسمان ولایت،

به خیرات بی شمار دنیا و آخرت دست خواهند یافت و بالاخره ازدواج آنان ان شاء الله تعالی موفقیت آمیز خواهد بود.

و از اموری که در میان مردم قم و کلاً علاقمندان به خاندان رسالت، مرسوم و رایج است، بردن جنایز و اموات به سوی حرم مطهر برای تجدید عهد آنان با حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است.

آنان سخت به این موضوع پای بندند که جنازه مردگان خود را پس از انجام غسل و مراسم تکفین، به سوی حرم مطهر ببرند و دور قبر مطهر آن معظمه طوف داده و بگردانند و خلاصه آخرین زیارت و دیدار او را از حرم شریف، بدین صورت انجام دهند.

آری، وداع و خداحافظی با حضرت معصومه علیها السلام از یکسو و انجام آخرین زیارت از سوی دیگر نیز استشفاع از آن بانوی بزرگ و رفتن به پناه آن مکرمه و زاد و توشه معنوی برداشتن از کنار قبر شریف آن بانوی یگانه همه عواملی است که مردم را به پای بندی به آن برنامه مقدس وادار می کند.

البته جنازه ای که از کنار قبر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، مطاف دایمی فرشتگان، راهی سفر آخرت شود، مورد لطف و رحمت الهی و تجلیل و تکریم فرشتگان مقرب آسمانی است و بُعدی ندارد که ملائکه رحمت الهی به استقبال او بیایند و روح وی را به سوی بهشت، که وعده گاه زائران فاطمه معصومه علیها السلام و علاقمندان اوست، ببرند.

مرحوم آیت الله سیخ غلامرضا خراسانی یزدی، در سال 1322 با فرزند خود و عده ای به مکه مشرف شدند. در بازگشت از کویت به آبادان و از آنجا به کربلا مشرف گردیدند و در بازگشت از کربلا به قم مشرف شدند. مدتی را در قم توقف داشتند. در همین ایام فرزند او حاج شیخ محمد دچار سرماخوردگی و

تب شدید شد، او را به بیمارستان منتقل کردند ولی مفید واقع نشد و از دنیا رفت. در موقع خاکسپاری او، مرحوم حاج شیخ غلامرضا به نزدیکان گفته بود: حاج شیخ محمد سعادت داشت که در جوار دختر موسی بن جعفر علیه السلام فوت نمود.

و بعد به دستور پدر بزرگوار متوفی، این عبارت را روی سنگ قبر او حک کردند:

پسر غلامرضا یزدی خراسانی، پس از مراجعت از بیت الله الحرام و عتبات عالیات، میهمان حضرت فاطمه معصومه علیها السلام شد. (49)

بالاخره چشم علاقمندان یکسره متوجه به عنایات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است و در حیات، ممات و همه اطوار زندگی امیدشان به اوست که عندالله تعالی مقامی بس بلند و والا دارد.

علی رضا خان کاشانی، معروف به دکترشفاءالدوله مطبّی را در خیابان ارم روبروی در صحن مطهر، در طبقه دوم عمارت شخصی خود بازکرده و بر نماز دیوار بیرونی اشعاری را با کاشیکاری عالی نوشته است. (طبقه دوم که مطب او بوده، درست روبروی حرم مطهر است و کسی که آنجا باشد، مشرف بر رواق آیینه و قسمتی از سحن شریف می باشد.) و آن اشعار که حاکی از عمق دلدادگی به بانوی اسلام می باشد و بعد از گذشت ده هاسال هنوز باقی مانده است، این است:

رواق حکمت اینجا، کاخ سبط مصطفی آنجا

بشارت دردمندان را، دوا اینجا، شفا آنجا

در اینجا طبّ یونانی و تشریح اروپایی فرامین و الهیات و آیات خدا آنجا

سبب اینجاست یعنی حکمت و تدبیر و دانایی توانایی است یعنی حکم و تقدیر قضا آنجا

تواضع بزرگان در آستانه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

به موجب اینکه جلالت قدر و عظمت مقام بانوی اسلام، سیده جلیله طاهره حضرت فاطمه معصومه علیها السلام از مسلمات است و مورد هیچ گونه ابهام و اجمال و یا سخن و اشکالی نیست، رؤسای مذهب و زعمای دین در همه اعصار برای آن بانوی آسمانی احترام فوق العاده قائل بوده و هستند و همگی در برابر آستان باعظمت و جلالتش سرتسلیم فرود می آورند. تشرف به حرم مطهر و ولیة الله را افتخار دانسته و به بوسیدن اعتبار آن حضرت سرافرازند و زیارت وی را مایه سعادت و خوشبختی دو جهان و نجات و رهایی خویشان از عذاب الیم الهی می دانند.

از جمله این اعظام و بزرگان، سید الطائفة مرحوم آیت الله العظمی بروجردی اعلی الله مقامه است که شخصیت بزرگ جهانی بود و زعیمی بلامنازع و تقریباً متفق علیه به شمار می رفت.

او نسبت به مقام والای بانوی عصمت و امامت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام تعظیم و تفخیم خاصی می کرد. یکی از اعلام از حواریین آن زعیم بزرگ نقل می کردند که: صحبت این بود که ابن سعود در سفر به تهران برای ملاقات با ایشان به قم بیاید. آقا نپذیرفتند و موافقت نکرده، فرمودند: چون اگر به قم بیاید به زیارت حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام نمی رود و این توهین به آن حضرت است که با من ملاقات کند ولی به زیارت حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام نرود!

شدت تعظیم و احترام فوق العاده آن پیشوای بزرگ اسلامی، نسبت به مقام رفیع حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را بنگرید که از چنین موقعیت عظیم ظاهری و اجتماعی چشم پوشی می کند و از اینکه پادشاه کشور سعودی به زیارتش بیاید، می گذرد که نکند اندک غباری بر شخصیت والای کریمه آل محمد علیهم السلام و علیهم اجمعین بنشیند، در حالی که در آن روز و آن شرایط آمدن پادشاه سعودی به قم برای دیدارشان بستر بسیار مساعدی برای ارایه شخصیت جهانی آن مرد خدا بود.

و این درس بزرگی برای همگان است که درست متوجه باشند که نقطه مرکزی و محور همه عظمتها در قم، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و حرم مطهر اوست و هر شخصی در پرتو آن بزرگوار مورد تعظیم و اجلال است و هرگونه احترام و تکریم از یک شخصیت دینی و روحانی بدون مراعات مقام والای آن حضرت بی ارزش است و قابل قبول و تحمل برای انسان های بزرگ و وارسته نیست.

اهتمام شیعه به زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در نزد شیعیان بسیار با اهمیت است و آنان از دیرزمان به آن اهمیت داده، حتی اگر ساکن قم نباشند، رنج سفر را بر خود هموار کرده و برای عرض ادب به پیشگاه مبارک آن حبیبه دربار خدا به قم مشرف می شوند.

بسیاری از شیعیان کشورهای خارج که برای زیارت حضرت رضا علیه السلام به ایران می آیند، تقید و اهتمام کامل دارند که از مشهد به قم بیایند و قبر منور حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را هم زیارت کنند و همانگونه که ایرانیانی که به مکه مشرف می شوند، اگر قبل از اعمال حج به زیارت رسول خدا صلی الله

علیه وآله در مدینه می شتابند و یا اگر به عراق برای زیارت حضرت امیرالمؤمنین و حضرت سیدالشهدا بروند، مقیدند علاوه بر زیارت آن دو بزرگوار و زیارت کاظمین علیهم السلام اگرچه یک روز هم که شده به سامرا بروند و قبر مبارک حضرت هادی و حضرت عسکری علیهم السلام را زیارت کنند، زائران خارجی حضرت رضا علیه السلام نیز سفر زیارتی خود را؛ 99 کیلومتر با زیارت مرقد منور حضرت فاطمه معصومه علیها السلام تکمیل می کنند و بالاخره هر سال جماعت بسیاری از شیعیان و موالیان اهل بیت علیهم السلام از اطراف و اکناف ایران از اقصی نقاط جهان و از بلاد بعیده و دوردست، برای درک فیوضات بی شمار در پرتو زیارت آن معظمه آل عصمت به قم آمده، در کنار قبر شریف و مرقد دلربای وی عرض ادب و اخلاص می کنند.

عشق و علاقه قلبی و عمیق دلدادگان اهل بیت عصمت و طهارت به زیارت کریمه خاندان وحی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام چنان است که گاهی خیل عاشقان و علاقمندان آن حضرت وارد شهر قم می شوند و چون در این شهر آشنایی نداشته و وضع مالی و مادی آنان ایجاب نمی کند که در هتلها و حتی مسافرخانه های معمولی سکونت کنند، در کنار رواق ها و صحن های شریف و گاهی در میادین و خیابان های مجاور حرم شریف بار می اندازند و گاهی کنار خیابان و پیاده روها، مختصر چیزی را انداخته، فرش می کنند و با کمبود وسایل و نبود امکانات لازم همانجا مختصر غذایی طبخ و یا تهیه می نمایند و مصرف می کنند و همانجا در گرما و سرما استراحت می نمایند.

آری، همه این شداید و سختیها را تحمل کرده و بر خود هموار می سازند و رلخوشی آنان به این است که توانسته اند قبر مطهر دختر موسی بن جعفر علیه السلام

را زیارت کنند. اینها مظاهر عشق و علاقمندی مردم مسلمان و دیندار به زیارت بانوی اسلام و کریمه اهل بیت است.

خانم محترمه و بادیانته⁽⁵⁰⁾ با گروهی به زیارت قبر حضرت رضا علیه السلام مشرف شده بودند. در بازگشت هنگام شب وارد قم می شوند و درب حرم و صحن منور حضرت معصومه علیه السلام بسته بوده است. زائران می خواسته اند که راننده اتوبوس تا اذان صبح توقف کند تا بتوانند حرم مطهر حضرت معصومه علیه السلام را زیارت کنند، ولی او نمی پذیرد و به درخواست آنان اعتنا نکرده، به سوی شیراز ادامه حرکت می دهد.

آن خانم محترمه برای همیشه دلسوخته و افسرده خاطر بود که موفق به زیارت حضرت فاطمه معصومه علیه السلام نشده است.

علمای بزرگ و طراز اول شیعه همواره اهمیاتی شدید به زیارت حضرت معصومه علیه السلام داشتند، از جمله آنان استاد بزرگ ما مرحوم آیت الله العظمی آقای گلپایگانی اعلی الله مقامه مقید به این موضوع بودند. ایشان سالیان سال نماز صبح را در مسجد بالاسر می خواندند و در همین فرصت مدتی را در نزدیکی قبر مطهر حضرت معصومه علیه السلام می نشستند و به زیارت و رازدل گویی با آن حضرت می پرداختند. در سالهای اواخر اشتغالشان به تدریس، روز چهارشنبه بعد از فراغت از درس مشرف می شدند و مدتی بالای سر حضرت معصومه علیه السلام درست متصل به قبر مبارک به زیارت و عبادت می پرداختند. خدام محترم حرم در ساعت زیارت ایشان قسمت بالای سر مبارک را خلوت می کردند و تا پایان برنامه، مراقبشان بودند تا هجوم جمعیت به سوی ایشان مانع زیارت و دیگر برنامه هایشان نشود، البته به طور متفرق و به مناسبات هم به حرم مشرف می شدند و این برنامه همواره انجام می شد.

یکی از سالها که برای تغییر آب و هوا به جاسب - محلی در اطراف قم - می رفتند و شاید آخرین مسافرت تابستانی ایشان به آنجا بود، کسالت و ضعف و خستگی شان شدت داشت، با این حال فرمودند: اول به حرم مشرف می شوم و از آنجا به جاسب می رویم. بعضی از نزدیکان ایشان عرض کردند: حالتان مساعد نیست، بنابراین همچنان که اتومبیل از کنار حرم عبور می کند شما از داخل سلام کنید و زیارت نمایید، ولی ایشان نپذیرفتند و بالاخره با همان حالت به حرم رفتند، در حالی که بعد از پایان زیارت نتوانستند مسافت کوتاه ما بین داخل حرم تا درب کنار خیابان موزه را راه بیایند. لذا برای ایشان در نزدیکی درب خروجی مسجد طباطبائی - مسجد موزه - صندلی گذاشتند و بعد از مختصر استراحتی ایشان را به نزدیک ماشین آورده و سوار کردند.

مرحوم آقای حاج آقا حسین فاطمی رحمة الله علیه راجع به استادش مرحوم آقای حاج میرزا جواد آقاملکی تبریزی می نویسد: برای رفتن به زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بسیار جدیت داشتند و با داشتن مرض قلب همه روزه به حرم مشرف می شدند. (51)

بلکه از بعضی از آثار گذشتگان مانند نوشته شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی استفاده می شود که زیارت حضرت معصومه علیها السلام اختصاصی به شیعه نداشته، بلکه اهل سنت و علما و دانشمندان آنان نیز به زیارت بانوی بهشتیان می رفته اند و عبارت او در این مورد چنین است: و اهل قم به زیارت حضرت فاطمه علیها السلام، بنت مطهره موسی بن جعفر علیها السلام روند که ملوک و امرا و علمای حنفی و شافعی به زیارت آن تربت، تقرّب نمایند. (52)

بلکه این عبارت حاکی از آنست که علمای مذاهب مختلف اهل سنت به زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بنت موسی بن جعفر علیها السلام می آمده اند و

چون در مقدمه مصنف آن کتاب، از تاریخ ماه ربیع الاول سال پانصدوپنجاه و شش از هجرت صاحب شریعت، ذکری کرده، باید گفت: علمای اهل سنت از شهرهای سنی نشین ایران در قرن ششم برای زیارت حضرت معصومه علیها السلام به قم می آمده اند و وقتی علمای سنی مذهب چنین باشند، به طور طبیعی عوام و پیروان آنان نیز اینگونه بوده و به زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام اهمیت می داده اند.

کرامات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

حضرت فاطمه بنت الکاظم علیها السلام نیز مانند دیگر اولیای پاک خداوند، دارای کرامتهای باهره بوده و می باشند و در اعصار و قرون مختلف، عموم طبقات از عالم و عامی، شاهد و ناظر بعضی از آن کرامات بوده و گواهی داده اند. البته روشن است که در یرتو مقامات عالیه معنوی و تقرّب خاصی که آن مکرمه در نزد خدای تعالی دارند، از موهبت عظیم عنایات الهی و الطاف ویژه پروردگار برخوردار گردیده، دارای چنین کراماتی شده اند.

مرحوم قائم مقام فراهانی می گوید: جناب آمیرزا آقای سرکشیک حضرت معصومه قم می فرمود: در سنه 1300 ضعیفه مفلوجه ای را از کاشان به قصد استشفای به قم آوردند دخیل حضرت معصومه علیها السلام شد، شب کشیک من بود. ضعیفه دور حرم مانده و درب حرم را بستند، چون نصف شب شد آن ضعیفه آواز داد: حضرت مرا شفا داد. در را گشودم. دیدم همانطور است که می گوید. واقعه را پرسیدم. گفت:

عطش بر من غلبه کرد، خجالت کشیدم آب بخواهم، با آن حالت خوابم ربود، در واقع جام آبی به من دادند و گفتند: این آب را بخور، شفا می یابی. آب را خوردم و از خواب بیدار شدم. دیدم نه از عطش خبری است و نه از فلج اثری.

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند
و می فرمود: سالی نیست که دو سه نفر کور و شل از برکت توسل به آن
معصومه علیها السلام لیاقت پیدا کنند. (53)

و هم او در جای دیگر می نویسد: کراماتی که در عصر خود این حقیر، از
حضرت معصومه علیها السلام ملاحظه نموده زیاد است، خود کتابی لازم دارد. چند فقره
آن را در این رساله درج نموده که از جمله آنها:

خاقان مغفور، فتحعلی شاه قاجار البسه الله حلل النور در مطلبی یک
صدهزار تومان نذر نمودند. بعد از رسیدن به مطلب، به علاوه آن وجه را خرج
طلای گنبد مبارک و ساختن صحن و مدرسه دارالشفای غیرها نمودند.

حسین خان نظام الدوله شاه سون که نذری نمودند آن گلدسته ها را ساختند.
نواب والامستطاب اشرف ارفع والانائب السلطنه کامران میرزا خود می
فرمودند: من بعد از زیارت، از قم بیرون آمدم و بر دو فرسنگی برای صرف نهار
پیاده شدم. دیدم چند تیهو برخاستند. تفنگ را از تفنگدار خواستم و به جانب
آنها انداختم و تفنگ دولوله از میان لولها ترکید. ریزه ریزه شد و آسیبی به من و
حاضرین - محض آنکه زوار آن حضرت بودیم - وارد نیامد. از همانجا
شخصی را فرستادم که گلدسته های حضرت را صلا نماید.

صحن نو را مرحوم مغفور ابراهیم خان امین السلطان ساختند. (54)

مرحوم حاجی نوری رضوان الله علیه داستانی را نقل می کنند که چون در
زمان خودشان و در نزدیکی محل اقامت ایشان واقع شده و گویا صاحب جریان
را می شناخته اند، داستانی ارزشمند است. ایشان می گویند:

در ایامی که ما در کاظمین اقامت داشتیم و مجاور بودیم، در بغداد یک مرد
نصرانی بود به نام یعقوب که دچار بیماری استسقا شد و هرچه مراجعه به اطبا

کرد نفعی نداد و بیماری او شدت یافت، چنان رنجور و لاغر گردید که از راه رفتن عاجز شد. او خود می گوید: پیوسته می گفتم خدایا، یا شفایم ده یا مرگم را برسان.

تا اینکه شبی همچنان که روی تختخواب، خوابیده بودم، خواب دیدم سیدجلیل، نورانی و بلندقامتی نزد من آمده و تخت مرا حرکت داد و گفت: اگر شفا می خواهی باید به شهر کاظمین بروی و زیارت کنی که از این بیماری رهاشوی. از خواب بیدار شدم و جریان خواب را برای مادرم نقل کردم. او که نصرانی بود گفت: این خواب شیطانی است و رفت صلیب و زَنار آورد و به گردنم آویخت.

من دوباره خواب رفتم و در عالم رؤیا بانویی با جلالت و پوشیده را دیدم که آمد و تخت مرا حرکت داد و فرمود: برخیز، چه آنکه صبح طالع شد. مگر پدرم به تو نفرمود به زیارتش بروی تا تو را شفا دهد؟!

عرض کردم: پدر شما کیست؟

فرمود: امام موسی بن جعفر علیه السلام

گفتم: تو کیستی؟

فرمود: أَنَا الْمَعْصُومَةُ أُخْتُ الرَّضَا علیه السلام؛ منم معصومه، خواهر رضا علیه السلام

من بیدار شدم و متحیر بودم که چه کار کنم و کجا بروم. پس در قلبم افتاد که به خانه سید محترم، سیدراضی بغدادی که ساکن در محله رواق بغداد است، بروم. به راه افتادم تا به خانه او رسیدم. در را کوبیدم. او گفت: کیستی؟ گفتم: در را بازکن، چون صدای مرا شنید، دخترش را صدا زد که در را بازکن که یک نصرانی است و می خواهد مسلمان شود.

من وارد شدم و گفتم از کجا دانستید که نصرانی می خواهد مسلمان شود؟
گفت: جدّم حضرت کاظم علیه السلام در خواب به من خبر دادند.

بعد مرا به کاظمین و به خانه عالم جلیل شیخ عبدالحسین تهرانی برد و داستان را به ایشان عرض کردم. به دستور او مرا به حرم مطهر بردند و دور ضریح طواف دادند، ولی اثری از برای من ظاهر نشد. چون بیرون آمدم و مختصر زمانی گذشت دچار تشنگی شدم. آب آشامیدم. در آن وقت حالم دگرگون شد و به زمین افتادم و آن وقت بود که احساس کردم که بارگرانی چون کوه بر پشتم بود و برداشته شد و ورم بدنم از بین رفت و به کلی کسالت و دردم مرتفع گردید.

به بغداد برگشتم. بستگانم که از جریان اطلاع پیدا کردند ناراحت شدند. مادرم گفت: خدا رویت را سیاه کند. کافر شدی؟ گفتم: از بیماری چیزی می بینی؟ او گفت: این از سحر است و بالاخره مرا زدند، اذیت کردند و خون آلود نمودند و گفتند: تو از دین ما خارج شده ای.

من به کاظمین برگشتم و خدمت شیخ عبدالحسین تهرانی رفتم و او اسلام و شهادتین را به من تلقین کرد و مسلمان شدم و چون خطر، مرا تهدید می کرد، او مخفیانه مرا به کربلا فرستاد و چون زیارت کردم و برگشتم مرا با مرد صالحی از اهل اصطهبانات به بلاد عجم فرستاد و یکسال در آن قریه - اصطهبانات - از توابع شیراز ماندم و بعد به عتبات برگشتم....

مرحوم محدث نوری می گوید: و باز به محل هجرت خود برگشت و در آنجا همسر گرفت و مشغول به قرائت مصائب حضرت امام حسین علیه السلام شد و الآن در آنجاست و اهل و اولادی دارد...⁽⁵⁵⁾

استاد ما در شیراز در قسمتی از سطوح، مرحوم آیت الله آقای حاج
سید محمد باقر آیت اللهی معروف به حاج عالم رضوان الله علیه کرامتی را از
حضرت معصومه علیها السلام نقل کرده اند که خود در جریان آن بوده و مشاهده کرده
اند و آن این است که می فرماید:

در سال 1349 هجری قمری به قصد تشرّف به قم از شیراز مسافرت نمودم.
در اصفهان برای پیدا کردن وسیله برای قم به گاراژ رفتیم. یک ماشین سواری
آماده بود. من و یک نفر دیگر که اصفهانی و مرد باوقاری بود سوار شدیم.
جوان دیگری هم آمد که سوار شود، مادرش که به بدرقه او آمده بود با چشم
گریان روی به حقیر نموده و گفت: آقا! دعاکن فرزندم به سلامت برسد.

ما سه نفر عقب ماشین جاگرفتیم و راننده، جلوی ماشین را برای دیگری در
نظر داشت. راه افتادیم. چندین کوچه و خیابان گردش کردیم تا درب خانه ای
نگه داشت و شخصی را سوار نموده و به سمت قم به راه افتادیم.

ضمناً معلوم شد آن جوان از آرامنه و کارمند بانک تهران است و آن شخص
آخر اهل کردستان و رئیس دخانیات اصفهان است. رفتیم تا به مورچه خورت
که حدود چند فرسنگی اصفهان می باشد، رسیدیم.

در اینجا مأمور تفتیش اثاثیه مسافرین آمد و چون شب تاریک بود چراغ
دستی را گرفت و نگاه به داخل ماشین کرد. از من پرسید آقا اسباب شما
کجاست؟ گفتم جلوی ماشین روی کاپوت بسته اند، برو نگاه کن.

از آن جوان پرسید: این صندوقچه که روی رکاب ماشین است چیست؟ گفت:
مشروب است.

از آقای رئیس پرسید: صندوقچه بسته شده چیست؟ آن هم گفت: مشروب
است و ما هم می شنیدیم و می فهمیدیم، ولی مجبور بودیم خود را به نفهمی

بز نیم. بعد مأمور تفتیش آمد و از اینکه سؤال از اثاثیه اینجانب کرده بود، معذرت خواست.

به هر حال بدون تفتیش از آنجا گذشتیم. هوا بسیار سرد بود. آقای رئیس - شاید برای رفاع از سرما - بطری را سرمی کشید. بوی آن بلند می شد و به مشام آن جوان ارمنی که عقب سوار بود، می رسید و او برای طعنه به اینجانب صدا می زد: جناب رئیس! بوی خوشی می آید و قاه قاه می خندید و چندمرتبه ای این جریان تکرار شد و هرچه که تملق جناب رئیس را گفت، او جرعه ای هم به او نداد و حتی تعارفی هم به او نکرد. به همین ترتیب رفتیم تا از حدود دلیجان گذشتیم.

در این هنگام ماشین پنچر شد. برای پنچرگیری بیرون آمدیم و در سرما نشستیم. جوان ارمنی دم به دم می گفت: البته ماشینی که در آن خلاف شرع بشود، پنچر می گردد و ما را به باد مسخره می گرفت و صدای قاه قاه او و نیز آقای رئیس بلند می شد.

عاقبت این حقیر نزدیک رئیس شدم و خود را به دوستی با آقای صدیقی وزیری از اهل کردستان که در دارایی شیراز بود، برای او معرفی کردم و دم و دود رئیس را با این بهانه بستم و از تکرار سرکشیدن بطری بازداشتم و فیما بین او و جوان ارمنی جدایی افکندم.

پس از اتمام پنچرگیری سوار شده و به طرف قم حرکت کردیم. این حقیر به توجّه قلبی متوسّل به ساحت محترم حضرت معصومه علیها السلام شدم و از جریان جوان و رئیس شکایت نمودم تا به قم رسیدیم. ماشین درب گاراژ سوت زد که درب بسته باز شود و وارد گردد.

درب باز شد و ماشین خواست وارد شود، ناگهان صندوق های آن جوان و رئیس که در یک ردیف روی رکاب ماشین بسته بود، اصطکاک با آستانه درب گاراژ پیدا کرد و حساب هر دو صاف شد و از درب گاراژ تا وسط حیاط یک جدول مشروف به راه افتاد و صدای مسخره حملهای گاراژ برخاست.

این حقیر هم فوراً اثاثیه خود را به شخصی دادم که بیاورد و حسابم را با راننده تصفیه کردم و بیرون آمدم و آنها را به حرمان از مقصد واگذار کردم و از عنایت حضرت معصومه علیها السلام سپاسگزاری نمودم. ⁽⁵⁶⁾

آیت الله شب زنده دار راجع به عموی محترمشان، عبدصالح مرحوم آقای حاج قنبر رحمة الله علیه نقل کردند که: همسرشان حمل پیدا کرده بود و بعد از مدتی متوجه می شوند که جنین حرکت ندارد. مراجعه به دکتر می شود و او می گوید: بچه در شکم مادر مرده و باید عمل جراحی انجام شود و بچه مرده را بیرون بیاورند. آن زمان - شصت سال قبل - هم که هنوز عمل جراحی شایع نبود و امکانات و وسایل امروز را نداشته اند و از این رو عمل برای آن خانم و بستگانش گران تمام می شود و بالاخره تصمیم می گیرند که برای استشفای به مشهد مقدس مشرف شوند. لذا حرکت می کنند تا به قم می رسند، خود آن محترمه گفته است: برای زیارت حضرت معصومه علیها السلام رو به سوی حرم رفتیم و به مجرد اینکه پا را داخل حرم گذاشتیم بچه شروع به حرکت کرد و به جنبش آمد. این جریان موجب شادی آنان می شود و مرحوم حاج قنبر از قم نامه ای به جهرم می فرستد و جریان را اطلاع می دهد و می گوید: ما پیش از آنکه به مشهد برسیم، خداوند لطف کرده و شفا داد.

آثار توسّل به حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

توسّل به خاندان عصمت و طهارت راهگشای انسان ها در مواضع تحیّر و حلّال مشکلات آنان ر دشواریها و سختیهای زندگی است و این مطلب کاملاً تجربه شده و قابل تردید نیست و از جمله توسل به ذیل عنایت علیامعظمه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بنت موسی علیه السلام از ابواب نجات و از وسایل قضای حاجات، نیل به مقاصد، خواسته ها و رفع بلیّات است. حتّی بعضی از افراد بر اثر شدّت اتصال روحی و معنوی با آن بانوی یگانه عالم رسماً با او حرف می زنند و به برکت عنایات و افاضات آن حضرت به سرعت به مطالب و خواسته های خویش دست می یابند که در این مجال مواردی را نمونه می دهیم و چه بسا که این خود یادآور موارد متعدّدی باشد که خوانندگان محترم دیده و تجربه کرده باشند.

1- مرحوم مغفور حجة الاسلام آقای سیدمحمدباقر موسوی گوگدی، والد ماجد مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی رضوان الله علیه، گاهی از گلپایگان به عزم زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم می آمده اند و فرزند گرانقدرشان رضوان الله علیه فرمودند: به یاد دارم که یک بار مرا هم با خود به قم آوردند و من با ایشان بودم.

در یکی از سفرهایی که آن سیّد جلیل و بااخلاص به قم می کنند، منزلی را به مبلغی اجاره می کنند که مال الأجاره آن نسبتاً زیاد و گران بوده است. آن مرد بااخلاص و صاحب مقام یقین فرموده بود: ای عجب من از عمّه ام - حضرت معصومه علیها السلام خواستم که منزل خوبی برایم فراهم کنند و ایشان اجابت کردند، ولی از یادم رفت که از ایشان بخواهم که ارزان هم باشد.

2- مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزامهدی بروجردی رحمه الله علیه، اب الزوجه آیت الله العظمی گلپایگانی که در ماه جمادی الاخری سال 1388 ه'ق درگذشت، راجع به دفن ایشان در حول و حوش حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام از ناحیه عوامل طاغوت سختگیری و اشکال تراشی می شد و با آنکه خود ایشان قبری را برای خود پیش بینی کرده و یا آن را از قبل خریداری کرده بودند، بعد از فوتشان مورد مخالفت مسئولان دولتی قرار گرفت. آقا فرمودند: من به حضرت معصومه علیها السلام عرض کردم: ایشان یک عمر پناهنده به شما بود و به این مکان مقدس رفت و آمد داشت. اکنون او را از جوار خودتان محروم نسازید. و بحمدالله خداوند اصلاح کرد و رفع مانع شد و آن عالم محترم را در آن مرکز مقدس دفن کردند.

3- برای خود اینجانب هم شرایطی پیش آمد که از نظر اقتصادی در تنگنا قرار گرفتم و مخارج تمام شد و مرا که در دوران تجرد به سر می بردم، مضطرب و ناراحت کرد. وقت عصری بود که از فرط ناراحتی و دلتنگی از مدرسه مبارکه رضویه که محل سکونت من بود، بیرون آمدم و به حسب ظاهر به سوی حرم رفتم. دیگر یاد ندارم که چه گفتم و چه کردم، ولی به خوبی در ذهنم مانده است که در بیرون حرم، در خیابان موزه که دو در از درهای صحن و حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام از آنجا باز می شود و نیز در اصلی مسجداعظم در آن قسمت است. در نزدیکی درب مسجد، میان رفت و آمد مردم کسی رسید و مراسم تعارفات مختصری انجام شد و او دست داد و وجهی در دستم گذاشت و رفت و من او را نشناختم و آن وجه هرچند زیاد نبود، ولی برای دو سه روز یا یکی دو روز در آن شرایط کارگشا بود. اینجانب مدعی نیستم که آن شخص از رجال غیبی و اولیاءالله بوده و با شناخت از بنده این

لطف را کرده ولی این مقدار برایم تقریباً روشن است که عنایت معظمه دوران، دخت موسی الکاظم علیه السلام موجب شده به دل آن مرد بیفتد که در میان آن رفت و آمد این وجه را خیلی محترمانه در دست من بگذارد و زود هم برود که البته احتمال اول هم بعدی ندارد، ولی بنده شاهد و مؤیدی برای آن ندارم که موجب اطمینان باشد.

جوان محترم تحصیل کرده ای از دوستان می گفت: من هر وقت برای حاجتی به ویژه تشرّف به مشهد، متوسّل به حضرت فاطمه معصومه علیها السلام شدم موفق گردیده و مشرفّ شدم و راستی که حضرت معصومه علیها السلام اخت الرضاست. بالاخره توسّل به آن مکرمه یگانه، یکی از مایه های سعادت و رفع مشکلات و نیل به مقاصد است و مقام رفیع و شأن منیع او هم ایجاب می کند که اگر مضطرّ گرفتاری رو به آن بزرگوار بیاورد، به اذن الله به خواسته خود برسد و به حاجتش دست یابد.

بله ممکن است در موردی آنچه را که انسان درخواست می کند به صلاح او نباشد یا کلاً مصلحت نظامات مقررّه الهی نباشد، در این مورد البته توسّل بی اثر می ماند و یا به کلی حال دعا و توسّل از آدمی گرفته خواهد شد.

چنانکه مرحوم آقای گلپایگانی نقل فرمود که: در زمان مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری، شخصی از اهل علم از من درخواست کرد که از آقای حاج شیخ وجهی برای مخارج او بگیرم. من این را به ایشان عرض کردم ولی مؤثر واقع نشد و چیزی ندادند. من با خود گفتم: اکنون که چنین شد من به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام بروم و برای آن شخص دعا کنم، شاید کار او بدینوسیله حل شود. به این عزم به حرم مشرفّ شدم و بسیار دعا کردم ولی

همین مطلب که به خاطر آن رفته بودم بکلی از یادم رفت و راجع به آن اصلاً
دعا نکردم!

حل مشکلات علمی

آنچه که راجع به تأثیر فراوان به ذیل عنایت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ذکر شد، منحصر به جنبه مادی و اقتصادی و ظواهر زندگی نیست و در این محدوده خلاصه نمی شود بلکه آنانی که تشنه کام مقامات معنوی و یا زلال علم اند و به دنبال حل مشکلات علمی، گام برمی دارند نیز از رهگذر توسل و روی آوردن به حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام می توانند، مشکلات خود را رفع کرده و حجابها را از روی چهره مطالب علمی بردارند و به مقصد عالی و هدف والای خود نایل گردند، بلکه از نقطه نظر اینکه سازمان وجودی آن مکرمه و کلاً خاندان پیغمبر با علم و معرفت صورت گرفته و خاندان علم و فضیلت اند، طلب نیل به علم و کمال از آنان زمینه مساعدتری برای پذیرش و اجابت دارد.

تاریخ نشان می دهد که افرادی با استمداد از انفاس قدسیه حضرت معصومه علیها السلام و در پرتو توسل به ذیل عنایت آن مکرمه، حجابهای علمی را کنار زده، حقایق و نکاتی برای آنان از این رهگذر روشن شده است و بالاخره حوایج و درخواستهای علمی حاجتمندان نیز در این جایگاه با عظمت روا شده و درخواست کنندگان به حاجت خود رسیده اند.

مرحوم محدث قمی اعلی الله مقامه الشریف در شرح حال صدرالمتألهین شیرازی نوشته اند: از بعضی از مشایخ خود شنیدم که مرحوم ملاصدرا به واسطه بعضی از ابتلائات از اقامتگاه خود به دارالایمان قم که عُش آن محمّد و حرم اهل بیت صلی الله علیه و آله و سلم است، مهاجرت کرد و به حکم *إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانَ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ وَ*

حوالیها و نواحیها فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَدْفُوعٌ عَنْهَا؛⁽⁵⁷⁾ هنگامی که فتنه‌ها و ابتلائات شهرها را فراگرفت بر شما باد به قم و حوالی آن، زیرا فتنه‌ها از آنجا رفع گردیده است. به قریه ای از قرای قم که در چهارفرسخی آن شهر واقع و موسوم به «کهک» است، پناه برد و گاهگاهی که بعضی مطالب علمی بر او مشکل می گردید، از کهک به زیارت حضرت فاطمه معصومه عَلَيْهَا السَّلَامُ تشرّف می یافت و از آن حرم فیض آثار بر او افاضه می شد.

سپس محدث بزرگوار در تأیید این جریان می گویند:

فاضل اشکوری لاهیجی، در کتاب محبوب القلوب، در احوال خاتم الحکماء الیونانیین، ارسطاطالیس فرموده است: چون ارسطو در بلده اسطاغیرا از دنیا رحلت کرد، اهل آنجا استخوانهای او را پس از آنکه پوسیده شده بود در ظرفی از مسّ گزاردند و آن را در موضعی دفن کردند و آن مکان را مجمع خود قرار داده، از برای مشورت در کارهای بزرگ و امور جلیله در آنجا جمع می شدند و هر وقت مطلبی از فنون علم و حکمت برایشان مشکل می شد، قصد آنجا را نموده، بر سر قبر او نشسته، مشغول به مناظره و مباحثه می گردیدند، تا آنکه مشکل ایشان حلّ و مطلبشان واضح و روشن می شد و چنان اعتقاد داشتند، که آمدن بر سر قبر ارسطوطالیس بر عقل و ذکاء آنان می افزاید و اذهانشان را پاک و تلطیف می نماید.

محدث بزرگ در اینجا اضافه می کند: پس هرگاه حکمای یونان، این نحو اعتقاد به استخوانهای پوسیده ارسطاطالیس داشته باشند، عجیبی نیست که حکیم الهی و فیلسوف امامی، صدرالمتألهین، هرگاه مسأله ای علمی بر او مشکل شود، از چهارفرسخی قم به قصد تشرّف به آستان ملک پاسبان حضرت سیدتنا فاطمه

علیه السلام که مهبط فیوضات ربانیه و تجلیات سبحانیّه است حرکت کند، برای آنکه علوم بر او افاضه شده و مطالب عویصه برایش کشف و حل گردد. (58)

کسان دیگری نیز در همین موضوع حل مشکلات علمی توسل به آن بانوی زمانه پیدا کرده، خداوند قادر متعال به برکت آن وجود پاک و آن گوهر تابناک و بی همتای هستی افاضه مطالب کرده و حل قضیه و مشکل علمی و جواب مسأله غامض را به ذهن توسل جویان القا و الهام فرموده است.

یکی از علمای برجسته و پرهیزکار در حاشیه کتاب مکاسبی که از روی آن تدریس می کرده اند در صفحه 143 (بحث ترتب عقود متعدده بر مال مجیز) نوشته اند:

بسم الله الرحمن الرحيم. دیروز هرچه روی این قسمت، مطالعه و فکر نمودم برایم روشن نشد و موقع مباحثه شد، با بناء بر اینکه با تصریح به ابهام مطلب در این قسمت درس را بگویم، آماده حرکت شدم و هنگام خروج از منزل با توسل به حضرت معصومه علیها السلام، خزینه غیرمنقوصه الهی علیها السلام، دعانمودم و بیرون رفتم. دیگر حتی فکر مطلب هم نبودم. اما همینکه نزدیک صحن مطهر رسیدم، ناگهان خصوصیات مطلب از اول: «وللعقود اللاحقة...» تا «علی المعوض ابتداء» به ذهنم، به اذن الله تعالی و برکت سیدتنا فاطمه معصومه علیها السلام القا شد و روشن گردید.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى آيَاتِهِ وَنِعَمِهِ، إلهی بِفَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْهَمْنَا كُلَّ خَيْرٍ وَوَقَّقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. 21 شوال المکرم 1411
این بحث و نکات و مطالبی که پیرامون آن گفته شد، توجه و آگاهی می دهد که علمای اعلام و طلاب و فضلا می توانند علاوه بر مطالعات مستمر و دقت و باریک شدن در مطالب از مسیر توسلات نیز قسمتی از مسایل علمی خود را

حل کنند، به ویژه برای روحانیت قم که میهمانان مستمر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بوده، همواره بر سر سفره احسان و لطف آن بانوی بهشتی نشسته و به انواع نعم مادی و معنوی متنعم و برخوردارند، در این نوع مشکلات و مسائل، دست توسل به ذیل عنایت این کانون خیر و احسان زده، او را در خانه خداوند متعال، واسطه کنند تا به برکت آن بزرگوار شفافیّت ذهن و قوّت حافظه پیدا کرده، قوه دراکه در آنان نیرومند گردد و به زودی به عمق مسائل و مطالب رسیده و یا اگر مشکلی در راه رسیدن به مطلب است، خداوند مرتفع سازد و راه نیل به مطالب را هموار فرماید.

برکات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

نزول اجلال حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و ورود او به قم، منشأ خیرات و برکات گوناگون و چشمگیر و ماندنب برای قم و اهل واردین آن، بلکه برای عموم مسلمانان جهان، حتی در اقصی نقاط عالم گردید.

شهر، شهر زیارتی شد و از مشرق و مغرب جهان مردم علاقمند به بیت وحی برای زیارت آن معظّمه یگانه روبه این شهر شریف می آورند و در آمدن این جمعیت های فراوان چه منافع بزرگی برای شهر و مردم آن تأمین می شود، ارتباط بین قم و بلاد و ممالک اسلامی حاصل می گردد، فرهنگ اسلامی از این پایگاه علمی به نقاط مختلف انتقال می یابد، جنبه های اقتصادی مردم قم رشد می کند و ده ها منافع دیگر که در پرتو زیارتی شدن این شهر، خداوند بزرگ متوجّه مردم این شهر و واردین و دیگر ملت اسلامی گردانیده است.

و از برکات بی نظیر، آنکه این شهر قداست پیدا کرده، مورد توجّه و اقبال علما و دانشمندان قرارگرفت و بالاخره بزرگترین پایگاه دینی و عالیترین حوزه علمیه در جهان گردید. ورود دو شخصیت بزرگ علمی، مرحوم حایری و

مرحوم بروجردی به قم بدون تردید از برکات حضرت معصومه علیها السلام است و به نظر ما اندک ابهام و اجمالی ندارد و زمینه هیچ گونه شک و تردیدی در آن نیست.

اینک ما جریان ورود هریک از آن دو بزرگوار را به صورت گذرا و اجمالی، ذکر می کنیم تا صدق مدعایمان ظاهر گردد.

1- آمدن مرحوم آیت الله العظمی، مؤسس حوزه، آقای حاج شیخ عبدالکریم حایری اعلی الله مقامه به قم و عزم بر اقامت در آن شهر بر اثر یک استخاره ای بوده است که در کنار حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و با توسل به آن حضرت انجام شده و در نتیجه آن توسل آیه ای آمده که ایشان راموظف به ماندن و جمع کردن علما و فضلا فرموده است و خلاصه هدایت بی دغدغه ای در آن جریان در پرتو حضرت فاطمه معصومه علیها السلام شامل حال ایشان شده است.

فرزند برومندشان مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ مرتضی حایری اعلی الله مقامه در این رابطه می گویند:

مرحوم والد رَحِمَهُ الْعَالِی رَحْمَةً وَاسِعَةً تا آن جا که من یاد دارم با قرآن استخاره نمی کردند و می فرمودند: من درست نمی فهمم مثلاً یُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِی السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ نسبت به موضوع استخاره خوب است یا بد، مربوط به موضوع دیگری است.

ولی معروف و مسلم است که برای ماندن در قم، پس از اصرار عده ای از علما و اهالی قم و اهالی تهران، بالای سر حضرت معصومه علیها السلام برای ماندن در قم استخاره کرده بودند و این آیه آمده بوده است: وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ؛⁽⁵⁹⁾

این آیه خطاب حضرت یوسف به برادران است، که به آنان فرمود: همه اهل و بستگان خود را نزد من بیاورید.

این استخاره در کنار قبر حضرت معصومه علیها السلام بدون هیچگونه اجمال و ابهامی مرحوم آیت الله حایری را به اقامت و آوردن اهل و بستگان خود بدان سرزمین مقدس فرامی خواند. و از این رو آن زعیم بزرگوار، بستگان و حواریون خود را به آمدن به قم از اراک که قبلاً آنجا بر گرد شمع وجودش اجتماع کرده بودند، فرامی خواند، در نتیجه عزم بر ماندن و پیدا کرده و بالاخره چنین حوزه علمیه با عظمتی را تشکیل می دهند.

آری، تشکیل حوزه در شهرستان اراک قبلاً به وسیله همین شخصیت بزرگ علمی، یعنی مرحوم آیت الله العظمی حایری اعلی الله مقامه صورت گرفت و دلدادگان علم و فضیلت نیز در آن حوزه جمع شده، گردآمدند و حوزه اراک تحرک و رونقی پیدا کرد.

نیز تشکیل حوزه علمیه در قم با دست توانای همان عالم ربّانی و فقیه با اخلاص صورت گرفت و حوزه ای قوی و نیرومند و با برکت شد و رجال بزرگ و کم نظیری را تربیت کرده، تحویل جهانیان داد و برکات و آثار آن چشمگیر و مستمر گردید و اکنون متجاوز از چهار ربع قرن است که در جهان اسلام تالّوئی خاص دارد، به طوری که نه تنها ممالک اسلامی بدان توجه دارند، بلکه ممالک بیگانه و دور از اسلام چه کشورهای شرقی و چه غربی برای این حوزه اهمیّت ویژه قایل بوده مرکزیت و محوریت دینی برای آن قائلند و خائنان و ابرقدرتهای خودسر، از آن بیمناک می باشند.

بالاخره هر دو حوزه به دست یک نفر احداث و تأسیس شده است، ولی یکی از آن دو، دچار رکود و رفته شده و یا به قهقرا برمی گردد و دیگری روز

به روز تَلَأُوْ بِبِشْتَرِ پيدا کرد، نور داد و روشنی آفرید و آثار و ثمرات خود را به نقطه نقطه جهان صادر کرد و ندای شیعه را به اقطار عالم رسانید. این چه سرّی است و چه رمزِ نهانی دارد؟!

جز اینکه قم چیزی دارد که اراک و اصفهان و سایر بلاد ندارند و آن بضعه موسی، حضرت فاطمه معصومه عَلَيْهَا السَّلَامُ می باشد.

مضجع و مرقد مطهر این بانوی بزرگ و با عظمت، روحانیتی خاص و قداست و معنویّتی مخصوص و خلل ناپذیر به این شهر داده است که با وجود آنکه از نظر جغرافیایی، محیطی مساعد نبوده و از آب و هوای مطلوب و مطبوعی برخوردار نیست، اینچنین مورد توجّه نفوس واقع شده، دلها مجذوب آن گردیده است و جمع کثیری از هیأت علمیه، علما، فضلا و طلاب با محرومیت های گوناگون مادّی روی به اینجا آورده و اقامت در این کویر برای اشتغال و فراگیری علوم و معارف آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را بر انواع رفاه ها و راحتها در سایر بلاد ترجیح می دهند.

و جان کلام اینکه آمدن مرحوم آیت الله العظمی حایری و تأسیس حوزه و اقبال نفوس، مخصوصاً فضلا و علما، همه از برکات حضرت فاطمه معصومه عَلَيْهَا السَّلَامُ است.

2- جریان اقامت سیّدالطائفه، مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی اعلی الله مقامه نیز مستند به عنایات حضرت معصومه عَلَيْهَا السَّلَامُ است، بدین ترتیب که ایشان در اواخر سال 1361 ه' ق مبتلا به بیماری فتق می شوند و قرار می شود که در تهران عمل کنند، هنگامی که به مقصد معالجه از بروجرد خارج می شوند، وضع مزاجشان رضایت بخش نبوده و تقریباً در بیهوشی بوده اند و این حال ادامه داشته تا یک مرتبه در دل شب، چشم گشوده و چراغ های قم را مشاهده

می کنند. از همراهان استفسار می فرمایند، اینجا کجاست؟ عرض می کنند: قم است.

جذبه ای روحانی و کششی معنوی ایشان را به خود مشغول می کند و در آن حالت تصمیم می گیرند که پس از بهبودی، بقیه عمر را در این آستان مقدس بگذرانند.

در عبارت دیگری آمده که: هنگام حرکت از بروجرد، وضع مزاجی ایشان سخت بوده و در حالت بیهوشی می گذرانیدند ولی ناگهان در وقت شب از خواب بیدار و از داخل اتومبیل نظرشان به چراغ های شهر قم می افتد، می پرسند اینجا کجاست؟ همراهان به عرض می رسانند: اینجا قم است. منظره چراغ های شهر قم در آن شب اثر عمیقی در دل ایشان می گذارد و قصد می کنند که اگر از این بیماری شفا یافتند، بقیه عمر را در کنار مرقد منور حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به سر ببرند.

بالاخره خداوند به برکت حضرت معصومه علیها السلام آن بزرگوار را شفا می دهد و از این رو بعد از علاج بیماری به قم می آیند و آن تحوّل عظیم علمی و فرهنگی را در حوزه به وجود می آورند. و علما و مجتهدین بسیاری را پرورش داده، صدای روحبخش اسلام و تشیع را به گوش جهانیان رسانیدند.

قابل توجه است که نکته ای را که در مورد آمدن مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حایری اعلی الله مقامه ذکر کردیم، در مورد مرحوم آیت الله العظمی بروجردی اعلی الله مقامه نیز صادق است. آن بزرگوار پس از بازگشت از نجف اشرف، حوزه بروجرد را پس از انطماس و رکود احیا کرد و رونقی داد و جماعتی دور وجود مبارکش جمع شدند و آن مرد بزرگ، حدود چهل سال در آنجا اقامت فرمود - بعد از آنکه بروجرد زادگاهشان هم بود - و فیض بخشی

فراوانی کرد، سپس به قم آمد، حوزه مبارکه قم دستاورد مرحوم حایری بزرگ را توسعه داد و آبیاری کرد. از ابعاد مختلف آن را گسترش داد و نام قم را عالمگیر کرد. از اکثر شهرها و بلاد ایران، بلکه از قسمتی از روستاهای آن جوانانی با شور و شوق را به سوی این مرکز علمی جذب نمود تا بالاخره حوزه یگانه و بی نظیر جهان تشیّع گردید، در حالی که حوزه بروجرد رو به توقف و رکود گذارد و تحرک و پویایی خود را از دست داد.

شگفتا شخصیتی بزرگ و کم نظیر مانند آیت الله العظمی بروجردی در رأس دو حوزه قرار می گیرد و یکی را در خلال مدّت چهل سال رشد نسبی و زودگذر می دهد و دیگری را خلال مدّت حدود پانزده سال رشد مطلق می بخشد و آن را جهانی کرده و به اوج عظمت و سربلندی می رساند.

این چه سر نهفته و راز نهانی است، جز اینکه قم گوهری دارد که بروجرد با همه سوابق درخشانش ندارد، چنانکه در جریان مرحوم حایری اراک نداشت و آن مرقد منور دختر بلنداختر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می باشد. آری، قم، حضرت معصومه علیه السلام دارد و اراک و بروجرد ندارند.

این بانوی بزرگ و سرافراز، پشتوانه عظیمی است که شخصیت‌های وزین را بدین سو و سمت می کشد و متفکران و اندیشمندان را از هر نقطه ای جذب می نماید و دلها همه در هوای اوست، از این رو تأسیس حوزه به دست مرحوم آقای حایری از برکات حضرت فاطمه معصومه علیه السلام است و تجدید و تحکیم اساس آن مرکز عظیم و گسترش چشمگیر آن به دست مرحوم آقای بروجردی نیز از برکات آن معظّمه دوران است.

کانون هدایت و فیض دایم

حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام مرکز افاضه فیوضات ربّانیه است. انوار هدایت از این کانون نور پی در پی ساطع بوده و همه جا را روشن و تابناک می گرداند و پیوسته امواج علم، معرفت و فضیلت از آن محور فضیلت و کمال به اطراف و اکناف جهان می رسد و اینک ما در این مجال گوشه هایی از این فیض لاینقطع و هدایت مستمر و برکتهای بیشمار را عرضه می کنیم.

1- تدریس و تدرّس:

یکی از پایگاه های اصلی برای تدریس آقایان اساتید حوزه مبارکه علمیه، محدوده حرم شریف و مسجد بالاسر و صحن مقدّس و حجرات آن است. این جریان از دیرزمان تا کنون ادامه داته و برنامه ای رایج و دایر بوده است، هرچند مراکز مجهّزی برای تدریس - مخصوصاً به لحاظ عدم مزاحمت سروصدا آماده گردیده و در این سالها دروس بسیار مهم و پرجمعیت به آن مراکز سه گانه ⁽⁶⁰⁾ منتقل شده، لیکن درس گفتن و درس خواندن از محدوده حرم شریف منقطع نگردیده و همواره درس هایی برقرار است.

در سابق که مهمترین درسها در همین مرکز باقداست برگزار می شده است، مثلاً درس مؤسس حوزه، مرحوم آیت الله العظمی حایری اعلی الله مقامه در مسجد بالاسر و قبةالعلماء بوده که بعد هم در همانجا دفن شدند.

نیز محل تدریس مرحوم آیت الله العظمی آقای سیدمحمدحجت

کوه کمری رضوان الله علیه، در صحن شریف و مسجد بالاسر بوده است و هم اکنون عکسی موجود است که آن بزرگوار را بر کرسی تدریس در صحن مطهر و کنار ایوان ساعت، نشان می دهد.

مرکز درسی زعیم بزرگ اسلام، مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی، بدو تا سالیان سال در مسجد بالاسر و در تابستان، صحن شریف بوده است. عکس آن بزرگ مرد در حال تدریس، برفراز منبر درس، در کنار ایوان ساعت، موجود و در کتابهای منعکس شده است، البته در سال های آخر عمر شریفشان که شبستان عالی مسجد خودشان آماده شده درشان را بدانجا منتقل کردند.

مرحوم آیت الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سره بعد از ارتحال سیدالطائفه آقای بروجردی قدس سره درس خارج خود را از منزل و از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام به مسجد بالاسر در زمستان و به صحن مطهر در تابستان منتقل کردند و عکس های متنوع، آن بزرگمرد را در کنار ایوان ساعت بر کرسی درس و در حال تدریس، نشان می دهد و در بعضی از این تصویرها صورت سنگ قبرهای صحن نیز که قبل از بازسازی صحن شریف بوده، پیداست و به خوبی مشخص است.

باری، این جریان ادامه داشت تا وقتی که بر اثر ازدحام طلاب و فضلا و شاگردان و جهات دیگر، درس خود را منتقل به سالن بزرگ غربی مسجد اعظم کردند.

مرحوم آیت الله العظمی آقای مرعشی رضوان الله علیه در مسجد بالاسر حضرت معصومه علیها السلام تدریس می کردند و تا پایان عمر، این برنامه را ادامه دادند و عکس های موجود است که ایشان را در حال تدریس در آن مکان مقدس، نشان می دهد.

2- مباحثه ها:

مواضع مختلف مسجد بالاسر حضرت معصومه علیها السلام و مسجد طباطبائی - مسجد موزه - و صحن شریف و برخی از حجرات آن غالباً جایگاه مباحثه

آقایان طلاب و فضلا است که هر دو نفر، سه نفر یا بیشتر در آن مواقف نورانی سرگرم بحثهای علمی و دینی و مرور و بازگکردن و تکرار نمودن درسهایی که خوانده اند، می باشند.

3- اذان در مقاطع سه گانه:

از برنامه های نشاطانگیز حرم مطهر، پخش اذان در مقاطع سه گانه، یعنی طلوع فجر و مقارن زوال یعنی ظهر و دیگر اول مغرب از بلندگوهای حرم است. صدای روحبخش اذان به وسیله مؤذنان خوش آهنگ، طنین خاصی دارد، به ویژه هنگام اذان صبح که صوت اذان در سکوت و آرامش محیط و فضا، تا مسافتی دور می رود و مردم باایمان را به اقامه نماز دعوت می کند و اثر مخصوصی در دل و جان اهل ایمان دارد.

4- پخش مناجات قبل از اذان صبح:

لحظاتی قبل از طلوع فجر و اذان صبح، بلندگوهای حرم مطهر مناجاتی را پخش می کند که به وسیله یکی از آقایان خوش صدا برگزار شده است. صدای دلنواز مناجات حرم، در آن ساعت اثر معنوی ویژه ای دارد و روحانیت خاصی را ایجاد می کند و شاید مسافران و زائران کریمه اهل بیت، بیشتر لذت وصف ناپذیر این مناجات سحرگاهی را درک کنند.

جای تأسف است که به نظر ما این برنامه روحبخش از جهت کم و کیف، کاهش یافته و وضع بسیار عالی سالیان سال قبل از ده یا بیست سال اخیر، رو به ضعف گذاشته است، آنچنان که بنده می فهمم وقت آن کمتر و صدای بلندگوها هم ضعیف تر است و گاهی در غیر حول و حوش حرم، به گوش نمی رسد.

5- نمازهای جماعت در مقاطع سه گانه:

یکی از برنامه های شکوهمند حرم مطهر، نمازهای جماعت متعددی است که صبح و ظهر و شب در آن مکان مقدس و اطراف و جوانب آن برگزار می شود. آنچه برای خود بنده به صورت یک خاطره شیرین از دوران تجرد در ذهنم باقی مانده است، منظره نماز صبح است که اول طلوع صبح، نخست مرحوم آیت الله العظمی مرعشی رحمة الله علیه نماز صبح را برگزار می کردند. (61) و با فاصله ای اندک می رفتند و سپس اذان دیگری گفته می شد و نماز جماعت توسط مرحوم آیت الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سره برگزار می شد و بعد از فراغت ایشان از نماز و خروجشان از مسجد بالاسر، جماعت سوم توسط مرحوم آیت الله آقای حاج سید احمد زنجانی رضوان الله علیه برگزار می شد و در هر جماعتی عده ای که تازه آمده بودند شرکت می کردند و گاهی بعضی از مؤمنین موفق به شرکت در دو جماعت نیز می شدند.

راستی آن صحنه بسیار باشکوه و دیدنی بود و از روحانیت خاصی برخوردار بود، یاد آن ایام و ساعات و لحظات عطرآگین بخیر.

6- دعا:

از فیوضات عالیه حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام مراسم مختلف در اوقات مناسب آنهاست که گروه کثیری از ساکنان محترم قم و نیز از زائران حضرت معصومه علیها السلام در آن مراسم روحانی و معنوی شرکت می کنند و دعاهای مبارکه و مأثوره، مانند دعای شریف کمیل در شب های جمعه و دعای مبارک ندبه در صبح جمعه و در مواقعی دعای شریف توسل را می خوانند و از باشکوهترین مظاهر این برنامه، مراسم دعای عرفه امام حسین علیه السلام در عصر روز عرفه است که جمعیت عظیمی با شور فراوان در آن شرکت می کنند.

7- جشن ها:

از جمله فیوضات و برکات این مرکز نور، برپاداشتن مراسم اعیاد مذهبی و اقامه جشن ها در مسجدبالاسر و احياناً رواق ها و صحن هاست. در این مراسم، جمعیت بسیار از زوآر و غیر زوآر شرکت می کنند و به شادی و سرور پرداخته، مدآحان آل عصمت، مدیحه سرائی نموده، شعرا اشعار نغز خود را ارایه می کنند و سخنرانان مذهبی ایراد خطابه کرده و مطالب مربوط به روز خاص و جریان آن روز را ارایه می نمایند.

8- سوگواری ها:

در همه سوگواری های امامان معصوم و کلاً خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام، مجالس سوگواری و عزاداری برای عزیزان خدا برگزار می شود. در ماه محرم و صفر، مجالس عزاداری در آن روزه منوره منعقد است. نوحه خوانان، نوحه خوانی و مرثیه سرایان، مرثیه سرائی می کنند و گاهی تهییجی در مستمعین ایجاد می شود که صدای گریه و زاری فضا را می گیرد و بالاخره خطبا و وعاظ بر فراز منبر قرار گرفته، پیرامون خاندان رسالت و نبوت با مردم سخن می گویند و فضایل و مناقب آن معصومین پاک را برای مستمعین تبیین کرده و ذکر می نمایند. در بسیاری از این مراسم یا قسمتی از آنها جمعیت های متراکم از مجاورین و مسافرین جمع می شوند و آن را به صورت مطلوبی برگزار می نمایند.

9- زیارت مقابر علما:

زیارت قبور مبارک علمای اعلام و زعمای دینی و رجال بزرگ مذهبی که در حول و حوش قبر مطهر حضرت معصومه علیها السلام مدفونند، از برکات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و از فیوضات این حرم شریف است. و شاید این خصوصیات در حرم حضرت معصومه علیها السلام بیش از حرم های شریف امامان

بزرگوار، معمول و مرسوم است، زیرا این همه علما و مجتهدین و مراجع بزرگ شیعه در حرم های دیگر در کنار هم، آن هم با فاصله مختصری از حرم مطهر به صورت مشخص مدفون نمی باشند و این خصوصیات در حرم قم می باشد.

و از این رو غالباً کسانی که قبر مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را زیارت می کنند، بلافاصله کنار قبور علمای بزرگوار حضور یافته و فاتحه می خوانند و عرض ادب به آن رجال بزرگ علمی می کنند. بالاخره زیارت مقابر رجال بزرگ علمی و زعمای گرانقدری که در اطراف و جوانب مضجع منور فاطمه معصومه علیها السلام مدفونند، یادآور زحمات آن بزرگواران در مقاطع خطرناک برای حفظ اصول دینت و صیانت احکام، مقررات و مقدسات دینی است و خود، نوعی قدردانی و حق شناسی نسبت به خدمات بی دریغ آن عزیزان، تجدید عهد دائمی مردم مسلمان با آن ارواح پاک و پاکیزه است و همه این ها در پرتو عنایات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام می باشد.

10- و از برنامه هایی که مستقیم از ناحیه مردم در حرم مطهر صحن ها انجام می شود، آمدن هیأت های مذهبی و دسته جات سینه زن و زنجیرزن است که در ایام سوگواری خصوصاً در تاسوعا و عاشورا و اربعین و بیست و هشتم ماه صفر و دیگر مناسبات مربوط به امامان و معصومین علیهم السلام این مراسم بافروغ و شکوه مخصوص برگزار می شود و بالاخره صحن شریف حضرت معصومه علیها السلام و حرم مطهر آن بانوی سرفراز کانون علم و عمل و مرکز نور و هدایت به صور گوناگون است: تدریس، تدرّس، مباحثه، مناجات، دعا، اذان، نماز جماعت، اقامه عزا و سوگواری عزیزان خدا، مراسم جشن و سرور در اعیاد مذهبی، سخنرانی های سودمند مذهبی، ارشاد، وعظ و خطابه، قرائت قرآن کریم، ذکر مصیبت امام حسین علیها السلام، مدیحه و مرثیه سرائی خاندان عصمت، نشر معارف

اهل بیت، آشنایی ملل مسمان جهان با یکدیگر و ده ها عناوین افتخارآمیز دیگر از فیوضات این کانون فیض لاینقطع و گسترده الهی است.

در کنار این برنامه ها مراسم دیگری می باشد که جنبی است و آنها نیز بالاخره بازگشت به الطاف و مرحمتهای حضرت فاطمه معصومه علیها السلام می کند. مانند اطعامی که از ناحیه آستانه مقدسه می شود و علاقمندان خاندان علی و اولاد علی علیه السلام بر سر سفره ضیافت بانوی عالم، علیها السلام می نشینند و بهره مند می شوند. طبعاً این برنامه هم خالی از مراسم معنوی نیست.

و مانند نذوراتی که تقدیم حرم مطهر می شود که ما در این باب سخنی داریم و مطالبی را ذکر خواهیم نمود.

و مانند اتفاقاتی که زائران و اداران نسبت به فقرا و ضعفا و مستمندان دارند که غالباً در خود حرم مطهر و رواق ها و صحن ها و مساجد متعلقه به نوعی صورت می گیرد.

11- نذورات و موقوفات:

از جمله مظاهر برازندگی و قداست حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و موقعیت بسیار رفیع آن بانوی یگانه و پایگاه منیع او در اعماق جان مردم، موضوع نذرهایی است که برای آن مخدّره می شود و در طول سال و هر روز و شبی به انواع مختلف، جریان دارد.

یکی از کانالهای این نذورات و شاید مهمترین و بیشترین آنها عبارت از نذورات مالی است که به وسیله طبقات مختلف از عالم و عامی و ثروتمند و یا مردم متوسط الحال و احیاناً ضعفا و کسانی که خود مشکل مالی دارند، انجام می شود.

علاقمندان به خاندان پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی الخصوص فاطمه معصومه عَلَيْهَا السَّلَام احياناً نذورات مطلقه می کنند که نذرشان بدون قید و شرط است، ولی غالباً نذرهای مقید می نمایند؛ یعنی وجهی را مقید به رسیدن به حاجتشان - مثلاً پیدایش فرزند برای آنان یا مراجعت مسافرشان و یا پیشروی تجارت و کارشان و یا موفقیت در ازدواج و یا تحصیل، یا شفاگرفتن و درمان شدن بیمارانشان یا مرتفع شدن درد و بیماری خودشان و یا آزادشدن گرفتاران و محبوسینشان و ده ها و صدها حاجت و خواسته به مناسبت زمان و مکان - نذر می کنند و در بسیاری از موارد به خواسته های خود می رسند و به برکت فاطمه معصومه عَلَيْهَا السَّلَام و در پرتو الطاف بی دریغ آن مکرمه حاجتشان برآورده می شود و لذا نذر خود را هم انجام می دهند.

و نحوه پرداخت وجوهی که نذر حضرت معصومه عَلَيْهَا السَّلَام می شود، دو گونه است:

الف: مراجعه به دفتر مخصوص نذورات و صندوق ویژه آن نموده و نذر خود را ادا کرده، وجه مربوط را تحویل می دهند که در این مورد همراه با اخذ قبض رسید می باشد.

ب: خود نذرکنندگان وجه مندور را به داخل ضریح مبارک می اندازند و می ریزند و گاهی اگر مثل پارچه یا فرش کوچکی باشد به بالای ضریح می اندازند و روی همین جهت بعد از مدتی خدام محترم و یا اشخاص دیگری پس از مراسم خلوت کردن حرم، درب ضریح را؛ ت ت ک ک باز کرده و وجوه نذری را بیرون می آورند و تحت مراسم خاصی آن را به مصارف مقرر می رسانند.

کانال نذورات، کانال بسیار سرشار و پردرآمدی است و مقادیر زیادی مال و وجوه از همین رهگذر در هر ماه و سالی در اختیار آستانه مبارکه قرار می گیرد

و این نذورات منحصر به خود مردم شریف قم نیست، بلکه از بلاد دیگر و حتی گاهی از بلاد بعیده و از ممالک خارج نیز این نمونه نذرها انجام می شود و مبالغی را تقدیم آستانه مبارکه حضرت معصومه علیها السلام و حرم شریف او می کنند و آن را با دست خود یا به وسیله دیگران تحویل می دهند.

ناگفته نماند که نذورات منحصر به پول و مال نیست و شعب و رشته های فراوانی دارد از جمله، گاهی نذر تعمیر حرم شریف می شود، که در سابق این جریان زیاده بوده و گاهی نذر نماز و تلاوت قرآن و تقدیم ثواب آن به روح منور حضرت معصومه علیها السلام است و احياناً نذر زیارت آن معظمه را می کنند و در جای خود انجام می دهند. چنانکه گاهی نذر اقامه عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام یا دیگر از معصومان پاک و یا ذکر مصایب خود حضرت معصومه علیها السلام می کنند و در حرم مطهر یا رواق های مجاور، انجام می دهند.

اخیراً ورقه ای به دست آمد که مربوط به دوران فتحعلی شاه است و حاکی از مرسوم بودند نذر زیارت حضرت معصومه علیها السلام در آن زمان بوده است و متن آن این است:

و بعد حاضر گردید احقر عباد و اقل السادة خادم خدام والامقام سرکار فیض آثار، حضرت فاطمه بنت موسی بن جعفر علیها و علی آباءها آلاف التحية و الثناء «سید محمد بن سید علی الرضوی» در محکمه بندگان عیوق شان عالی جناب مقدس القاب فضائل و فواضل اکتساب حقایق و مارف انتساب، حاوی الفروع و الاصول، جامع المعقول و المنقول، مجتهد العصر والزمان، میرزائی میرزا علیرضا دام فضله العالی، وبه عنوان نذر بر خود واجب و لازم و متحتم نمود که از غره شهر رمضان المبارک هذالسنه و مابعدھا مادام الحیاة هر روزی یک زیارت، به جهت بندگان سکندر نشان، دارا دربان، ملایک پاسبان، آسمان مکان،

سلطان الاعظم و خاقان الاكرم، السلطان العادل فتحعلی شاه، نیابتاً و دو زیارت که ثواب آنها عاید رضوان آشیانان والد و والده حضرت شاهنشاهی روحی فداه نماید و صیغه نذر را جاری ساخت که هرگاه العیاذبالله بدون عذر شرعی خلاف نذر به عمل آمد، مبتلا به کفاره حنث نذر گردد.

و این چند کلمه به رسم یادداشت قلمی و تحریر شد و به نظر مبارک واقفان انجمن حضور معدلت دستور رسیده که به علاوه احتیاط از گرفتاری کفاره چنانچه تساهل و مسامحه نماید، مورد مؤاخذه و عقوبت حضرت شهریار باشد.

7 رجب المرجب من شهر 1247

و در ذیل، مهر و امضائی است و بر بالای آن صفحه دو نفر از علما امضا و مهر کرده اند، یکی از آنها نوشته است: قَدْ جَرَتِ الصَّيْغَةُ عِنْدِي. و دیگری چنین نگاشته است: قَدْ تَفَوَّهَ بِصَيْغَةِ النَّذْرِ بِمَحْضَرِي.

و اما موقوفات:

شدت نفوذ و قداست حضرت فاطمه معصومه عليها السلام چنان است که از دیرزمان، اموال فراوان از منقول و غیرمنقول به وسیله اشخاص خیر و باایمان بر آن حضرت وقف شده است. اراضی بسیار و خانه های متعدد، مغازه های بیشمار، باغ، بستان های عدیده امروز در قم و چه بسا در جاهای دیگر است که وقف بر آن بانوی بزرگ می باشد و وقفنامه های بسیار و صورتهای وقف فراوان با مهر و امضاهای بسیار مهم و معتبر در دسترس است، به طوری که می توان به صورت کتابهای بزرگ و متعدد در آورد و قسمتهایی از آنها در کتابهای مربوطه چاپ شده است.

محدثه آل محمد ﷺ

یکی از فضایل و مناقب بزرگ حضرت فاطمه معصومه عليها السلام محدثه بودن آن بانوی بزرگوار است. بضعه موسی بن جعفر عليه السلام روایاتی نقل فرموده و کلمات گرانبهای خاندان وحی را به علاقمندان منتقل کرده اند و از این رهگذر نیز اهل ایمان را متنعم و بهره مند ساخته است و این هم خود یکی از جهاتی است که مار را رهین منت بانوی جهان، حضرت معصومه عليها السلام را قرار می دهد. و ما در این مقام چهار مورد را که حضرت فاطمه معصومه در سند روایت قرار گرفته و آن حضرت ناقل روایت می باشد ذکر می کنیم و آن چهار مورد، حدیث غدیر، حدیث منزلت، حدیث معراج و حدیث شهید بودن محبان آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین است.

1 و 2- علامه بزرگ و مجاهد و مورد تأیید الهی مرحوم علامه آقای میرزا عبدالخسین امینی اعلی الله مقامه به سند مفصّلی که همه سلسله سند از عامه و اهل سنت اند، از شخصی به نام بکر بن احمد قصری نقل کرده که او گفته است:

حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ زَيْنَبُ وَ أُمُّ كَلْثُومُ بَنَاتُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليهما السلام، قُلْنَ حَدَّثَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ بِنْتُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ وَ سَكِينَةُ ابْنَتَا الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أُمِّ كَلْثُومِ بِنْتِ فَاطِمَةَ بِنْتِ النَّبِيِّ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَ رَضِيَ عَنْهَا قَالَتْ أَنْسَيْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا لَمَسَ الْوَجْهَ لَمَسًا، يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ. وَ قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. (62)

یعنی حدیث کردند برای ما دختران موسی بن جعفر، فاطمه و زینب و ام کلثوم و آنان گفتند: فاطمه دختر امام صادق عليه السلام برای ما نقل نمود و او گفته

است: که فاطمه دختر امام باقر نقل کرد که فاطمه دختر علی بن الحسین از فاطمه و سکینه دختران امام حسین علیه السلام و آنها از ام کلثوم دختر فاطمه، دختر پیامبر و او از فاطمه دخت رسول الله بیان داشت که فرمود: آیا گفتار پیغمبر را در روز غدیر فراموش کردید که فرمود: هرکس من مولای مولای اویم علی مولای اوست. و از یاد بردید سخن پیامبر را که فرمود: تو - یا علی - نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی علیه السلام می باشی؟!

3- علامه نامدار، مرحوم مجلسی اعلی الله مقامه از کتاب مسلسلات، با ذکر سلسله سند از بکر بن احنف نقل کرده که او نیز از فاطمه دختر حضرت رضا علیه السلام نقل نموده که گفته است: حدیث کرد مرا فاطمه و زینب و ام کلثوم، دختران موسی بن جعفر علیه السلام و آنان گفته اند که حدیث کرد ما را فاطمه دختر امام جعفر صادق علیه السلام و او می گوید: حدیث کرد مرا فاطمه دختر محمد بن علی علیه السلام و او نقل کرده از فاطمه دختر علی بن الحسین علیه السلام و ایشان فرموده اند: حدیث کرد مرا فاطمه و سکینه دختران حسین بن علی علیه السلام از ام کلثوم دختر علی علیه السلام، از فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود:

شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: چون مرا به آسمان سیر دادند، داخل بهشت شدم. در آنجا قصری بود از در سفید و مجوّف و دری داشت مزین به درّ و یاقوت بود و بر آن در پرده ای بود. پس سر را بلند کردم، دیدم بر آن درب نوشته بود: لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی القوم و بر آن پرده مکتوب بود: بَخُّ بَخٌّ مِنْ مَثَلُ شِيعَةِ عَلِيٍّ؟ به به، چه کسی همچون شیعه علی خواهد بود؟!

آنگاه من داخل شدم قصری را دیدم از عقیق سرخ مجوّف و در آن از نقره مزین و زبرجد سبز بود و بر آن پرده ای بود. پرده را بالا زدم. بر آن نوشته بود: محمد رسول الله، علی وصی المصطفی: محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول خداست و علی

وصیّ پیامبر می باشد. و بر آن پرده نوشته بود. بَشْرٌ شِيعَةَ عَلِيٍّ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ؛
بشارت ده شیعه علی را به پاکی ولادت!

من داخل آن قصر شدم. ناگهان قصر دیگری از زمرّد سبز مجوّف نمودار شد
که من نیکوتر از آن ندیده بودم و برای آن قصر دری بود از یاقوت سرخ مزین
به لؤلؤ و بر آن در، پرده ای بود. پس سرم را بالا نموده، دیدم بر آن پرده نوشته
بود: شِيعَةَ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ شیعیان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ سعادتمند و رستگارند.

من گفتم: حبیبم جبرئیل! این قصر از آن کیست؟ گفت: یا محمد برای پسرعم
و وصیّ تو علیّ بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ، مردم همه در روز قیامت عریان و پابرهنه
اند، جز شیعه علی و مردم به نامهای مادرانشان خوانده می شوند، جز شیعه علی
عَلَيْهِ السَّلَامُ که به نام پدرانشان خوانده می شوند.

گفتم: حبیبم جبرئیل! این مطلب چگونه است؟ گفت: زیرا آنان علی را دوست
داشتند، پس ولادت آنان پاکیزه است و پدری معلوم و مشخص دارند، لذا به نام
آنها خوانده می شوند. ⁽⁶³⁾

4- علامه محدث شیخ محمدبن محمدبن احمد داغستانی، در کتاب اللؤلؤة
الثمينة فی الاثار المعنعة المروية که در سال 1306 ه'ش در مصر چاپ شده از
فاطمه بنت الحسین الرضوی نقل نموده است و او از فاطمه دختر محمد الرضوی
از فاطمه دختر ابراهیم رضوی از فاطمه دختر حسن رضوی، از فاطمه دختر
محمد موسوی، از فاطمه دختر عبدالله علوی، از فاطمه دختر حسن حسینی، از
فاطمه بنت ابی هاشم حسینی، از فاطمه دختر محمدبن احمدبن موسی مبرقع، از
فاطمه دختر احمدبن مبرقع، از فاطمه دختر موسی مبرقع، از فاطمه بنت امام ابی
الحسن الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، از فاطمه دختر موسی بن جعفر، از فاطمه دختر جعفر بن
محمد صادق، از فاطمه دختر محمدبن علی باقر، از فاطمه دختر علی بن

الحسین سجّاد زین العابدین، از فاطمه دختر ابی عبداللّٰه الحسین، از فاطمه دختر امیرالمؤمنین، از فاطمه بنت رسول اللّٰه ﷺ که رسول خدا ﷺ فرمود: أَلَا مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا؛⁽⁶⁴⁾ آگاه باشید هرکس که بر محبت و دوستی آل محمد بمیرد، شهید از دنیا رفته است.

و طبق نقل، این روایت را فاطمیّات خوانده اند؛ زیرا راویان آن جز یکی دو نفر، همه فاطمه نام می باشند.

باری، بر اساس مطالب این بخش، بضعه موسی، حضرت معصومه ﷺ بانویی عالمه و محدثه از خاندان عصمت و طهارت محسوب می شوند و علاوه بر فضایل ذاتی و واسطه فیض ربوبی بودن، وساطت در رساندن اخبار و احادیث شریفه به دست شیعه نیز دارند و باید محدثین بزرگ و اهل روایت، فخر و مباهات کنند که همچون حضرت معصومه ﷺ، حبیبه خدا، جزء محدثین و راویان اخبار و ناقلان روایات می باشند. چنانکه پیش از او فاطمه بنت الحسین ﷺ و بعضی دیگر از فواطم خاندان پیامبر، افتخار بزرگ محدثه بودن را داشتند و از همه مهمتر جدّه گرانقدر حضرت فاطمه معصومه ﷺ یعنی حضرت فاطمه زهرا صلوات اللّٰه علیها محدثه و اهل حدیث و روایت بودند و در این عمر کوتاه خود، مطالب و روایات بسیاری را از پدر بزرگوارش حضرت خاتم النبیین ﷺ روایت فرموده اند که در کتب مربوطه ثبت و ضبط است.

آری، شیعه افتخار دارد که در بین طبقه بانوان، زنانی باجلالت قدر و فخامت شأن، مانند حضرت زهرا و حضرت فاطمه معصومه ﷺ دارد که احادیث و کلماتشان، راهگشای زندگی انسانهاست.

فاطمه معصومه علیها السلام شفیعه روز جزا

یکی از معتقدات شیعه و از مباحث کلامی، موضوع شفاعت است که اصل آن از قرآن کریم به خوبی استفاده می شود.

پیروان مکتب تشیع و دادادگان خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله با اتکای به آیات کریمه قرآنی و روایات شریفه، این موضوع را حتمی دانسته و بدان اعتقاد قلبی دارند.

خداوند در قرآن کریم خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا؛⁽⁶⁵⁾ پاسی از شب را از خواب برخیز و به قرآن و نماز بگذران. این یک وظیفه اختصاصی برای توست. امید است که پروردگارت تو را به مقامی قابل ستایش برساند. در تفسیر آیه از اهل بیت عصمت علیهم السلام آمده که مقصود از این مقام محمود، مقام شفاعت است.⁽⁶⁶⁾

شفعاء یوم القیامه متعددند و در رأس همه، رسول خدا، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله می باشند. چنانکه علاوه بر آیه فوق روایات متعدّد دلالت بر این موضوع دارد و نیز ائمه طاهرین، جزء شفعاى عندالله می باشند و این مقتضای آبرومندی آنان در نزد خدای تعالی و رأفت آنان نسبت به بندگان خداست و در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام می خوانیم: اَللّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ...

بارخدایا! شفاعت حسین علیه السلام را در روز ورود بر خودت روزیم فرما.

بالاخره در طبقه مردان، انبیا و اوصیا و ائمه طاهرین و برخی دیگر شفاعت می کنند و نیز در میان زنان و طبقه بانوان کسانی هستند که دارای مقام والای شفاعتند و شخصیت‌های گرانقدری که به اذن الله تعالی در قیامت، شفاعت می کنند.

و آنچه که در اینجا مسلم است، اینست که دو معظمه دوران و افتخار بانوان جهان، دو شخصیت بی نظیر فاطمه نام، یکی حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا صلوات الله علیها و علی ابیها و بعلها و بنیها و دیگری کریمه آل محمد و بضعه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام صاحب مقام شفاعتند.

آنچه که حکایت از مورد اول می کند، روایات بسیاری است که در ابواب معاد و قیامت و نیز در ابواب فضایل حضرت فاطمه زهرا علیها السلام رسیده است و از جمله روایت جابر از حضرت باقر علیه السلام است که در یکی از فقراتش آمده است: ای جابر! واللّٰه که فاطمه شیعیان و محبّان خود را التقاط می کند آنگونه که مرغ دانه های خوب و سالم را از میان دانه های بد، جدا نموده و انتخاب می کند. (67)

و اما راجع به حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بعضی از روایات که از خاندان پیغمبر نقل شده، صریح در این معناست. چنانکه سید عالم شهید مرحوم قاضی نورالله شوشتری رضوان الله علیه نقل فرموده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: «آگاه باشید که برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حرمی است و آن مدینه است. آگاه باشید که برای امیرالمؤمنین علیه السلام حرمی است و آن کوفه است. آگاه باشید که حرم من و حرم فرزندان من، بعد از من، قم است. آگاه باشید که قم کوفه کوچکی است. آگاه باشید که برای بهشت هشت در است که سه تای آن به سوی قم مفتوح می باشد.»

بعد فرمودند: تُقْبَضُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وُلْدِي وَأَسْمُهَا فَاطِمَةٌ بِنْتُ مُوسَى تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ؛ (68)

در سرزمین قم، زنی از فرزندان من که نام او فاطمه و دختر موسی بن جعفر است از دنیا خواهد رفت و شیعیان من همگی به برکت شفاعت او داخل بهشت خواند گردید.

و نیز در زیارت آن مکرمه علیها السلام که خود از امام علیه السلام، مأثور است می خوانیم: یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة... ای فاطمه! برای من در مورد بهشت، شفاعت کن... بنابراین، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام همچون جدّه معظمه اش فاطمه زهرا علیها السلام از شفعی محشر است.

آنچه در اینجا بسیار قابل توجه است این است که برحسب ظاهر روایاتی که در دو مورد، ذکر شد، نه تنها آن دو حبیبه خداوند، صاحب مقام شفاعتند، بلکه شفاعت آنان در سطحی وسیع و گسترده می باشد. چنانکه در روایت مربوط به حضرت معصومه علیها السلام کلمه «أَجْمَعِهِمْ» به کار رفته که کاملاً ظاهر در این است که همه شیعیان به شفاعت آن بزرگوار می رسند و عامّه شیعه از آن بهره مند و برخوردار خواهند گردید.

این تعبیر، بسیار ارزشمند است، زیرا از یک سو مقام والای حضرت فاطمه بنت موسی را ابراز می دارد که شفاعت آن حضرت نوع خاصی از شفاعت است؛ گروهی نیست و طایفی نمی باشد، بلکه فراگیر و عمومی است و به کافّه شیعه خواهد رسید.

و از دیگر سو تعبیر امیدبخش و فرح انگیز است و نور امید در دلهای همه شیعیان ایجاد می کند. شفاعت حضرت معصومه علیها السلام شعاع رحمت و اسعه الهیه است که همه را زیر پروبال خود خواهد گرفت.

بنابراین اگر در زیارت آن مکرمه بی بدیل می خوانیم: یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة و درخواست شفاعت از آن خزینه رحمت الهی می کنیم، تقاضایی بجا

و بمورد است که او صاحب شفاعت کبری و تامّه است و دامنه شفاعتش آن قدر گسترده و وسیع است که به هرکسی که در زیر لوای مقدّس تشیّع باشد خواهد رسید.

بله! در اینجا نباید یک مطلب را از یاد برد و آن این است که در همان روایت مخصوص، می فرماید: «شیعیان من به شفاعت او داخل بهشت خواهند گردید» و اکنون باید همه در حال خود فرورویم و بنگریم که آیا در زمره شیعیان امام صادق علیه السلام هستیم؟ و آیا این عنوان و واژه درباره ما صادق است؟ و آیا آن امام بزرگوار، تشیّع ما را امضا می کند؟ اگر خدای نخواستہ این مطلب مورد تردید قرار گرفت یا این عنوان منتفی شد، حکم و اثر آن نیز در پی آن منتفی خواهد گردید. ملاک شیعه بودن را ما خود نمی توانیم تفسیر کنیم و به دست بدهیم، ملاک آن طبق تفسیر خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله باید در عمل روشن گردد و عمل ماست که معیار تشیّع ما خواهد بود.

بالاخره فیض، فیضی مستعدّ است و اقتضای شمول آن نسبت به همه افراد شیعه، محقّق است. اکنون بکوشیم که حداقل در ردیف ضعیفای شیعه - از نظر فکر و عمل - باشیم تا مشمول لطف عمیم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام قرار بگیریم.

تکریم حریم قم و حضرت معصومه علیها السلام

قم از آغاز امر و خصوصاً از هنگام ورود حضرت فاطمه بدان سرزمین و دفن بدن مطهّر آن بانوی بزرگ در این خاک، قداستی خاصّ داشته و مورد احترام ویژه بوده است. چنانکه حرم مطهّر، قبه سامیه، بقعه منوره و صحن شریف حضرت معصومه علیها السلام از احترام خاصّ عموم طبقات برخوردار بوده است و چنین در ذهن دارم که در طول سالیانی که در قم مشرفّ می باشم، احیاناً دیده

ام مؤمنان پاکدلی را که برای ورود به صحن و تشرّف به حرم مطهّر، از محلّ ورود خود را پابرنه کرده و برای زیارت، مشرفّ شده اند.

شهرستان قم مورد احترام طبقات و حتّی سلاطین بوده است، چنانکه مسلمّ است که بعضی از فراریان از دستگاه های حکومتی در ادوار مختلف، رو به قم کرده و پناه به آن می آورده اند.

یکی از نویسندگان می نویسد: به پاس حرمت این سرزمین که حرم اهل بیت معصومین نامیده شده، حضانت آن مورد تأیید کلیّه سلاطین گردیده بود، تا جایی که پادشاه متعصّب و مقتدر حنفی، یعنی اتابک ساتمازین قائم ازهم در نیمه قرن ششم، شهر قم را به عنوان مهد امنیت شناخته، حضانت آن را محترم می شناخت. از این روی، کمتر زمانی بود که قم مجمع وزرای مغضوب و امرای منکوب و رجال شکست خورده سیاسی نباشد. ولی در عصر صفویّه، محیط بست به مرافق آستانه تخصیص یافت و عمارت ساروتقی به جای دارالشفای کنونی مرکز سکونت متحصّنین گشته، در همانجا از مطبخ خیرات هم اطعام می شدند و از آن پس کلیّه پادشاهان ایران هم در رعایت حرمت حرم فاطمه معصومه علیها السلام از نظر حفظحضانت کوشا بودند. (69)

و هم او از قول بعضی از سیّاحان خارجی نقل کرده است که این شهر ار معمولاً دارالامان می گویند، ولی این کلمه نسبت به عیسویان یا پیروان سایر مذاهب، صدق نمی کند، بلکه فقط دارالامان بزه کاران و جانیان است که برای فرار از مجازات به این شهر می آیند و در زیر دیوارهای مقبره، پناهنده می گردند. (70) و گویا مطلبی را که این نویسنده محترم از پادشاه حنفی نقل کرده است مستند به نوشته ملک الوعّاظ شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی، دانشمند بزرگ قرن ششم هجری است. او کتابی ارزنده به نام «النقض» در ردّ نوشته

گمراه کننده بعضی از علمای عامّه، به نام «بعضُ فضایح الروافض» نوشته و چون آن گمراه گفته است: در هر شهری که رافضیان (شیعیان) غلبه دارند، دین و شریعت را آنجا جمال رونقی نباشد و بعد به قم و بعضی از شهرهای شیعه مثال زده است. ایشان در جواب او فصل مشبعی راجع به آثار فراوان و روشن دیانت در قم بحث کرده تا بدینجا که می گوید: در این تاریخ که این نقض را می نویسم، مثالی رسیده از قم که مُقطع قم: غازی عادل صائمزین قائم از الحرامی ضاعف الله دولته به قم فرستاده است اول این عبارت که اهل قم از خدای تعالی به نزدیک ما ودیعت اند. و ما را رعیتی مبارکند و تا قم نامزد و دیوان ما کرده اند هر روزه ما رامنزلتی و مرتبتی پدیده آمده است و ما ایشان را به فال کرده ایم.

بعد شیخ عبدالجلیل می گوید: چون چنین پادشاهی حنفی متعصب، ملحدکش در حق قم و قمیان چنین می نویسد، الا از سر بصیرت و حقیقت نباشد چه پادشاه از رعیت، تقیه نکند و هزل ننویسد...⁽⁷¹⁾

هتک حریم قم و حضرت معصومه علیها السلام

احترم مخصوص قم و اجلال ویژه حضرت معصومه علیها السلام، از نظر معنوی و در نظر مردم و جوامع از بحث های گذشته، روشن گردید. اکنون یادآور می شویم که در مواردی شهر قم و یا حرم مطهر آن بانوی جهانی مورد هتک و بی حرمتی قرار گرفت.

از مواردی که شهر قم در معرض تعدی، تجاوز و تهاجم واقع شد حادثه هولناک حمله تیمور گورکان است که طبق نقل، این شهر را به کلی ویران ساخت، هر چند در این نقل چیزی راجع به قبه سامیه حضرت معصومه علیها السلام نیامده است، کما اینکه اصل جریان، نیز مورد تردید واقع شده است.

و دیگر فتنه افغانهاست که در سال 1722 ه'ق این شهر را پس از آنکه رو به آبادی گذاشته بود مورد حمله قرار داده، آن را مجدداً خراب کردند و شقاوت و بی رحمی نسبت به ساکنان قم از تیمور بیشتر شد، به طوری که یکی از سیاحان اروپایی که یک قرن پس از حمله افغان ها از این شهر عبور کرده می نویسد: از شهر آباد قم فقط توده خاکی بر جای مانده است.⁽⁷²⁾

و موارد دیگری نیز در تواریخ ذکر شده و گویا رمز این حملات وحشیانه و قتل عام مردم قم اشتهاار آنان به تشیع و پیوند دل و جان آنان با خاندان علی علیه السلام بوده است.

و اما راجع به هتک حریم مقدس حضرت معصومه علیها السلام و شکستن احترام حرم شریف دو مورد را ذکر می کنیم:

1- هتک و سوء ادبی که به وسیله شخص رضاخان پهلوی صورت گرفت: بدین بیان که تحویل سال و نوروز سال 1346 شمسی که مصادف با ماه مبارک رمضان بوده، زنان و دختران فاسد او بدون ساتر و پوشش وارد آستانه مقدس شده، بی شرمانه در غرفه بالای ایوان آینه که در صحن بزرگ قرار دارد جای گرفته و مشغول تماشای مردم بودند و یک جا، حرمت ماه مبارک رمضان را شکستند و هم احترام مخصوص مکان مقدس و آستان ملک پاسبان بانوی اسلام را از بین بردند.

مردمان علاقمند به دین، از این ماجرا ناراحت شده و مطلب را به مرحوم شیخ محمدتقی بافقی رحمه الله علیه رساندند. او که انسانی بسیار غیرتمند بود، به آنان پیغام فرستاد که شما اگر بر غیر دین اسلامید، در این مکان شریف چه کار دارید و اگر مسلمانید چرا بی حجاب و با سر و موی باز در حضور چندین هزار نفر در غرفه نشسته اید؟ مردم هم سر و صدا کردند.

شیطان صفتان آتش افروزی نموده، خانواده سلطنتی را مرعوب ساخته اظهار داشتند که این آخوند، مردم را تحریک کرده که شما را اذیت کنند. آنها تحت تأثیر این تحریکات واقع شده تلگراف تحریک آمیزی به دربار کردند و در پی آن تلگراف پهلوی با عده زیادی از افراد ارتش حرکت کرده به قم آمد. اطراف صحن به فرمان او محاصره شد و خود برای گرفتن آن عالم محترم وارد صحن شد و با کفش وارد ایوان حرم مطهر گردید و به تیمورتاش فرمان داد که او را احضار کند.

آن خائن با کمال بی ادبی با کفش به مسجد بالاسر حضرت معصومه علیها السلام رفت و آقای بافقی که به رسم همه روزه مشغول موعظه بود را گرفته و او را بیرون کشید و در ایوان آینه نزد آن طاغوت از خدا بی خبر آورد و او تا چشمش به این روحانی پاک افتاد، با شدت بغضی که داشت شروع به فحش و جسارت و گفتن کلمات کفرآمیز کرد و عمّامه او را به گردنش انداخت و با حربه ای که در دست داشت به سر و صورت او زد و با لگد وی را به زمین انداخت و لگدهای زیادی به شکم و پهلوی او زد و او پیوسته می گفت: یا صاحب الزّمان!

آری، این هتک بزرگ را در جلو قبر مبارک حضرت معصومه علیها السلام کرد و آن عالم پرهیزکار را در آن مکان مقدّس که جای امن بود، بدانگونه مورد ضرب و شتم و آزار قرار داد و آن وضع وحشت بار را در محل نزول فرشتگان آسمانی به وجود آورد.

و تازه دستور داد او را به تهران ببرند و مأموران خبیث آن روحانی محترم را با توهین فراوان و آزار بسیار به تهران بردند و در زندان شهربانی کل، زندانی کردند. شش ماه زندانی بود و بعد او را به حضرت عبدالعظیم بردند و او در آنجا

به صورت اقامت اجباری، سکونت یافت تا در سال 1365 ه'ق از جهان درگذشت و جنازه شریفش را به قم حمل داده و در جوار حضرت معصومه علیها السلام و نزدیک مدفن مرحوم آیت الله العظمی آقای حایری دفن کردند.

نویسنده محترم شرح حال ایشان مرحوم آقای شیخ محمد رازی رحمة الله علیه دو خواب را نقل می کند که یکی راجع به حادثه هولناک ضرب و شتم و حبس کردن مرحوم بافقی است و دیگری راجع به آزاد شدن ایشان و چون از رؤیاهای صادقانه است هر دو را نقل می کنیم:

الف - یکی از سادات عظام و اخیار قم، حکایت کرد که یک شب قبل از حادثه، خواب دیدم که در حرم حضرت معصومه علیها السلام ایستاده و مشغول به گریه و زیارت می باشم. ناگاه دیدم جمعی به زی جباره و فسّاق آمده، ضریح آن حضرت را برداشتند و بعد قبر مطهر حضرت معصومه را خراب و بدن او را بیرون آورده و بردند و من هر چه جزع کردم که بدن حضرت را کجا می برید التفاتی به من نمودند. صبح آن روز خواب خود را برای آقای شیخ مهدی مجتهد و جمعی دیگر نقل نمودم. آنان گفتند: پیش آمد بزرگی خواهد شد.

اتفاقاً شب بعد آن قضیه رخ داد و آقای بافقی را به تهران بردند و خواب من تعبیر شد و دانستم که ایشان چقدر ارتباط با حضرت معصومه علیها السلام دارند. (73)

ب - مرحوم سیدمرتضی قمی معروف به ساعت ساز گفت: چون ایام زندان آقای بافقی به طول انجامید و خبری از او نبود، من بی اندازه مضطرب بودم. تا شبی در خواب دیدم که حضرت بقیة الله صاحب الامر صلوات الله علیه از سمت قبله می آید، در حالی که سوار اسب نجیب عربی است و خطی بر دست گرفته و نیزه خود را حرکت می دهد و از شدت سرعت، گویا در فضا راه می پیماید و

به صدای بلند از جوزه فارسی می خواند و از ابیاتی که شنیدم می خواند این بود:

باز آمدم موسی صفت از خود یدبضا کنم فرعون و قومش سر به سر مستغرق
دریا کنم

آمد تا رسید روی پل یا محاذی پل رودخانه و رو را به حرم مطهر حضرت
فاطمه معصومه علیها السلام گردانید و با حال گریه فرمود:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّتِي الْمَظْلُومَةَ، لَعَنَ اللَّهُ قَوْمًا هَتَكُوا حُرْمَتَكَ وَكَسَرُوا حِصْنَكَ

یعنی سلام بر تو ای عمّه مظلومه من، خدا لعنت کند کسانی که هتک حرمت
تو را کرده و قلعه محکم تو را شکستند - اشاره به آن ظالمین که با کفش، قدم
جسارت در حرم او گذارده و دوست او را توهین و اذیت نمودند و پس از این
سلام، مانند برق لامع، به طرف تهران رفت و من در خواب گمان می کردم که به
شهر می آید، از دیدم این صحنه خوشحال از خواب بیدار شدم و به اهل خانه
گفتم: ایشان از زندان خلاص شد، گفتند: تو از کجا می گویی؟ گفتم: خواب
دیدم که امام زمان عجل الله فرجه به طرف تهران برای خلاصی او می رفت.

اتفاقاً روز دیگر خبر رسید که همان روز، از زندان بیرون آمده است. (74)

2- هتک حرمت و بی حرمتی که از سوی عمّال محمد رضا شاه پهلوی
صورت گرفت و آن جریان تأسف انگیز حمله اشرا و مزدوران رژیم به مدرسه
فیضیه بود. اتفاقاً آن هم دوّم فروردین 1342 و مصادف با روز شهادت حضرت
امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام بود. آن روز از سوی مرجع بزرگ، مرحوم
آیت الله العظمی آقای گلپایگانی رضوان الله علیه مجلس سوگواری در مدرسه
فیضیه برقرار بود، جمعیتی بسیار عظیم در آنجا گرد آمده و جلوی منبر یعنی
مابین حوض بزرگ سابق تا جلو درب کتابخانه را کماندوها و مأمورین شاه

اشغال کرده بودند. در اثنای سخنرانی واعظ شهیر مرحوم آقای حاج انصاری قمی رضوان الله علیه آن جنایتکاران شروع به اخلال گری و به هم زدن نظم مجلس کردند، گاهی با صلوات های بی مورد و زمانی با سردادن شعار، ایجاد اغتشاش کردند تا بالاخره کنترل مجلس را از دست گوینده گرفتند، ایستادند و شعارهای شرک آلود خود را علیه علمای دین و به نفع شاه و خاندان پهلوی سردادند و بعد دیوانه وار به جان طلب، علما، محصلین و مردم مسلمان افتاده هرکس را که به دستشان می افتاد محکم می زدند، صحنه چنان بود که قابل توصیف نیست و آنچه بنده خود دیدم به وصف نمی آید. و بالاخره عده زیادی را مجروح و مصدوم ساختند و آن ماجرا کشته ای نیز بر جای گذاشت.

قابل توجه است که مدرسه فیضیه متصل به صحن عتیق حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است و بالاتر آنکه دری از درهای مدرسه به آن صحن مبارک باز می شود و اتفاقاً آن در درست محاذی با ایوان طلا و حرم مطهر و قبر منور حضرت فاطمه بنت موسی علیه السلام است.

و بعضی از نویسندگان محترم و اهل تحقیق گفته اند: این مدرسه تا قرن یازدهم به نام مدرسه آستانه، موسوم بوده و تا این اواخر هم مردم قم، آن را مدرسه صحن نیز می گفتند. (75)

بنابراین جنایت مزبور درست پیش چشمان حضرت معصومه علیها السلام و در حرم امن و امان آن بانوی بهستی به دست عمال پهلوی، صورت گرفت و حرمت آن حرم محترم را شکستند و در حریم صفیة الله، دختر موسی بن جعفر علیه السلام، مرتکب شتم، سب، ضرب و قتل که بزرگترین جنایات است شدند و این حادثه نفرت مردم مسلمان را از آن سفاکان بی رحم برانگیخت و مقدمات زوال و اضمحلال آن رژیم منحط را فراهم آورده، زمینه ای مساعد برای انقراض آنان

گردید و صدق آن حدیث شریف ظاهر شد که فرمود: هر جبّاری که قصد سوء درباره قم کرد، خداوند او را در هم شکست و نابود گردانید.

آری، هتک مستقیم و سوء ادب آشکار به قبر منور فاطمه معصومه علیها السلام و شکستن حرمت مسلم آن بانوی دو سرا به وسیله پدر و پسر بی ایمان صورت گرفت. یکبار پدر این اقدام غیرانسانی را کرد و بار دوم، پسر این برنامه ننگین را انجام داد و بالتیجه این پدر و پسر ننگ هتک حرمت بانوی بهشتی و بی احترامی به مهبط انوار الهی و فرشتگان آسمانی را برای خود کسب کردند و علاوه بر عذاب الیم و دردناک پروردگار فضاحت و رسوایی این عمل را برای خود خریدند و به جای آن همه اجلال، احترام، بنا، تعمیر و تقدیسی که از سلاطین صفوی و قاجار نسبت به آن بانوی بهشتی صورت گرفت، این دو موجود بخت برگشته دست به چنین اقدام زشتی زدند و لعن و نفرین مردم مسلمان و دلدادگان حضرت فاطمه معصومه علیها السلام برای ابد متوجّه آنان گردید و این است عاقبت ستمگرانی که به حریم قدس ناموس خدا و دخترگرانقدر حضرت موسی بن جعفر علیهم السلام اهانت کنند.

بخشی از افتخارات و گروهی از مفاخر قم

برای قم و مردم قم افتخارات فراوانی است. از جمله افتخارات آنان این است که اوّل کسانی که برای امامان معصوم، خمس فرستاده اند و از جمله آن ها اینکه بعضی از آنان مورد اکرام و احترام خاص ائمه علیهم السلام قرار گرفته، انگشتر یا خلعتی از ناحیه آن بزرگواران به آنها عطا شده است.

و از جمله اینکه بعضی از امامان علیهم السلام جماعت بسیاری از آنان را اکرام کرده، هدایا و تحفی به آنها عطا فرموده اند و به بعضی از آنان کفن داده، یا کفن بری آنها فرستاده اند.

به طور کلی شهرستان قم سابقه ای بسیار درخشان در ارتباط با علی و آل علی علیه السلام دارد و در این باب، داستانها نقل شده است که از جمله آنها قضیه دعبل خزاعی است. وی اشعار جالبی راجع به اهل بیت سرود که در حدود صدویست بیت است و طبق نقلی، او از حضرت رضا علیه السلام جامه ای خواست که آقا پوشیده باشند تا آن را جزء کفن خود قرار دهد. حضرت رضا علیه السلام پیراهنی که در تن داشتند را درآورده، به او مرحمت فرمودند. مردم قم از این جریان آگاه شدند و از دعبل درخواست کردند که آن را به سی هزار درهم به آنان بفروشد و دعبل نپذیرفت. آنان آمدند و راهی را که او عبور می کرد، بستند و به زور آن جبه را از او گرفتند و به او گفتند: اگر می خواهی این پول را بگیر و اگر نه خودت بهتر می دانی. ⁽⁷⁶⁾

او گفت: به خدا سوگند که من از روی رضا و رغبت آن را به شما نخواهم داد و به صورت غضب هم که نفعی از برای شما ندارد و من شکایت شما را به حضرت رضا علیه السلام خواهم کرد. بالاخره با او مصالحه کردند که سی هزار درهم و یک آستین پیراهن از ناحیه آستر به او بدهند و بر این مطلب توافق کردند و به او دادند و او راضی گردید و دعبل آن آستین پیراهن حضرت رضا علیه السلام را در کفن خود قرار داد. ⁽⁷⁷⁾

و اینک به ذکر اسامی چند نفر از مفاخر و رجال بزرگ علمی و مذهبی قم از قدما و متأخرین می پردازیم و شرح حال مختصری از آنان را ارائه می دهیم.

1- زکریابن آدم قمی

او از اصحاب حضرت رضا و حضرت جواد علیه السلام است و حضرت رضا علیه السلام نکاتی راجع به او فرموده اند که حاکی از اوج مقامات علمی و معنوی اوست.

علی بن مسیب می گوید: «به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: مسافت من بسیار زیاد و راه من دور است و برایم فراهم نیست که هر زمان بخواهم به حضور شما برسم. بنابراین از چه کسی معالم دین خود را فراگیرم؟ فرمود: از زکریابن آدم قمی که مورد اعتماد بر دین و دنیاست. علی بن مسیب می گوید: چون به وطن خود بازگشتم به حضور زکریابن آدم رسیده و همه مسایلی که مورد نیازم بود از او پرسش کردم. ⁽⁷⁸⁾

محمد بن اسحاق و حسن بن محمد می گویند: «سه ماه بعد از درگذشت زکریابن آدم به سوی حج رفتیم، در اثنای راه نامه حضرت رضا علیه السلام به دستمان رسید و در آن نوشته بودند: یاد جریانی کرده بودید که از قضای الهی در مورد آن مرد از دنیا رفته - زکریا - صورت گرفت. رحمت خدا بر او باد که در آن روز که به دنیا آمد و روزی که از دنیا رفت و روزی که زنده شده و مبعوث می گردد! پس به حقیقت که او ایام زندگی خود را گذرانید، در حالی که عارف به حق و قایل به آن و صابر بود و مشکلات را به پای حق حساب می کرد. به هر چه خدا و رسول واجب گردانیده بود قیام می نمود. رحمت خدا بر او با که درگذشت، در حالی که تقض احکام نکرد و آن را تبدیل ننموده و تغییر نداد. پس خداوند پاداش نیت او را بدهد و مهمترین آرزوی او را به وی عطا کند. ⁽⁷⁹⁾

زکریابن آدم خود می گوید: «به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: من تصمیم دارد که از میان بستگان و خانواده ام بیرون روم. چه آنکه سفها و اهل گناه در آنها زیاد شده اند. حضرت فرمودند: نه این کار را مکن، زیرا بلا به سبب تو از اهل بیت و بستگان دفع می شود، آنچنان که از اهل بغداد به برکت موسی بن جعفر علیه السلام دفع بلا می شد. ⁽⁸⁰⁾

و در نقلی آمده است که حضرت رضا علیه السلام به زکریابن آدم فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ بِكَ عَنْ أَهْلِ قَوْمٍ كَمَا يَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ بَغْدَادَ بِقَبْرِ مُوسَى
 بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام» راستی که خداوند به وسیله تو از اهل قم بلا را دفع می کند،
 چنانکه از اهل بغداد با قبر موسی بن جعفر عليه السلام بلا را دفع می فرماید.
 سالی حضرت رضا عليه السلام از مدینه به حج رفتند که زکریا بن آدم زمیل؛ یعنی
 هم محمل حضرت بود تا به مکه رسیدند. ⁽⁸¹⁾
 و بالاخره از این روایات استفاده می شود که آن بزرگوار در اعلا درجه
 وثاقت و اطمینان است.

قبر شریف او در مقبره مبارک شیخان قم، نزدیکی قبر مرحوم میرزای قمی
 است و در زیر بقعه ای قرار دارد که آن بقعه، تجدید بنا شده، نمای خارجی آن را
 کاشیکاری کرده اند.

2- زکریا بن ادریس یا ابوجریرقمی

گفته شده است که او از حضرت صادق، حضرت کاظم و حضرت رضا
عليه السلام روایت کرده و کتابی نیز داشته است. ⁽⁸²⁾
 و از زکریا بن آدم نقل شده که گفته است: «اول شب وارد بر حضرت رضا
عليه السلام شدم و تازه جریان درگذشت ابی جریر واقع شده بود. آقا راجع به او از من
 پرسش کردند و آنگاه بر او ترحم فرموده و طلب رحمت کردند و همچنان با من
 سخن گفتند و من با ایشان تا صبح شد و حضرت برخاستند و نماز صبح به
 جای آوردند. ⁽⁸³⁾

قبر شریف او در مقبره الشیوخ، یعنی شیخان قم و نزدیکی قبر زکریا بن آدم و
 میرزای قمی است و گفته شده است که سال رحلتش سال 201، پس از رحلت
 حضرت فاطمه معصومه عليها السلام بوده است. ⁽⁸⁴⁾

3- احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد اشعری قمی

او از محدثین اهل قم است. از حضرت جواد و حضرت هادی علیهما السلام روایت کرده است و از خواص حضرت عسکری علیه السلام به شمار می رفته و از ایشان نیز روایت دارد. او علاوه بر اینکه از اصحاب سه امام معصومه بوده، به عنوان شیخ القمیین نیز اشتهار کرده است.

دو جریان راجع به این مرد بزرگ نقل شده که هر کدام برای بیان مقام رفیع و شأن والای او کافی است.

1- تشرّف او به حضور امام عسکری علیه السلام و دیدار امام زمان حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف به وسیله ن بزرگوار:

شیخ صدوق نقل کرده که احمد بن اسحاق گفته است: وارد بر امام عسکری علیه السلام شدم و تصمیم داشتم که راجع به جانشین پس از وفات آن حضرت از وی پرسش کنم. ابتدا به سخن کرده و فرمودند: ای احمد بن اسحاق! خدای تبارک و تعالی زمین را از آغاز خلقت آدم از حجّت خود بر خلق، خالی نگذاشت و تا قیام قیامت هم خالی نخواهد گذاشت، به برکت آن حجت بلا را از اهل زمین دفع کرده و باران نازل می نماید و برکات زمین را به وسیله او بیرون می آورد.

عرض کردم: ای زاده پیامبر! پس امام و خلیفه بعد از شما کیست؟

حضرت با سرعت برخاسته، داخل اتاق شدند و چون بیرون آمدند، پسر بچه ای بر دوش گرفته بودند که صورتش همانند ماه شب چهارده بود و به کودکان سه ساله می برد. فرمود: ای احمد بن اسحاق! اگر به خاطر آن احترام و بزرگداشتی که از طرف خدا و حجت های او داری نبود، من این فرزند خود را به تو نشان نمی دادم. او همانم و هم کنیه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که زمین را پر از عدل و داد می کند، آنچنان که پر از ظلم و جور شده باشد.

ای احمدبن اسحاق، مثل او در این امت، مثل خضر علیه السلام و مثل ذوالقرنین است. به خدا سوگند چنان غیبتی داشته باشد که در آن غیبت کسی از هلاکت نجات پیدا نکند، مگر کسی که خداوند او را بر عقیده امامت وی ثابت گردانیده او را به دعای تعجیل فرج موفق بدارد.

احمدبن اسحاق می گوید: عرض کردم: از مولای من آیا نشانه ای هست که قلب من بدان مطمئن شود؟ ناگهان آن پسر بچه به زبان آمد و با زبان عربی فصیح گفت: **أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبُ اثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ؛** ⁽⁸⁵⁾ منم بقیة الله در زمین و انتقام گیرنده از دشمنان خدا، پس بعد از مشاهده عین، در پی اثر نباشد از احمدبن اسحاق!

احمد می گوید: من با فرح و شادمانی از نزد حضرت عسکری علیه السلام بیرون آمدم.

2- شیخ صدوق قدس سره حدیث مبسوطی را نقل کرده که در آخر آن آمده است: احمدبن اسحاق در سرمن رأی از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام پارچه ای به جهت کفن خود خواست.

حضرت سیزده درهم به او داده و فرمودند: این را خرج مکن مگر برای مصارف خودت و آنچه را که خواستی هم به تو می رسد.

سعدبن عبدالله واری خبر می گوید: «چون از خدمت مولایمان مراجعت کردیم و به سه فرسخی حلوان - سرپل ذهاب - رسیدیم، احمدبن اسحاق تب کرد و سخت بیمار شد، به طوری که از او مأیوس گردیدیم و چون وارد حلوان شدیم در کاروانسرای منزل کردیم. احمد فرمود: امشب مرا تنها بگذارید و از این رو هرکس به خوابگاه خود رفت.

نزدیک صبح در فکر افتادم، پس چشم باز کردم که ناگاه کافور، خادم مولایم امام عسکری علیه السلام را دیدم که می گوید: أَحْسَنَ اللَّهُ بِالْخَيْرِ عَزَاكُمْ وَ جَبَرَ بِالْمَحْبُوبِ رَزِيَّتِكُمْ؛ خداوند، سوگ و عزای شما را به خیر و خوبی قرار دهد و مصیبت شما را با آنچه که محبوب است جبران فرماید و بعد گفت: غسل و کفن رفیق شما، احمد، فارغ شد. اکنون برخیزید و او را دفن کنید، راستی که او عزیزترین شما در نزد آقایتان - امام عسکری علیه السلام - است، آنگاه از چشم ما غایب شد. ⁽⁸⁶⁾

آری، امام عسکری علیه السلام کافور خادم را با کفن از سامرا به آنجا فرستاده بود تا او را غسل دهد و کفن کند.

4- علی بن ابراهیم قمی

او از جمله روات امامیه و معاصر با حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بوده است. مرحوم شیخ کلینی اعلی الله مقامه در کتاب شریف کافی روایات بسیاری را از او نقل کرده و این حکایت از کمال وثوق و اعتماد شیخ کلینی بر آن بزرگوار می کند.

آثار متعدد علمی و روایتی از آن بزرگوار باقی مانده و نام برده شده است. ⁽⁸⁷⁾ لیکن شاید معروفترین آنها کتاب تفسیر اوست که در دو جلد، طبع شده و متکی بر روایات شریفه ای است که از طریق پدر بزرگوارش ابراهیم بن هاشم از حضرت باقر و حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است و چون وسایط بین ایشان و امام معصوم علیه السلام کم است، از ارزش بالایی برخوردار خواهد بود. ضمناً پدر او از اصحاب حضرت رضا علیه السلام بوده است.

او در قم از دنیا رفت و دارای قبه شریفی است و نزدیک مقبره شیخان قرار دارد و محل زیارت اهل ایمان و علاقمندان به اهل بیت است.

5- علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی

آن بزرگوار معروف به ابن بابویه است و از او به عنوان صدوق اول نامبرده می شود. رجالی بزرگ و مشهور، نجاشی راجع به او می گوید: شیخ القمیین در زمان خودش و متقدم و فقیه و ثقه آنان. او به عراق آمد و با حسین بن روح - وکیل ناحیه مبارکه - ملاقات کرد و مسایلی از او پرسش نمود. سپس با او به وسیله علی بن جعفر اسود، مکاتبه کرد و از او خواست که عریضه ای را که به حضرت صاحب علیه السلام نوشته بود، به آن حضرت برساند و در آن نامه از آقا خواسته بود که از خدا بخواهند پسری به او عطا فرماید و بعد، جواب از ناحیه مقدسه آمد که ما دعا کرده و خدا را در مورد حاجت تو خواندیم و به زودی دو پسر نیکوکار به تو عطا خواهد شد. و آنگاه دو پسر، یکی ابوجعفر، صدوق معروف و دیگری ابو عبدالله برای او متولد شدند. ⁽⁸⁸⁾

و همو حدود بیست کتاب را از آن بزرگوار اسم می برد. ولیکن از کلام فرزند برومندش صدوق معروف - بنابر آنچه که از فهرست ابن ندیم نقل شده - استفاده می شود که او دویست کتاب و تألیف داشته است. ⁽⁸⁹⁾

ولی مع الاسف آن آثار ضایع شده و چیزی از آنها دز دست نیست.

مرحوم علامه اعلی الله مقامه در مختلف فتاوی او را نقل کرده است و یکی از افاضل حوزه علمیه قم، حجت الاسلام و المسلمین مرحوم آقای شیخ عبدالرحیم بروجردی رحمه الله علیه فتاوی او را جمع آوری کرده و به ضمیمه فتاوی ابن ابی عقیل به نام «فتاوی العلمین» چاپ و منتشر ساخته است.

فتاوی این بزرگوار از اعتبار خاصی برخوردار بوده و هست به طوری که طبق نقل فقیه طراز اول شیعه، مرحوم شهید اول اعلی الله مقامه، اصحاب به آنچه که در کتاب شرایع شیخ ابن بابویه رحمه الله علیه بود، به هنگامی که نصی

را در مسأله ای نمی یافتند، تمسک کرده، فتوای او را مانند روایت وی به حساب می آوردند و این به خاطر حسن ظنی بود که به او داشتند. (90)

در جلالت قدر آن بزرگوار همین بس که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در توقیع شریفی که برای او فرستاده در خطاب به او مرقوم فرموده اند: یا شیخی و مُعْتَمَدی و فقیهی: ای شیخ من و محل اعتماد من و فقیه من!

گروهی از اهل قم می گویند: ما در سال وفات ابن بابویه در بغداد بودیم و علی بن محمد سمری - از وکلای ناحیه مقدسه - پیوسته از ما راجع به ابن بابویه سؤال می کرد و ما می گفتیم: نامه رسیده و او سالم است و کارهای خود را تدبیر می کند. گذشت تا روزی از ما همان پرسش را کرد و ما هم بدانگونه جواب دادیم. او گفت: خداوند در مورد علی بن الحسین - ابن بابویه - به شما اجر و پاداش دهد، چه آنکه او در همین ساعت قبض روح شد.

آنان می گویند: ما آن تاریخ را از نظر ماه و روز و ساعت، ثبت کردیم و بعد از هفده یا هجده روز که نامه آمد، خبر داده بودند که آن بزرگوار در همان ساعت از دنیا رفته بوده است. (91)

باری آن عالم جلیل القدر و متقدم در قم که زادگاه و پایگاه اصلی وی بوده، از دنیا رفت و دارای بقعه و بارگاهی است و قبر شریفش زیارتگاه اهل دل و حاجتمندان و علاقمندان است.

6- محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، معروف به صدوق

او در شهرستان قم، تولد یافت و وجود او به برکت دعای حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه بود، که به درخواست پدر محترم او از امام علیه السلام صورت گرفت.

و در شرح حالات شیخ صدوق اول، جریان دعای امام زمان را ذکر کردیم و دنبال همان قضیه دارد که شخصی به نام حسین بن عبیدالله گفته است: «من شنیدم که ابوجعفر - شیخ صدوق - می فرمود: من به دعای صاحب الامر علیه السلام ولادت یافتم و بدین مطلب افتخار می کرد. ⁽⁹²⁾

آن بزرگوار در قم، رشد یافت و از علما و مشایخ عصر خود در قم استفاده وافر برد و به درخواست اهل ری به آنجا مهاجرت کرد، تاریخ مهاجرتشان به صورت مشخص ذکر نشده است، اما طبق استظهاری که محقق جلیل مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی رحمه الله علیه از مواضعی از کتابهای عیون اخبارالرضا و خصال و امالی - که هر سه از تألیفات شیخ صدوق است - کرده اند، مهاجرت ایشان به ری بعد از ماه رجب سال 339 ه ق و قبل از رجب 347 ه ق بوده است. ⁽⁹³⁾

آثار و تألیفات آن مرد بزرگ بسیار زیاد است و ظاهراً در میان علمای امامیه کسی مانند ایشان در کثرت تألیف نداریم.

نجاشی در حدود دو ورق اسامی کتاب های شیخ صدوق را ذکر کرده است. و در حالات او آمده است که در سال 355 ه ق وارد بغداد شد. شیوخ طایفه از او استماع حدیث و مطالب می کردند و حال آنکه او خود تازه سال بود. مصنفات او بسیار است و در میان قمیین کسی مانند او در حفظ حدیث و روایت و مطالب و کثرت علم دیده نشده است. ⁽⁹⁴⁾ مباحثات و مناظرات او بسیار ارزنده است و در مقام مناظره بسیار قوی و نیرومند بوده است.

بر اثر شدت اعتماد علما بر روایات و نقلهایش، اشتها به صدوق پیدا کرد و او را رییس المحدثین خوانده اند.

شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی در جواب یکی از علمای سنی که شیعه را متهم کرده که ایشان را درسی نباشد، می گوید: «... و فضل و بزرگی شیخ کبیر، ابوجعفر بابویه، رحمة الله علیه، را خرد چگونه انکار توان کرد از تصانیف و وعظ و درس و از ری تا بلاد ترکستان و ایلان، اثر علم و فضل و برکات زهد و امانت او پوشیده نیست. (95)

و در جای دیگر در جواب سخن دیگری از آن منحرف می گوید: « و ابوجعفر بابویه، شیخی بزرگوار است و استاد همه طایفه. (96) و نیز می گوید: « ابوجعفر الکبیر بابویه، مصنف سیصد مجلد از اصول و فروع. (95)

و بالاخره آن بزرگوار در سال 381 هجری قمری در حالی که عمر شریفش به هفتاد و چندسال رسیده بود از دنیا رفت و قبر شریفش در شهر ری نزدیک قبر حضرت عبدالعظیم حسنی می باشد و دارای قبّه و بارگاه و حرم و صحن است و دلدادگان مکتب علی آل علی علیهم السلام به زیارتش می روند و بدان تبرک می جویند.

7- آخوند ملامحمدطاهر قمی رضوان الله علیه

او از علمای بزرگ قم در زمان صفویه بوده است. شیخ حر جبل عاملی او را با عناوین: عالم، محقق، مدقق، ثقة، فقیه، متکلم، محدث، جلیل القدر، عظیم الشأن یاد کرده است. او صاحب تألیفات متعددی بوده است، از قبیل:

1- شرح تهذیب الحدیث

2- حکمة العارفين فی ردّ شبه المخالفين

3- الاربعين فی فضائل امیر المؤمنین

4- رسالة الجمعة

5- الفوائد الدينية در ردّ بر حکما و صوفیه

6- حجة الاسلام و کتابهای دیگر⁽⁹⁸⁾

و بنا بر نقلی که کرده اند، میان این بزرگوار و محدث و مفسّر نامی، فیض کاشانی رحمة الله علیه در اختلاف در عقیده و نظر بوده و بر او خرده می گرفته است.

صاحب کتاب روضات، بعد از نقل این جریان می گوید: «گفته شده که او در آخر عمر از عقیده و روش خود برگشت و نسبت به فیض کاشانی خوش بین گردید. و بالاخره از قم به عزم کاشان بیرون رفت تا حضوراً از او اعتذار بجوید و تمام این مسافت را با قدم پیمود تا به کاشان رسید و بر در خانه او آمد و نداد در داد: یا مُحْسِنٌ قَدْ أَتَاكَ الْمُسِيءُ - نام مرحوم فیض، محسن بوده است - ای محسن و نیکوکار، آدم بدکار به در خانه تو آمده است. ملا محسن فیض بیرون آمد و با هم مصافحه و معانقه کردند و هرکدام از دیگری حلیّت می طلبید و بعد از آن ملا محمد طاهر بدون درنگ برگشت و فرمود: من از آمدنم از قم بدینجا خواستم هضم نفس و تدااه خود را و اینکه ضوان اللّ بنمایم.⁽⁹⁹⁾ بالاخره این بزرگوار در قم، پایگاه خود از دنیا رفت و در نزدیکی قبر زکریابن آدم و در بقعه او مدفون گردید.

8- شیخ غلامرضا قمی معروف به حاج آخوند

آن بزرگوار، فرزند حاج رجب علی قمی از اهل قم بوده و اشتهار به حاج آخوند داشته است. مرحوم آقای شیخ آقا بزرگ تهرانی از او به «عالم محقق و فقیه متبحر از اعظم» یاد کرده است.

او از قم برای تکمیل مراتب علمی به نجف می رود و دو سال درس شیخ مرتضی انصاری را درک کرده است. بعد از آن در درس مرحوم میرزای شیرازی شرکت نمود و در آخر دو سال هم دورانی که میرزای شیرازی در سامرا تشکیل حوزه داده بود، به سامراً رفت و آنگاه به قم برگشت و مرجع امور مردم گردید و مشغول تدریس و وعظ و اقامه جماعت گردید، تا در شانزدهم ذی الحجّه سال 1332 هجری قمری از دنیا رفت⁽¹⁰⁰⁾ و در ایوان آئینه در صحن بزرگ اتابکی، مدفون گردید.

البته در عصر ما علامتی برای قبر شریف او نیست.

آن بزرگوار دارای آثار علمی متعددی است؛ از قبیل: 1- صلاة، 2- صلاة المسافرين، 3- اجتماع امر و نهی، 4- مسأله ضدّ، 5- کتاب قضاء، 6- قلائد الفرائد.

در میان این آثار، کتاب اخیر که حاشیه بر فرایند استادش شیخ مرتضی انصاری است، چاپ شده و چندسال قبل به همت نوادگان محترمش به صورت افست، مجدداً چاپ شد و منتشر گردید.

کتاب مزبور، حاشیه ای ارزشمند است که در بعضی از مواضع، به تبیین کلمات شیخ پرداخته است و از خاطرات اینجانب در ایّام تحصیل و دوران جوانی در مدرسه رضویه، این است که نسخه ای از چاپ قدیمی این کتاب در کتابخانه آن مدرسه بود و ما هنگام اشتغال به رسایل، پیوسته بدان مراجعه می کردیم و قسمتی از مطالب آن را در حاشیه کتاب رسائلم یادداشت کرده ام.

قابل ذکر است که نسخه ای از بحث قضای آن بزرگوار در نزد یکی از فضلا بود و بنا بود توسط نوادگان مرحوم آخوند چاپ شود.

مع الاسف آنقدر تسویف و تأخیر شد تا آن آقا از دنیا رفت و به کلی قضیه منتفی گردید. آری و فی التأخیرِ آفات.

9- حاج میرزا محمد ارباب

مرحوم آیت الله آقای حاج میرزا محمد ارباب، فرزند محمدتقی بیگ ارباب در سال 1273 ه'ق در قم و در یک خانواده کشاورز تولد یافت. پس از تعلم مقدمات و سطح، به عتبات عالیات رفت. از محضر مرحوم حاج میرزا حبیب الله رشتی و مرحوم آقای آخوند خراسانی استفاده کرد و مدتی از محضر افادات مرحوم میرزای بزرگ شیرازی بهره مند گردید.

مرحوم علامه تهرانی او را از تلامذه میرزای شیرازی می شمارد و می گوید: «حاج میرزا محمد ارباب قمی، با آقا حسن قمی و مولا عبدالله قمی به سامرا آمد و سالهای کمی در آنجا بود، بعد با مولا عبدالله به نجف رفت و سالیانی در نجف بود. آنگاه به قم بازگشت و امروز او در قم از مروّجین و محققین و مصنفین است.» (101)

آن بزرگوار دارای تألیف ارزنده ای است به نام اربعین حسینه یا چهل حدیث حسینی و آن کتابی است در مقتل و تحقیقات فراوانی پیرامون فضایل و مناقب و مصایب حضرت سیدالشهدا علیه السلام و روایات وارده درباره آن حضرت دارند و تا کنون دو بار چاپ شده است و مرحوم تهرانی می گوید: «آن را در سال 1328 به نام متولّی باشی، سید محمدباقر حسینی، که از اولاد علی بن الحسین علیه السلام است، نگاشت.»

از خصوصیات و مزایای آن بزرگوار این است که در بزرگداشت مقام ارجمند مرحوم آیت الله العظمی حایری چیزی نگذاشته است، زیرا او به هنگامی که آقای حاج شیخ عبدالکریم به قم آمده و رحل اقامت افکنده اند، خود از علمای

برجسته، نافذالكلمه و محترم شهر به شمار می رفته است، مع ذلک زعامت آن مرد بزرگ را پذیرفته و با او همکاری نموده و بسیار نسبت به وی تواضع می کرده است.

او هر وقت می خواسته به جایی برود سوار مرکب متداول آن عصر می شده است، گاهی که در مسیر خود به آقای حاج شیخ عبدالکریم برخورد می کرده، از حیوان سواری خود پیاده می شده و ادای احترام می نموده است، دوباره سواری شده و به راه خود ادامه می داده است.

و نیز مرحوم آقای ارباب منبر نمی رفته اند، جز در مجلس روضه ای که از سول مرحوم آیت الله العظمی حایری به مناسبت سوگواری حضرت زهرای اطهر علیها السلام در مسجد بالاسر حضرت معصومه علیها السلام منعقد می شده است که استثناء در این مجلس به احترام آقای حاج شیخ عبدالکریم، منبر می رفته اند.

(102)

آن بزرگوار طبع لطیفی داشته و اشعار در مدایح و مراثی اهل بیت علیهم السلام می گفته است و از جمله اشعارشان قطعه شعر معروفی است در خطاب به حضرت ولی عصر و یادآوری مصایب کربلا که مطلع آن این است:

چه خوش باشد که بعد از انتظاری به امیدی رسند امیدواران
و این شعر در بسیاری از مجالس خوانده می شود و وعاظ و خطبا و گاهی مداحان، آن را با سوز مخصوص می خوانند و اثر خاصی در مستمعین دارد.

آن روحانی بزرگوار و موجه در ماه جمادی الاولی سال 1341 هجری، یک سال بعد از مهاجرت مرحوم حایری به قم، در سن 68 سالگی درگذشت و در قبرستان شیخان قم که مدفن بسیاری از علمای بلندپایه است دفن گردید. رحمة الله و رضوانه علیه.

10- مرحوم شیخ ابوالقاسم قمی

آن بزرگوار فرزند ملامحمدتقی قمی، از اعظام علمای بلده طیبه قم بوده اند. او در سال 1281 هجری قمری در قم تولد یافت. مقدمات را در نزد علمای قم مانند شیخ محمدجواد و شیخ محمدحسن قمی فرا گرفت. مدتی نیز در تهران از محضر مرحوم حاج میرزا محمدحسن آشتیانی استفاده کرد و سپس به عتبات عالیات رفت و از درس بزرگانی مانند میرزا حسن خلیلی و حاج آقارضا همدانی و مرحوم سیدمحمدکاظم یزدی و مرحوم آقای آخوند خراسانی، اعلی الله مقامهم جمیعاً بهره های فراوان گرفت.

از عبارت علامه تهرانی استفاده می شود که او در دوران تحصیل در نجف در کمال فقر و تنگدستی بوه و با این وضع ادامه تحصیل داده است تا از علمای بزرگ و برجسته گردیده و به مقام والای اجتهاد نایل شده است. او در سال 1322 ه'ق به زادگاه خود مراجعت کرد و سرگرم تدریس و تربیت نفوس و افتا و امامت جماعت گردید.

او علاوه بر مراتب عالیہ علمی، صاحب مقامات معنوی بالایی بوده و عمل وی در تربیت نفوس اثر بسزایی داشته است و این مطلب مسلم است که هنگام ورود مرحوم آیت الله العظمی حایری به قم او رییس مطلق و شخصیت یگانه علمی و دینی قم بوده و حداقل از رؤسا و علمای طراز اول شهر به شمار می رفته و با این وصف، با اخلاص عجیبی در برابر آن مرد بزرگ تواضع می کرده و در حمایت و پیشبرد زعامت او فروگزار نمی کرده است تا بالاخره ریاست و زعامت برای آقای حاج شیخ عبدالکریم حایری محرز می گردد و علی التحقیق یکی از عوامل مهم در پیشروی مرحوم آقای حایری فداکاری کم نظیر آقای حاج شیخ ابوالقاسم قمی بوده است.

شگفتا! او خود مرجع تقلید بوده و چنانکه نقل شده است اکثر مردم قم و نواحی - یا حداقل گروهی از آنان - از او تقلید می کرده اند و محبوب و مقبول عموم طبقات از مردمان عادی و طبقه فضلا و علما بوده است. به طوری که نقل شده است گروهی او را بر مرحوم آیت الله العظمی حایری ترجیح می داده اند، علاوه که خود قمی الاصل و اهل این سرزمین بوده است، مع ذلک نه تنها از آمدن آیت الله العظمی حایری به قم و اقامت او باکی نداشته، بلکه ترویج می کرده و زمینه استقرار ایشان را فراهم می آورده است.

نقل شده که یکی از شاگردان آن بزرگوار پای درس ایشان مطلبی را گفت و برای اینکه بتواند مطلب خود را به ایشان برساند، گفت: حضرت آیت الله! ایشان فرمودند: آیت الله آقای حاج شیخ عبدالکریم است.

و در نقلی خواندم که در مجلسی شرکت کردند. واعظ با تعبیر حضرت آیت الله... از ایشان تجلیل کرد. ایشان فرمودند: آیت الله آقای حاج شیخ عبدالکریم است.

از یکی از اعظام و مراجع در گذشته نقل شده که فرمودند: روزی همچنان که پای درس آقای حاج شیخ عبدالکریم نشستیم بودیم. ناگهان ایشان از منبر پائین آمدند. همه متحیر شدند که چه شد. بعد دیدیم که آقای حاج شیخ ابوالقاسم آمده اند و در درس آقای حاج شیخ به عنوان احترام از ایشان شرکت کرده اند و آقای حاج شیخ به احترام ایشان درس را قطع کرده و از منبر پائین آمده بودند. اجازه و تصدیق اجتهادی از آن بزرگوار برای مرحوم آیت الله آقای میرزا احمدسلطانی جهرمی صادر شده که صورت آن نزد اینجانب موجود است و مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم در ذیل آن نوشته اند، آنچه مرقوم فرموده اند صحیح است، الاحقر عبدالکریم الحایری.

باری، آن بزرگوار در سال 1353 هجری قمری مطابق با سال 1313 هجری شمسی دار فانی را وداع گفت و در مسجد بالاسر، نزدیکی موضعی که بعداً قبر مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم واقع شد، مدفون گردید.

11- حاج شیخ مهدی حکمی قمی

او که فرزند آخوند ملاعلی اکبر حکمی است در شهرستان قم و در سال 1280 یا 1281 ه'ق تولد یافته است. مقدمات را در قم و تهران فراگرفته و سپس در سال 1310 ه'ق به سامرا رفت و در درس مرحوم میرزای بزرگ شیرازی و پس از وفات او در درس مرحوم سیدمحمد فشارکی، حاضر شد و استفاده کرد. سپس به نجف آمد و از درس مرحوم آقای آخوند خراسانی و مرحوم میرزا حسین خلیلی تهرانی استفاده نمود، چنانکه قبلاً علوم عقیده را در تهران از مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه فراگرفته بود. بالاخره در سال 1322 ه'ق بازگشت به قم کرد و بر اثر علمیت بالا و مقامات زهد و تقوای معنوی ای که داشت، در نزد عموم طبقات از احترام خاصی برخوردار بود و محل وثوق و اعتماد مردم قرار داشت. در مسجد جامع قم که در قسمت پائین شهر قم واقع است، اقامه جماعت می نمود و عهده دار قضا و فصل خصومات و منازعات بین مردم بود.

و از چیزهایی که راجع به ایشان معروف و مشهور است، جریان عقرب گزیدگان است که به آن بزرگوار رجوع کرده اند و او دعایی می داده یا انگشت بر موضعی که عقرب گزیده بوده می گذاشته و به اذن الله در اسرع وقت درد برطرف می شده است.

ضمناً آن مرد بزرگ در سامراً و در درس مرحوم فشارکی یا میرزای شیرازی با مرحوم آیت الله العظمی حایری اعلی الله مقامه آشنا می شوند و مصاحبت و صمیمیت بین آن دو بزرگوار برقرار می گردد.

و این خود از عوامل زمینه ساز برای مهاجرت مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم به قم می شود و نقل شده که در ورود ایشان به قم، نخستین بار آقای شیخ مهدی حکمی پائین شهری، رضوان الله علیه بر اثر سوابق مصاحبت از حوزه سامرا ه میزبانی ایشان پرداختند و خلاصه برای اقامت آقای حاج شیخ عبدالکریم اقدام و همکاری می کرده است و این نکته از افتخارات خاصه است که خداوند نصیب ایشان فرموده و ان شاء الله در اجر و ثواب های حوزه و آثار آن شریکند.

بالاخره آن بزرگوار در مسافرت تابستانی که به محلات داشته اند، در سال 1360 ه'ق از دنیا رفتند و جنازه شریفشان به قم حمل داه شد و ضمن تشییع باشکوهی در رواق حرم، نزدیکی قبر مرحوم آقای حایری مدفون گردید. (103)

12- حاج میرزا محمد فیض قمی

مرحوم آقای فیض، رضوان الله علیه فرزند آقامیرزا علی اکبر - از ادبای قم - و از احفای مرحوم ملامحسن فیض کاشانی رحمة الله علیه بوده است. وی در سال 1293 ه'ق در قم به دنیا آمد. مقدمات را در نزد علمای قم، مانند مرحوم آقامیرزا محمدارباب خواند و مدتی در تهران اشتغال پیدا کرد و از محضر مرحوم آشتیانی و دیگران بهره مند گردید و در سال 1317 ه'ق به نجف مشرف گردیده، از محضر مرحوم سید محمدکاظم یزدی، صاحب عروة و مرحوم آقای آخوند خراسانی و نیز شیخ الشریعه اصفهان و محدث بزرگ، حاجی نوری استفاده کرد و در سال 1303 ه'ق به سامرا رفت و مورد توجه و عنایت میرزای

دوم آقا میرزا محمدتقی شیرازی قرار گرفت. بعد به قم، زادگاه خود مراجعت کرد و سرگرم تدریس و تربیت طلاب و افتا و امامت جماعت و ارشاد مردم گردید و نسخه ای از مناسک حج ایشان، در نزد اینجانب موجود است. او در مهاجرت مرحوم آیت الله حایری به قم اقداماتی داشته است که شرح آن در کتاب نفیس گنجینه آثار قم، که اثر فرزند آن مرحوم نویسنده محقق آقای عباس فیض رحمة الله علیه می باشد، آمده است و بالاخره آن بزرگوار در 25 ماه جمادی الاولی سال 1370 هجری قمری، اول اسفند 1329 هجری شمسی دار فانی را وداع گفت و مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی اعلی الله مقامه بر او نماز خواند و در ایوان طلا، صحن کهنه، محاذی قبر مطهر حضرت معصومه علیها السلام مدفون گردید.

این نکته، جالب است که فرزند ایشان نقل کرده که وفات ایشان در موقع ادای فریضه و در قنوت، در حالی اتفاق افتاد که جمله *إِلَهِنَا عَامِلِنَا بِفَضْلِكَ* را به زبان می راند. ⁽¹⁰⁴⁾

13- حاج آقا حسین قمی

مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج آقا حسین طباطبایی قمی اعلی الله مقامه فرزند مرحوم حاج سید محمود، از علمای اعلام و رجال علمی قم در اعصار اخیر است.

پدر ایشان مرحوم حاج سید محمود از تجار محترم قم بوده است. فرزندان او که همگی از صلحا و اخیار و اکثر آنها از علمای اعلام بوده اند، عبارتند از: حاج آقا احمد، حاج سید ابوالقاسم، حاج سید ابراهیم، حاج سید فخرالدین، آقای حاج آقا حسین اعلی الله مقامهم. لیکن حاج آقا حسین از همه آنان در

مقامات علم و فضل برتر و بالاتر بلکه سرآمد بسیاری از علمای عصر خود بوده است.

آن بزرگوار علوم مقدماتی را در قم فراگرفته و سپس به نجف اشرف رفته، از محضر درس مرحوم آقای سید محمدکاظم یزدی در فقه و آقای آخوند ملامحمدکاظم خراسانی در اصول و آقای حاج میرزا حسین نوری در روایه و درایه بهره مند شده و سپس به سوی مرحوم میرزای دوم آقای حاج میرزاحمدتقی شیرازی شتافته و از محضر وی اسفاده کرده، بیست و چند سال به تدریس و وظایف مقررّه سرگرم بود و مقبول عموم و مورد توجه علما و فضلا و مردم مشهد قرار داشت و بعد علیه رضاخان و حرکات ناشایست او قیام کرد، به تهران آمد و بالاخره غائله خراسان پیش آمد و منجر به تبعید ایشان به کربلا شد. ده سال در کربلا اقامت کرد تا در سال 1363 قمری به عزم زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به ایران آمد و استقبال بسیار گرم و باشکوهی در شهرهای مختلف از قصرشیرین تا قم و تهران از ایشان به عمل آمد و به مشهد رفته، یکماه توقف کرده به تهران برگشت و بار دیگر دنبال مطالب قبلی خود را گرفت و با کمک مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و ملت مسلمان، موفق شد که کشف حجاب اجباری را بردارد و بعد به کربلا برگشت.

درباره مقامات علم و کمال و تقوای ایشان بسیار مطلب گفته شده است که در این میان مرحوم محدّث قمی اعلی الله مقامه که نمونه صدق و عدالت بوده کلامی دارد که ما به همان اکتفا می کنیم. او می گوید: «از الطافی که خداوند به برکت حضرت رضا علیه السلام درباره من - در مشهد مقدس - کرد این بود که مرا فرود آورد در منزل السیّد الاجلّ و الکهف الاظلّ، العالم المحقّق و الفاضل

المدقق الورع البارِع، التقي الزكي، ثقة الاسلام، ملاذالانام، ابي المكارم و المحاسن، حجة الاسلام و سيدنا الحاج آقا حسين قمي.

و راجع به پدر آن بزرگوار می فرماید: السيد الحسين الجليل، ذي الشرف الاصيل، غرة ناصية العزة و الجلال و قدوة ارباب الشرف و الكمال و الواصل الى رحمة ربه الودود، المرحوم المغفور السيد محمود عطر الله مرقدته و نور مضجعه.

بعد می گویند: «و از این سيد سعادت مند این است که فرزندانی به او عطا شد که علما و فقها و اتقياءند. »

بار دیگر به ذکر آیت الله قمي می پردازند و می گویند: «از جمله فرزندان سيد محمود، سيد اجل یاد شده - آقای حاج آقا حسين - است؛ الذي هو من اعظم فضلائنا المتأهلين للثناء بكل جميل عادم العديل و فاقد الزميل، مسلماً تحقيقه في الاصول، بل ماهراً في المعقول و المنقول حسين الاسم، حسن الرسم و الاخلاق جيد الخلق طيب الخلق و الاعراق.

و در اینجا می گوید: من در قدسيّت ذات، دومی برای او ندیدم و در ملكات و صفات انسانی کسی را که حتی نزدیک به او باشد نیافتم. گویا وجودش سرشته به رضا و تسليم است و به سوی خدا نیامده است، جز با قلب سليم. (105)

باری، زعيم بزرگ شيعه، مرحوم آيت الله العظمى آقاى سيد ابوالحسن اصفهانی قدس سره در نهم ذى الحجة سال 1365 هجرى قمرى دارفانى را وداع گفت و بعد از وفات او مرجعيت مرحوم حاج آقا حسين قمي رسمى و عمومى گرديد، به خصوص که از قبل مرحوم ميرزا محمدتقى شيرازى مردم مشهد را در احتياطات خود ارجاع به آن بزرگوار فرموده بود و خلاصه چند نفر از اعظم بودند که در این هنگام در مقام مرجعيت عامه واقع شدند و دو نفر از آنان دو سيد جليل طباطبایى و الامقام و بلندپایه، هردو حسين نام، يکى حاج آقا حسين

بروجردی و دیگری حاج آقا حسین قمی، بیشتر در معرض قرار گرفتند؛ هرچند عده زیادی آقای بروجردی را بالخصوص برای مرجعیت نام می بردند، ولی گروهی هم آقای قمی را مقدم می دانستند و رسماً ایشان را می گفته اند. ولی بالاخره مرجعیت ایشان دوامی نیافت، زیرا حدود سه ماه و ده روز بعد از وفات مرحوم اصفهانی، آقای قمی هم در بیمارستان بغداد در 14 ربیع الاول سال 1366 هجری قمری از دنیا رفت و جنازه شریفش را از کاظمین به نجف آوردند و در صحن مقدّس در حجره مرحوم شریعت اصفهانی مدفون گردید.

آن بزرگوار از علمای کثیرالاولاد بوده اند که مشهورترینشان حضرت آیت الله حاج آقا حسن قمی، ساکن مشهد مقدس از مراجع عالیقدرند که یک بار در چندسال قبل توفیق زیارتشان را در رواق حرم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام پیدا کردم.

در پایان این بحث دو مطلب که یکی مربوط به زندگی بی آرایش و سراسر صداقت و یکرنگی آن بزرگوار است و دیگری مربوط به حال احتضار ایشان می باشد را ذکر می کنیم:

1- مرحوم آیت الله العظمی آقای گلپایگانی قدّس سره فرمودند:

روزی برای صرف نهار از مرحوم آقای حاج آقا حسین قمی و از مرحوم آقای صدر، دعوت کرده بودیم. اتفاقاً آن روز آقای صدر روزه گرفته بودند و نیامدند. آقای حاج آقا حسین قمی آمدند و ما آش پخته بودیم و ایشان میل کردند، بعد که رفتند فرستاده مرحوم آقای صدر آمد و گفت ایشان می فرمایند: یک مقداری از آن آش برای من بدهید که از بس آقای حاج آقا حسین از آش منزل شما تعریف کردند، من هم میلم کشید.

سبحان الله! از این پاکی و بزرگواری و یکرنگی مرحوم آقای قمی و صفا و صمیمیت آقای صدر و دوستی این سه شخصیت علمی با هم!!

2- آن بزرگوار در آخر عمر، دچار سرطان شده و در بیمارستان بغداد بستری گردیده و از دنیا رفتند. در روزهای واپسین عمر در حالت اغما بودند، یکی از بزرگان از قول حاضران کنار بستر ایشان نقل می کردند که: «آن بزرگوار در ساعات آخر و در همان حالات، ناگهان فرموده بودند: مرا بنشانید. حاضران خیال کردند که این سخن از عوارض حالت بیهوشی و اغمای اوست. بار دیگر به طور جدی فرمود: مرا بنشانید که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده اند.

ایشان را نشانند، در این حالت به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سلام کرد و سپس خوابیده و از دنیا رفت.

14- محدث قمی

محدث بزرگوار، مرحوم آقای حاج شیخ عباس قمی اعلی الله مقامه الشریف از ارکان علم حدیث و روایت در اعصار اخیر، بلکه خود رکن اصلی در این موضوع به شمار می رود. او در سال 1249 هجری قمری در شهرستان قم پا به دایره وجود نهاد و چون ایام کودکی را پشت سر نهاد، شروع به تحصیل علوم دینی کرد و تا سال 1316 هجری قمری همچنان در قم سرگرم اندوختن علوم اهل بیت علیهم السلام بود. در آن سال به عراق رفت و در نجف به مرحوم حاج میرزا حسین نوری اعلی الله مقامه متصل شد و شدت پیوند و رابطه بین این استاد و شاگرد پیدا شد و محدث قمی استفاده فراوان از آن بزرگوار کرد، تا در سال 1320 هجری قمری که استادش از دنیا رفت او هم به قم مراجعت کرد و سرگرم تحقیق و تألیف شد. در سال 1332 هجری قمری به مشهد مقدس رفت

و در آن ارض اقدس، ساکن گردید و به کار تألیف و تصنیف و درس اخلاق و موعظه اشتغال داشت و در مدرسه میرزا جعفر که در مجاورت بقعه مبارکه است، برای طلاب درس اخلاق می گفت. در حالاتشان نوشته اند که: حدود هزار نفر در محضر شریف او حضور می یافتند و آن بزرگوار، نزدیک سه ساعت یکسره به افادات خود ادامه می داد و مستمعین با اقبال تامّ و توجّه کامل، سخنان او را استماع می کردند. رسم او این بود که کتاب حدیث را با خود می آورد و عین عبارت مبارک روایت را با سلسله سند آن از روی کتاب می خواند و به شرح آن می پرداخت.

چند موضوع در زندگی این مرد بزرگ بسیار قابل توجّه است:

1- استقامت و پشتکار او در زندگی. او چنان اهتمام به امر تألیف و تصنیف داشت که تمام عمر خود را وقف آن کرده بود و هیچ گاه در کار خود سستی نکرد و حتی در سفرهای خود و در بین راه ها هر جا اندک فرصتی پیدا می شد، او سرگرم کار خود می گردید و یکی از بزرگان گفته است: «در بیابان او را دیدم که وقتی ماشین حامل ایشان خراب شده بود و مشغول اصلاح و تعمیر آن بودند، او مشغول نوشتن بود.»

2- موفقیت ایشان. او به راستی از موفق ترین علما و محدّثین اعصار اخیر است، زیرا در عمر شصت و پنج ساله خود علاوه بر تربیت نفوس بسیار 33 جلد کتاب ارزشمند مطبوع و چاپ شده دارد، که بعضی از آنها خود دو جلد یا سه جلد است، چنانکه کتاب گرانسنگ «سفینه البحار» دو جلد قطور است و کتاب پرارزش «الکنی و الالقاب» او سه جلد می باشد، و 17 کتاب تمام شده دارد که چاپ نشده و 11 کتاب دارد که موفق به اتمام آنها نشده و ناتمام مانده

است. ضمناً کتابهای این روحانی بزرگوار از اتقان و استحکام خاصی برخوردار است و عموم طبقات از آثار قلمی او بهره مند و برخوردارند.

3- اخلاص او. محدّث اعلیٰ الله مقامه، به مرتبه عالی یقین و اخلاص واصل شده بود و در این موضوع، حکایت‌هایی نقل شده است، از جمله مطلبی که مرحوم دکتر شهابی در مقدمه کتاب «الفوائد الرضویه محدّث قمی» نقل کرده است، هرچند که در بعضی از چاپهای آن کتاب، مقدمه مزبور اسقاط گردیده است. در هر حال ایشان می‌گویند: «ماه رمضان فرارسید، طلاب و مؤمنین از وی درخواست می‌کنند که در مسجد گوهرشاد اقامه نماز جماعت کنند. او هم پذیرفت و در آن مسجد حضور می‌یافت و اقامه جماعت می‌کرد و جمعیتی انبوه در آن جماعت شرکت می‌کردند. یک روز پس از پایان نماز ظهر برمی‌خیزد و می‌گوید: «من نمی‌توانم نماز عصر بخوانم» و بیرون می‌رود و دیگر به کلی آن جماعت را ترک می‌کند و بعد که علّت را از او می‌پرسند، می‌گوید: در رکوع رکعت چهارم بودم که همچنان صدای «یاالله» و «ان الله مع الصّابرين» از اقتداکنندگان به گوشم رسید و به ذهنم آمد که جمعیت بسیاری در نماز شرکت کرده اند و نوعی انبساط برایم دست داد و من که اینچنین باشم، شایستگی اقامه جماعت ندارم و از این رو آن جماعت را ترک کردم.

داستان دیگری را فرزند برومند آن بزرگوار، خطیب و واعظ پاک و پرهیزگار، مرحوم آقای حاج میرزا علی آقا محدّث زاده رضوان الله علیه نقل کرده است و طبق آنچه در دفتر یادداشت‌هایم آمده و با یک واسطه نقل کرده ام این است: ایشان از پدرشان - محدّث قمی - نقل کرده اند که مرحوم کربلایی محمد رضا - پدر محدّث قمی - روزی در صحن شریف حضرت معصومه علیها السلام، پای منبر مرحوم شیخ عبدالرزاق نشسته بوده و از او احادیثی را از روی کتاب

منازل الاخره می خوانده است که بسیار برای ایشان جالب بوده و تحت تأثیر مطالب و روایات آن کتاب که پیرامون قبر و قیامت است واقع می شود و نمی دانسته که کتاب منازل الاخره یکی از تألیفات فرزند خودش حاج شیخ عباس است و چون به خانه می آید و می بیند فرزندش محدث قمی مشغول نوشتن است به او می گوید: ... مثل آقا شیخ عبدالرزاق هم نشدی، چه روایت‌هایی از کتال منازل الاخره می خواند! محدث قمی فرموده اند: من آمدم بگویم که این کتاب، نوشته و تألیف من است، ولی دیدم که اگر بگویم اولاً شاید منافات با اخلاص داشته باشد و ثانیاً ممکن است موجب شرمندگی پدرم بشود و از اظهار این موضوع خودداری کردم!

4- او شدت احترام به کتب اخبار و نیز برای علمای اعلام قائل بوده است. مرحوم آقای حاج میرزا علی آقا فرزند آن بزرگوار نقل کرده اند که: شبی در تهران در منبر، آن حدیث را خواند که امام صادق علیه السلام شبانه غذا برای گروهی از مستمندان می برد که در مکانی خوابیده بودند و شخصی که همراه حضرت بوده پرسیده است که آیا اینها از دوستان شمایند؟ حضرت فرموده: اگر از موالیان ما بودند لواسیناهم بالدقة، در نمک طعام هم به آنان مساوات می کردیم. و چون مرحوم مجلسی با کسر دال ضبط کرده (الدقة) من گفتم: مجلسی اشتباه کرده و این کلمه مضموم است به معنی «نمک».

مجلس تمام شد و من به منزل رفته و استراحت کردم، همان شب در عالم رؤیا دیدم پدرم را که به من فرمود: پسرک به تو چه که مجلسی اشتباه کرده؟! او در صدر علمای اسلام است، زود برو و از او عذر بخواه! من بیدار شدم و صبر کردم تا صبح فردا رسید و فقط به مادرم گفتم: من رفتم و زود حرکت کردم و به اصفهان آمدم و سر قبر علامه مجلسی رفته و از سخن خود اعتذار جستیم.

باری مرحوم محدث قمی در اواخر عمر، مشهد را به قصد عتبات عالیات ترک کرد و در نجف اشرف مقیم شد و در شب 23 ذی الحجة سال 1359 هجری قمری از دنیا رفت و مرحوم آیت الله العظمی آقای سید ابوالحسن اصفهانی قدس سره بر او نماز خواند و در کنار استادش حاجی نوری دفن گردید.

(106)

قم / حوزه علمیه

علی اکبر کریمی جهرمی

پی نوشت ها :

- (1) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 211، ح 18 و کشی، محمد، اختیار معرفة الرجال، ص 333
- (2) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 212-213
- (3) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 213، ح 23.
- (4) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 213، ح 24.
- (5) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 214، ح 26.
- (6) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 214، ح 27.
- (7) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 214، ح 31.
- (8) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 214-215، ح 32.
- (9) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 215، ح 33.
- (10) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 215، ح 35.
- (11) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 216، ح 38.
- (12) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 216، ح 38.
- (13) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 216، ح 39.
- (14) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 216-217، ح 41.
- (15) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 217، ح 42.
- (16) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 217، ح 44.
- (17) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 217، ح 46.
- (18) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 218-219، ح 49.
- (19) صدوق، محمدبن علی بن الحسین، عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج 2، ص 260، ح 21.
- (20) صدوق، محمدبن علی، عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج 2، ص 260، ح 22.
- (21) قمی، حاج شیخ عباس، سفینه البحار، ج 2، ص 447، ماده «قَمَمَ».
- (22) قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج 1، ص 82.
- (23) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 217، ح 42.
- (24) سوره هود، آیه 45.

- (25) سوره هود، آیه 46.
- (26) ابن اثیر، اسدالغابة فی معرفة الصحابة، ج 5، ص 547.
- (27) مفید، محمد، ارشاد، ج 1، ص 355.
- (28) توسی، محمد، امالی، ج 2، ص 249-251، با تلخیص.
- (29) مفید، محمد، ارشاد، ج 2، ص 244.
- (30) این جمله در زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام، نیز ذکر شده است.
- (31) حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: لا یُقاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدًا وَلَا یُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا هُمْ أَسَاسُ الدِّینِ وَ عِمَادُ الْیَقِینِ، نهج البلاغه، خطبه 2
یعنی احدی از این امت را با آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، مقایسه نتوان کرد و کسانی که ریزه خوار نعمت آل محمدند، با آنان برابر نخواهند شد. آنان اساس دین و پایه های یقین اند.
- (32) به اعیان الشیعة، اثر سید محسن امین جبل عاملی، طبع بیروت، ج 8، ص 391 مراجعه شود.
- (33) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 57، ص 219.
- (34) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 22، ص 373 و 380.
- (35) ابن شهر آشوب، مناقب، ج 4، ص 291-292.
- (36) تمام روایت و روایات دیگری را در بحث زیارت حضرت معصومه علیها السلام ذکر خواهیم کرد.
- (37) قمی، میرزا ابوالقاسم، جامع الشتات، ج 2، ص 786: واضح است که مقصود میرزای قمی از آخوند ملا محمدباقر مجلسی است و اما اینکه فرمود: سه روایت مورد اشکال است زیرا مجلسی، شش روایت را در این باب ذکر فرموده است.
- (38) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 99، ص 267، و از این پیش در بحث روایات آن را از ج 57 نقل کردیم.
- (39) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، طبع بیروت، ج 99، ص 267.
- (40) ابن قولویه، کامل الزیارات، ص 324، و مرحوم شیخ صدوق علیه الرحمة در عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 267، و در ثواب الاعمال، ص 124 به سند معتبر این روایت را نقل کرده است.
- (41) همان.
- (42) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، طبع بیروت، ج 99، ص 265-266.

- (43) استفتاآت مخلوط.
- (44) بدین ترتیب: عبدالعظیم (بن عبدالله)، (بن علی)، (بن الحسن)، (بن زید)، بن السبط الاکبر الامام حسن المجتبی علیه السلام.
- (45) یادداشت‌های مرحوم آقای حایری، ص 118.
- (46) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 57، ص 219.
- (47) قمی، حاج شیخ عباس، منتهی الامال، ج 2، ص 162.
- (48) فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ج 2، ص 70.
- (49) کاظمینی، میرزا محمد، تندیس پارسایی، ص 86 - 82.
- (50) مرحومه مادر بزرگم، یعنی مادر مادرم رحمة الله علیها، خداوند اموات همه اهل ایمان و آن مرحومه مغفوره را در عالم آخرت با حضرت معصومه علیها السلام محشور فرماید.
- (51) فاطمی، سید حسین، جامع الدرر، ج 2، ص 228.
- (52) قزوینی رازی، عبدالجلیل، النقض، ص 643.
- (53) قائم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم، اقامة البرهان علی اصول دین الاسلام، ص 289.
- (54) قائم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم، اقامة البرهان علی اصول دین الاسلام، ص 478-479.
- (55) نوری، میرزا حسین، دارالسلام فی الرؤیا و المنام، ج 2، ص 169 - 171، با تلخیص.
- (56) آیت اللهی، سید محمدباقر، سرگذشت نیکان، ص 184 - 186.
- (57) حدیث شریف و مدرک آن در بخش اخبار و روایات، گذشت.
- (58) قمی، حاج شیخ عباس، الفوائد الرضویة، ص 380.
- (59) سوره یوسف، آیه 93، یادداشت‌های مرحوم آیت الله حایری، ص 134.
- (60) این مراکز سه گانه عبارتند از: الف: مسجداعظم، ب: مدرسه آقای گلپایگانی، ج: دارالشفاء و فیضیه.
- (61) البته آن بزرگوار نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا رانیز در حرم می خواندند و نیز مرحوم آیه الله العظمی اراکی نماز ظهر و عصر را در آن مکان مقدس می خواندند.
- (62) امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج 1، ص 197.
- (63) مجلسی 7 محمدباقر، بحارالانوار، ج 65، ص 76 - 77 و سفینة البحار، محدث قمی، ج 1، ماده شیع، ص 729.
- (64) گنجینه دانشمندان، مرحوم آقای رازی رحمة الله علیه، ج 1، ص 16 - 17.

(65) سوره اسراء، آیه 79.

(66) تفسیر عیاشی، ج 2، ص 314، تفسیر برهان، ج 2، ص 440، تفسیر صافی، ج 1، ص

585.

(67) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 8، ص 52.

(68) قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج 1، ص 83.

(69) فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ج 1، ص 58.

(70) فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ج 1، ص 425.

(71) قزوینی رازی، عبدالجلیل، التتقص، ص 167-168 و در پاورقی آمده که یا مراد به

مقطع در اینجا کسی است که سلطان، منافع و عایدات قصبه ای یا شهری را به یکی از درباریان خود واگذار کند در مقابل اینکه او نیز پیوسته یا در موقع لزوم، عده ای حاضر در رکاب را تحت اختیار سلطان بگذارد.

(72) فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ج 1، ص 424-425.

(73) رازی، محمدشریف، مجاهد شهید آیه الله بافقی، ص 94.

(74) رازی، محمدشریف، مجاهد شهید آیه الله بافقی، ص 101.

(75) فقیهی، علی اصغر، تاریخ مذهبی قم، پاورقی 194.

(76) معلوم می شود که آن زمان هم مثل زمان ما دوستیها گاهی با طغیانگری همراه بوده

است.

(77) امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج 2، ص 351 و در نقلی هزار دینار طلا؛ ططک ک به جای

سی هزار درهم آمده است.

(78) توسی، محمد، اختیارالمعرفة الرجال، ص 595.

(79) توسی، محمد، اختیارالمعرفة الرجال، ص 595.

(80) توسی، محمد، اختیارالمعرفة الرجال، ص 594.

(81) اردبیلی، محمد، جامع الرواة، ج 1، ص 330.

(82) رجال کشی، ص 173.

(83) توسی، محمد، اختیارالمعرفة الرجال، ص 616.

(84) فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ج 1، ص 223.

(85) صدوق، محمد، کمال الدین، ص 384.

(86) صدوق، محمد، کمال الدین، ص 264-265.

- (87) کسانی که طالبند به رجال نجاشی، ص 260 مراجعه کنند.
- (88) رجال نجاشی، ص 261.
- (89) مقدّمه معانی الاخبار، به قلم مرحوم ربّانی شیرازی، ص 82 - 83.
- (90) محمّدبن مکی (شهید اوّل)، ذکری الشیعة، ص 4.
- (91) به کتاب غیبت شیخ طوسی، ص 257 مراجعه شود.
- (92) رجال نجاشی، ص 261.
- (93) مقدّمه معانی الاخبار، ص 18 - 19.
- (94) مقدّمه معانی الاخبار، ص 10.
- (95) قزوینی رازی، عبدالجلیل، النقض، ص 51.
- (96) قزوینی رازی، عبدالجلیل، النقض، ص 159.
- (97) قزوینی رازی، عبدالجلیل، النقض، ص 179.
- (98) حر عاملی، محمّدبن حسن، امل الآمل، ج 2، ص 277.
- (99) موسوی خوانساری، میرزا محمّدباقر، روضات الجنّات، طبع قدیم، ص 517.
- (100) تهرانی، آقابزرگ، تقی‌البشر، ج 4، ص 1657.
- (101) تهرانی، آقا بزرگ، هدیه الرازی الی الامام الشیرازی، ص 147 - 148.
- (102) دو مطلب اخیر را خطیب بزرگ اسلام مرحوم آقای فلسفی رحمة‌الله علیه در جلسه فاتحه مرحوم آقای اشراقی - نوه مرحوم آیت الله ارباب و داماد مرحوم امام - و مرحوم شهید مدنی که در فیضیه از طرف آیت الله العظمی گلپایگانی منعقد بود و در سخنرانی خود، از قول معظمّ له نقل کردند.
- (103) به کتاب مسلسلات، اثر آقای دکتر حاج سید محمود مرعشی نجفی، ج 2، ص 343 - 344، گنجینه دانشمندان، آیینہ دانشوران و تاریخ مذهبی قم، مراجعه شود.
- (104) به آیینہ دانشوران، ص 352 - 353، و گنجینه آثار قم، ج 1، ص 328 - 337 مراجعه شود.
- (105) قمی، حاج شیخ عباس، الفوائد الرضویه، ص 3 و برای مطلب قبلی به کتابهای گنجینه آثار قم و نیز گنجینه دانشمندان رجوع فرمایید.
- (106) به مقدّمه کتاب الانوار البهیة مراجعه شود.

فهرست مطالب

2	پیش گفتار.....
4	اخبار و روایات.....
13	قم حرم اهل بیت.....
14	شهر قم و نام افتخار آفرین آن.....
16	مزایا و خصوصیات و عناوین شهر قم.....
21	مزایای مردم قم.....
27	چراغ حرم اهل بیت، فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small>
27	فواطم آل هاشم و فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small>
33	درخشش حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>
38	شباهت حضرت معصومه به حضرت زینب <small>علیها السلام</small>
40	وفات کریمه اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
44	زیارت حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>
49	حضرت ولی عصر و زیارت حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>
51	بیت النور یا محراب عبادت حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>
53	موقعیت و محبوبیت حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>
57	تواضع بزرگان در آستانه حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small>
58	اهتمام شیعه به زیارت حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small>
62	کرامات حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small>
69	آثار توسل به حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small>
72	حل مشکلات علمی.....

75.....	برکات حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small>
81.....	کانون هدایت و فیض دایم
91.....	محدثه آل محمد <small>علیهم السلام</small>
95.....	فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small> شفیعه روز جزا
98.....	تکریم حریم قم و حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>
100.....	هتک حریم قم و حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>
106.....	بخشی از افتخارات و گروهی از مفاخر قم
107.....	1- زکریابن آدم قمی
109.....	2- زکریابن ادريس یا ابوجریرقمی
110.....	3- احمدبن اسحاق بن عبدالله بن سعداشعری قمی
112.....	4- علی بن ابراهیم قمی
113.....	5- علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی
114.....	6- محمدبن علی بن الحسین بن بابویه قمی، معروف به صدوق
116.....	7- آخوند ملامحمدطاهر قمی رضوان الله علیه
117.....	8- شیخ غلامرضا قمی معروف به حاج آخوند
119.....	9- حاج میرزا محمد ارباب
121.....	10- مرحوم شیخ ابوالقاسم قمی
123.....	11- حاج شیخ مهدی حکمی قمی
124.....	12- حاج میرزا محمد فیض قمی
125.....	13- حاج آقا حسین قمی
129.....	14- محدث قمی
134.....	پی نوشت ها :
139.....	فهرست مطالب